
www.mahdaviat.com
یا لثارات الحسین
فروغ حق
مصاف حق و باطل از نهضت حسینی تا انقلاب مهدوی
رحیم کارگر

بسم الله الرحمن الرحیم

فروغ حق : مصاف حق و باطل از نهضت حسینی تا انقلاب مهدوی

نویسنده:

رحیم کارگر

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فروغ حق: مصاف حق و باطل از نهضت حسینی تا انقلاب مهدوی

مشخصات کتاب

سرشناسه : کارگر، رحیم، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور : فروغ حق: مصاف حق و باطل از نهضت حسینی تا انقلاب مهدوی/ رحیم کارگر.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۴۰ص.

شابک : ۲۵۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۵۰-۷

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ قبلی: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر، ۱۳۸۷.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۳۵] - ۲۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : مصاف حق و باطل از نهضت حسینی تا انقلاب مهدوی.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- غیبت

موضوع : مهدویت-- انتظار

موضوع : حق و باطل

موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ق -- فلسفه

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/ک۱۷ف۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۰۰۷۵۵

ص: ۱

اشاره

فروغ حق

مؤلف: رحیم کارگر

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

طرح جلد و صفحه آرا: عباس فریدی

نوبت چاپ: سوم/ زمستان ۱۳۹۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۵۰-۷

شمارگان: هزار نسخه (تاکنون: پنج هزار نسخه)

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹- ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۷۷۴۹۵۶۵ و ۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۷۷۳۷۱۶۰ و ۷۷۴۴۲۷۳

* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

www.mahdi۳۱۳.com

کد فایل: ۰۹۰۶۶-۳

سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحیم

امامت خورشید زندگی بخشی است که اعتقاد شیعه با آن گره خورده و باعث شده است تا این جریان، راه خویش را در تاریخ اسلام از کج راهه ها و بیراهه ها جدا کند. حیات، بالندگی و بقای شیعه در گرو این حقیقت بزرگ قرآنی و یادگار سترگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

در میان امامان شیعه، امام دوازدهم از ویژگی ها و امتیازهای خاصی برخوردار است. او تنها کسی است که همه جهان را از عدل و داد، سرشار خواهد ساخت؛ همان گونه که از ظلم و بیداد پر شده است.

مهدویت، به دلیل دارا بودن ویژگی های منحصر به فرد، یکی از توانمندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است؛ از این رو طرح درست و گسترش این فرهنگ در جامعه، باعث تعالی هرچه بیشتر جامعه و حفظ آن از فرو غلتیدن در ناراستی ها، فسادها و تباهی ها است.

«مهدویت» در اندیشه اسلام و ادیان آسمانی، اندیشه ای فراگیر و پیشینه دار و نقطه اوج و کمال تاریخ بشری است. آموزه مهدویّت، برنامه ای جامع و کامل برای تشکیل جامعه ای مطلوب و تفسیری راهبردی از حوزه های مختلف زندگی انسان است. این آموزه، تصویر و طراحی کامل و فراگیر جامعه برتر دینی و بیان راه کارها و برنامه های دستیابی به «حیات متعالی» است و می تواند در همه شؤون زندگی معاصر، تأثیرگذار و راهگشا باشد. از طرف دیگر توجه جهان به این موضوع مهم در عصر حاضر و مطرح شدن اندیشه های موازی و انحرافی در این زمینه، از سوی قدرت های جهانی و

اندیشمندان بشری و برداشت های غیر کارشناسانه از آن، ضرورت پاسداری از این اندیشه بنیادین اسلام را چند برابر کرده است.

در این راستا بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز آموزشی تخصصی مهدویت، به منظور ترویج و معرفی بیشتر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناساندن فرهنگ مهدویت و آشنا ساختن جامعه مخصوصاً نسل نو با نقش آن امام عزیز در عصر غیبت و حکومت واحد جهانی و تحکیم پایه های امامت و ولایت، تأسیس شده و اهداف مختلفی را پیگیری کرده است.

یکی از برنامه های مهم این بنیاد، تألیف و نشر کتاب و نشریه و تدوین آثار فرهنگی، علمی و ادبی درباره شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که تا کنون بیش از ده هاعنوان کتاب، تدوین و چاپ کرده است.

اکنون نیز کتاب فروغ حق (مصاف حق و باطل از نهضت حسینی تا انقلاب مهدوی) در اختیار دوستداران و عاشقان آن امام عارفان و ذخیره پیامبران قرار می گیرد، باشد که قبول اهل نظر افتد.

مجموعه حاضر گامی آغازین در این زمینه به شمار می آید؛ امید است فرهیختگان با تلاش های جدید و ژرف تر، پژوهش های کامل تر و متنوع تری ارائه دهند و اقدامات پر ثمری در ترویج فرهنگ «مهدویت» به عمل آورند.

در پایان ضمن تشکر از زحمات مؤلف محترم، امیدواریم خوانندگان گرامی با ارائه دیدگاه ها و انتقادهای خود، ما را در پربارتر شدن این گونه آثار، یاری نمایند.

قم مرکز تخصصی مهدویت

مجتبی کلباسی

فهرست مطالب

فصل۴

عرفان و حماسه

پیش درآمد

در فرهنگ پرافتخار شیعه، دو قیام و نهضت حق طلبانه، جایگاه ویژه و برجسته ای دارد: یکی «حماسه جاودانه حسینی» است که در گذشته روی داده و دیگری «انقلاب جهانی مهدوی» است که در آینده تحقق خواهد یافت. رهبر هر دو قیام، امام معصوم و از خاندان مطهّر پیامبر گرامی اسلام است.

«واقعه عاشورا» سرآغازی برحیات، پویایی و بالندگی شیعه و «ظهور موعود»، نقطه اوج، رشد، کمال و سعادت شیعه (و همه یکتاپرستان و صالحان) است. بین این دو نهضت، پیوند و ارتباط وثیق و ناگسستنی وجود دارد و هر دو در امتداد هم و تکمیل کننده یکدیگرند. مهم ترین جلوه هر دو قیام، بروز و ظهور کامل «حق» و تشکیل جبهه «حق» در برابر گروه «باطل» است.

از نظر شیعه، مصاف نهایی حق (نور و ایمان و خیر) در برابر باطل (کفر و ظلمت و شرّ،) در عصر ظهور و هنگام قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روی خواهد داد. این نهضت، فراگیر، جهانی، گسترده و کوبنده خواهد بود و بسیاری از ملت ها و شریعت ها منتظر آن هستند. وعده این مصاف نهایی که منجر به نجات و رستگاری

انسان ها می شود در همه کتاب های آسمانی و بعضی از ادیان دیگر بیان شده و در قرآن مورد تأکید فراوان بوده است.

با این حال این قیام جهانی، متأثر از نهضت عاشورا و تکمیل و تمام کننـده آن است. برای تبیین این موضوع و فهم تأثیرگذاری و نقش حماسه حسینی بر قیام مهدوی و مصاف نهایی حق و باطل، چند رهیافت و تحلیل ارائه می شود:

۱. رهیافت فلسـفی تاریخی (بررسـی پیوند هر دو قیام براساس فلسـفه نظری تاریخ و بررسی نزاع و ستیزش حق و باطل در طول تاریخ)؛

۲. رهیـافت روایی (بررسـی و ارائه روایـاتی که نهضت مهـدوی را در ادامه حمـاسه حسـینی و در جهت انتقـام و خونخواهی از دشمنان خدا و کشندگان امام حسین علیه السلام معرفی می کند)؛

۳. رهیافت سیاسـی دینی (بررسـی آموزه ها، پیام ها، اهداف، انگیزه و برنامه های مشترک و همسان هر دو قیام و تبیین نقش و تأثیر آموزه های عاشورا بر قیام مهدوی)؛

۴. رهیافت عرفانی اخلاقی (بررسی تجلیّات و ظهورات حق باوری و حقّ پویی در هر دو نهضت).

براساس این چهار رهیافت و تحلیل، درصدد پاسخ گویی به این سؤال هستیم که: «آیا نهضت عاشورا، نقشـی در مصاف نهایی حق و باطل دارد؟»

بنـابر فرض این پژوهش، به یقین حمـاسه حسـینی نه تنهـا اوج مبارزه، حق با باطل بوده؛ بلکه نقش و تأثیر ویژه ای در مبارزات بعدی حق با باطل و مصاف نهایی این دو دارد. در این را بطه ابتدا نظر یکی از نویسـندگان به عنوان مؤید و پیش درآمد بحث ارائه می گردد؛ آن گاه مفهوم و مصادیق حق و باطل بیان می شود:

«واقعه عاشورا، نمادی از یک امتـداد تاریخی است که در آن حسـینیان و یزیدیان، همواره با هم در نبرد هسـتند. عاشورا و قیام خونین حسین علیه السلام، آینده نگری مثبت پیامبران الهی را تحقق بخشیده و انگیزه اصلی حفظ دین و آینده اسلام شد که به قیـام جهـانی امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف متصل می گردد. آینـده بشـریت، همه مرهون خون های عاشورا است و عاشورا، حلقه متّصل کننـده آغاز ظهور پیامبران آسـمانی، با پایان راه تکاملی ادیان و اسـتقرار عـدل جهانی است؛ زیرا اگر راه پیامبران تـداوم یافت و سـیره آنان در مقابله با اشـرار و گروه باطل حفظ شـد و اگر دین اسـلام پاینده و اسـتوار ماند، به برکت خون های عاشورا است.

اگر نهضت هـای رهـایی بخش شـکل گرفت و آزادی و اسـتقلال به ارمغـان آورد و خطر تهـاجم سـردمداران فساد را برطرف کرد، به برکت عاشورا است. اگر دیگر امامان شـیعه از حضـرت سـجاد علیه السـلام، تا امام زمان علیه السـلام ماندند و اصالت اسلام را رقم زدند، به برکت خون های

کربلا است. اگر در دوران غیبت، فقیهان بیـدار و آگاه حوزه های شـیعه، توانسـتند نهضت های رهایی بخش را سامان دهنـد و بزرگ ترین انقلاب شـیعی را پیروز گرداننـد و زمینه ای برای قیام مهـدی فراهم سازند (ان شاء الله)، همه به برکت قیام عاشورا است.

اگر منتظران حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف خود را آماده می کنند تا در رکاب آن حضـرت، حاضـر شوند و با دنیا بجنگند و یهود را ریشه کن سازند و حکومت جهانی قرآن را تحقّق بخشـند، باز هم به برکت عاشورا است، و بدین جهت است که در زیارت عاشورا فر یاد بر می آوریم: «سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم»؛ یعنی، دوستی و جنگ ما، همیشگی است. پس اگر نبود عاشورای حسینی، نه راه پیامبران الهی تداوم می یافت و نه اسلام به دوران غیبت و ظهور می انجامید»(۱).

حسین کشته دیروز و رهبر امروز است

قیام اوست که پیوسته نهضت آموز است

تمام زندگی او عقیده بود و جهاد

اگر چه مدت جنگ حسین یک روز است

حسین و ذلت تکریم ظالمان هیهات

که آفتاب عدالت از او دل افروز است

به نزد او که شهادت به جز سعادت نیست

مرگ برایش قبای زردوز است

رهین همت والای سید الشهداست

هر آنکه از غم اسلام در تب و سوز است

هماره تازه بود یادبود عاشورا

که روز حق و عدالت همیشه نوروز است

حرارتی که زعشق حسین در دل هاست

برای ظالم هر عصر خانمان سوز است

«حسان» حسین به ظاهر گرچه شد مغلوب

شکست اوست که در هر زمانه پیروز است

۱- محمد دشتی، پیام های عاشورا، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

بـا توجه به این مقـدمه، ابتـدا به بررسـی مفهومی و اصـطلاحی «حق» و «باطل» و مصادیق آن می پردازیـم؛ آن گاه نقش و تأثیر نهضت حسینی علیه السلام را بر قیام مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف بررسی و تحلیل می کنیم.

حق و باطل

دو انگـاره «حق» و «باطـل»، از واژه هـای مهم و کلیـدی در فرهنگنـامه دین جـاودانه اسـلام و دارای مفاهیم و معانی گسترده و گوناگونی است و در هر برهه ای از زمان، تجلیات و نمودهای مختلفی داشته است. مهم ترین نمودهای معنایی «حق» و «باطل» را می توان در وجود دو گروه و جبهه مخالف هم، در طول تاریخ شـناسایی کرد؛ یک گروه خیر و ایمان و حق پرستی و گروه دیگر جبهه شرّ، کفر، طغیان و فسادگری. در یک جبهه، پیامبران، اولیای الهی، یکتاپرستان، حق پویان عدالت گرایان و مؤمنان قرار داشتند و در جبهه مقابل، جباران، فرعون ها، حاکمان ظلم و جور، مترفان و ثروت اندوزان، کافران و حق ستیزان بوده اند.

بین این دو گروه، در طـول تاریـخ همـواره، نزاع، درگیری و چـالش هـای فراوانی وجـود داشـته و در آینـده نیز وجـود خواهد داشت. مبـارزه و نزاع «حق» و «باطـل» در تاریـخ بشـری و مکـاتب الهی، پیشـینه ای دراز و طولانی دارد. باطل در زمینه افکار و عقاید چه در بعد رفتار و اخلاق، چه در محور اجتماعی و حکومتی و چه در زمینه فرهنگ و سیاست به

عنوان چیزی بوده که همه پیامبران اوصیا و امامان با آن مبارزه کرده اند. سنت الهی نیز بر این بوده که با نیروی حق، باطل را نابود سازد.

«خداوند»، حق است و «شرک»، باطل؛ «اسلام» حق است و «کفر و نفاق»، باطل؛ «پیامبران و امامان» حق اند و «مخالفانشان» باطل؛ «عدالت و صدق»، حق است و «جور و فریب» باطل؛ «حکومت اسلامی» حق است و «سلطه های طاغوتی و ستمگرانه»، باطل و....

پیشینه ادیان آسمانی، گواه حق خواهی، عدالت گرایی و ظلم ستیزی پیامبران و یاران آنان بوده است؛ به همین جهت همواره با مخالفت ها و دشمنی های گروه باطل (زرمداران، زورمندان و...) روبه رو بوده اند. قابیل در برابر هابیل قوم نوح در مقابل حضرت نوح؛ قوم ثمود در برابر صالح...؛ نمرود در برابر ابراهیم؛ فرعون در مقابل موسی؛ کافران و یهودیان در برابر عیسی؛ کافران و مشرکان در مقابل پیامبر اسلام؛ قاسطین و مارقین و ناکثین در برابر حضرت علی علیه السلام و در نهایت یزیدیان و امویان در برابر امام حسین علیه السلام صف بسته بودند.

در زمان ما نیز استکبار و استعمار، در برابر انقلابیان و مسلمانان قرار دارند و در آینده نیز این صف آرایی و نزاع وجود خواهد داشت تا اینکه عصر ظهور فرا رسد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در رأس حق پویان و حق طلبان قرار گیرد و طومار عمر گروه باطل را درهم پیچید.

البته تاریخ ابعاد و مؤلفه های گوناگونی دارد و حرکت آن نیز

براساس عوامل و محرّک های مختلفی صورت می گیرد؛ ولی مهم ترین بعد آن، مبارزه حق با باطل است و یکی از حساس ترین و خونبارترین آنها، قیام عاشورا و صف بندی امام حسین علیه السلام و یاران مؤمن و حق طلبش، در برابر یزیدیان و منافقان است.

در اینجا این سؤال مطرح می شود که: آیا این مبارزه و نزاع، در واقع بین حق و باطل بوده است؟ در این صورت چه آثار و نتایجی در پی دارد؟ آیا پیام ها و پیامدهای واقعه عاشورا، محدود و موقتی است یا اینکه دارای آثار گسترده، دائمی و جهان شمول است؟ اگر بپذیریم که قیام عاشورا، صحنه نبرد گروه باطل بوده است، چه پیوند و رابطه ای با قیام و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مبارزه نهایی او با جبهه باطل دارد؟ برای رسیدن به پاسخی مناسب، ابتدا، باید معانی حق و باطل را تبیین کرد، آن گاه نبرد حق و باطل را در صحنه عاشورا ترسیم نمود.

حق و باطل در قرآن

ابتدا باید دانست که «حق» در قرآن به معانی و مشتقات مختلفی استفاده شده است؛ از جمله: ثابت شدن و واجب گشتن «فَرِیقاً هَدَی وَفَرِیقاً حَقَّ عَلَیْهِمُ الضَّلَالَهُ»(۱)؛ شایسته بودن و سزاوار بودن «وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ»(۲)؛ متوجه

۱- اعراف (۷)، آیه ۳۰.

۲- انشقاق (۸۴)، آیه ۲ و ۵.

شـدن و مرتکب گشـتن، ثـابت و مسـتقر کردن، آشـکار سـاختن«و یُریـد الله ان یُحق بکلمـاته»(۱)؛ نـام یا صـفت خداونـد متعال «فـذَلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلاَلُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ»(۲)؛ صـاحب حق و در مقابـل باطل «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ»(۳)؛ امر واجـب، ثـابت و لاـزم؛ قرآن «فَلَمَّا جَاءهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا»(۴)؛ دین اسـلام «لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ»(۵)؛ درست و راست «وَعْدَ اللّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللّهِ قِيلاً»(۶)؛ جرم، استحقاق و سزاوار بودن «وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعْتَدُونَ» (۷)حق محض و عـدالت خالص «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ »(۸)؛ سـخن راست، حقیقت و راستی «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لاَ تَغْلُواْ فِي دِينِكُمْ وَلاَ تَقُولُواْ عَلَى اللّهِ إِلاَّ الْحَقِّ»(۹) و ....(۱۰)

قرآن جریان هستی را براساس «حق» می داند و «حق» را اصیل

۱- انفال (۸)، آیه ۷.

۲- یونس (۱۰)، آیه ۳۲.

۳- حج (۲۲)، آیه ۶۲.

۴- قصص (۲۸)، آیه ۴۸.

۵- انفال (۸)، آیه ۸.

۶- نساء (۴)، آیه ۱۲۲.

۷- بقره(۲)، آیه ۶۱.

۸- زمر (۳۹)، آیه ۶۹.

۹- نساء (۴)، آیه ۱۷۱.

۱۰- ر. ک: بهاءالدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن، ج۱، ص ۹۴۹، ۹۵۰.

معرفی می کنـد و در مقابل، هر چند باطل را نفی نمی کند؛ اما آن را اصـیل نمی داند. در واقع بینش باطل، امری نسبی و تبعی است و به عنـوان نمـود و امری طفیلی مطرح می شـود. قرآن در مـوارد متعـددی، بحث حق و باطـل به خصوص مبـارزه دائمی گروه حق با گروه باطل را مطرح می کند و پیروز نهایی این نزاع و درگیری را، گروه «حق» می داند:

۱. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاء وَالأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لاعِبِينَ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ»(۱)؛ «ما آسـمان و زمین و آنچه در میان آنها است، از روی بازی نیافریدیم؛ بلکه حق را برسر باطل می کوبیم تا آن را هلاک سازد و این گونه باطل محو و نابود می شود، اما وای بر شما از توصیفی که می کنید».

۲. «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»(۲)؛ «و حکم ما در حق بندگان ما که به رسالت فرستاده شده اند، از پیش تعیین شده است. تنها ایشانند که نصرت یافتگانند و تنها سپاه ما پیروزند».

۳. «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ »(۳)؛ «او است که پیامبر خود را برای هدایت، با آیین

۱- انبیا (۲۱)، ایه ۱۶ و ۱۸.

۲- صافات (۳۷)، آیه ۱۷۱-۱۷۳.

۳- توبه (۹) آیه ۳۳.

درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان این امر را نپسندند».

مقصود از این یاری و نصرت خداوند و پیروزی مؤمنان و رسولان الهی، پیروزی حق بر باطل، سلطه یافتن جنود رحمان بر جنود شیطان، زبون شدن باطل در برابر حق و شکست باطل هنگام ستیزش و نزاع با حق است. حق (نور و خیر و ایمان) برتر است و برتر از او نمی شود. نبرد در راه دعوت حق، آرمان هر مؤمن در زندگی است؛ یعنی، در زندگی مکتبی که درون هر شخص مومن به حق و غیرتمند جای دارد.(۱)

بنابراین هرکس در این میدان نبرد گام نهد، سود برده و رسالت ایمانی خویش را نیز ادا کرده است و هر کس از آن دوری گزیند، ضرر کرده و به زندگی پست و ناچیز خشنود شده است. نبرد در راه حق، سرانجام سودمندی و پیروزی است و انسان مؤمن در میدان نبرد زندگی، ناگزیر برنده و پیروز است....

باید دانست که حق اصیل است و باطل، غیر اصیل و تبعی و همیشه بین امر اصیل و غیر اصیل، اختلاف و جنگ است؛ ولی همیشه حق مغلوب نیست. حق همیشه موجب استمرار زندگی و تمدن بوده و باطل نمایشی است که جرقه ای زده و سپس خاموش

۱- ر. ک: مجله اندیشه حوزه، سال هشتم، ش ۵، ص ۹۶.

شده و از بین رفته است.

اگر در جامعه، حق و حقیقت از حدی کمتر باشد، آن جامعه می میرد و چنانچه جامعه ای باقی بماند، معلوم می شود که در میان دو حد باطل افراط و تفریط نوسان دارد. جامعه هایی که باطل بر آنها غلبه کرده است، هلاک شده اند؛ بنابراین بیمار بودن جامعه، غیر از این است که شرّ و باطل در آن غالب شده باشد.

دو قیام حقّ طلبانه

در همین راستا، بشر شاهد دو قیام حق طلبانه و نهضت باطل ستیزانه تأثیرگذار و شکوهمند بوده و خواهد بود:

۱. نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام در دهم محرم ۶۱ ه..ق

۲. قیام حق پویانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پایان تاریخ

بین این دو قیام و نهضت، پیوندها و ارتباط هایی گسترده و مستقیمی وجود دارد و تکمیل کننده و تداوم بخش و در امتداد همدیگر هستند. هر دو قیام، در جبهه «حق» بوده و در برابر آنها گروه «باطل» (مفسدان، ستمگران، دین ستیزان و زرمداران) قرار دارد. هر دو نهضت برای اصلاح جامعه فاسد و رو به تباهی صورت گرفته و مهم ترین برنامه آنها، تحقق حاکمیت حق و ایمان، احیای آموزه های والای دینی و انسانی و ریشه کنی ناهنجاری ها و موانع رشد و کمال انسان است.

پیام سیاسی دینی آنها مبارزه با حکومت های جور و فساد و عدم سازش با جباران و طاغوتیان است و هدف اصیل آنها رساندن جامعه بشری به تعالی و کمال نهایی (عبودیت و قرب خدای متعال) و ایجاد انقلاب و دگرگونی در اخلاق و رفتار ناپسند مردم است. یکی آغازگر جهادی خونبار و حماسه ای بی نظیر علیه ظلم و فساد و بی دینی و دیگری پایان بخش طومار عمر باطل و رهبر مبارزه نهایی علیه شرّ و کفر است.

هر دو قیام در تداوم نهضت ها و انقلاب های پیامبران و صالحان در طول تاریخ بوده و خود نیز منشأ و سرچشمه بسیاری از قیام های حق طلبانه و ظلم ستیزانه بوده اند... انگاره بسیار مهم و بایسته در اینجا، اثر گذاری، بستر سازی و نقش «قیام حماسی عاشورا»، در ظهور و پیروزی «انقلاب جهانی مهدوی» است.

در واقع نهضت امام عصر علیه السلام، ادامه دهنده و تکمیل کننده مبارزه امام حسین علیه السلام علیه مفسدان و ستمگران و در همان مسیر و طریق است. رهبر دو قیام، از امامان معصوم شیعه و از فرزندان مطهر رسول گرامی اسلام و وصی او علی بن ابی طالب علیهم السلام می باشند و هر دو، درصدد اجرا و احیای آموزه های اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و نجات جامعه بشری از تباهی ها و آلودگی های اخلاقی، سیاسی و... هستند.

یکی از قیام ها به ظاهر شکست خورد؛ ولی در باطن و واقعیت

پیروز و ظفرمند واقعی این مبارزه بود و بعضی از برنامه ها و اهداف آن محقق شده و بعضی دیگر از اهداف و ایده های آن به طور کامل در عصر ظهور تحقق خواهد یافت.

ابتدا نمایی از دو قیام حسینی و مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه می شود؛ آن گاه به بررسی پیوندها و ارتباط های دو قیام حق طلبانه و نقش و تأثیر گذاری آنها بر همدیگر پرداخته می شود.

امام حسین علیه السلام که به دعوت اهل کوفه از مکه عازم این شهر بود تا به شیعیان انقلابی بپیوندد و رهبری آنان را به عهده گیرد، پیش از رسیدن به کوفه، در کربلا ـ به محاصره نیروهای ابن زیاد در آمد و چون حاضر نشد ذلت تسلیم و بیعت با حکومت غاصب و ظالم یزیدی را بپذیرد، سپاه کوفه با او جنگیدند. حسین و یارانش، روز عاشورا، لب تشنه، با رشادتی شگفت تا آخرین نفر جنگیدند و به شهادت رسیدند و بازماندگان این قافله نور، به اسارت نیروهای ظلمت درآمده، به کوفه برده شدند. او و هفتاد و دو تن از یارانش بزرگ ترین حماسه بشری را آفریدند و یاد خویش را در دل تاریخ و وجدان بشرهای فضیلت خواه، ابدی ساختند.

آزاده ای که کعبه دلهاست کوی او

دارند چشم، اهل دو عالم به سوی او

صاحبدلان کنند به شکرانه جان نثار

در مقدم صبابه نسیمی زکوی او

ای جان فدای همت آن عاشقی که بود

در راه دوست، کشته شدن آرزوی او

دلداده ای که بود به محراب وصل دوست

از جویبار خون همه غسل و وضوی او

کردند جان نثار چو عقد نماز بست

زآزادگان عشق دو تن پیش روی او

در خون تپید آن که دو عالم حقیر بود

در من یزید عشق، به یک تار موی او

از احادیث اهل بیت چنین استفاده می شود، هنگامی که اوضاع عمومی جهان، مساعد و افکار جهانیان برای پذیرش حکومت حق آماده شد، خدای متعال به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اجازه قیام می دهد. پس ناگهان در مکه ظاهر می شود و منادی حق، بشارت ظهورش را به گوش جهانیان می رساند. مردان برگزیده جهان، که در چندین روایت تعدادشان ۳۱۳ نفر تعیین شده، نخستین ندای حق را لبیک گفته، در ساعات نخست دعوت، مجذوب مغناطیس ولایت می گردند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که صاحب الزمان ظهور کرد، جوانان شیعه بدون وعده قبلی، در همان شب، خودشان را به مکه می رسانند».(۱)

سپس دعوت عمومی خویش را شروع می کند. مردم رنجدیده و از همه جا مأیوس گرداگردش حلقه می زنند و با او بیعت می کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح طلب جهان، برایش مجهز می شوند.

امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام در وصف یاران قائم فرموده اند: «شرق و غرب جهان را فتح و تمام موجودات جهان را مسخّر می کنند. هریک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از

۱- الغیبه، نعمانی، ص۳۱۶؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۷۰، ح۱۵۹.

پاره های آهن، سخت تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه های آهن برخورند، آنها را پاره می کنند و تا وقتی که خشنودی خدا فراهم نشود، دست از جنگ نمی کشند».(۱)

در آن هنگام، زمامداران خودسر و ستمگران بی وجدان، احساس خطر می کنند و درصدد مقاومت برآمده، ندای مخالفت را به هم مسلکان خویش می رسانند؛ اما سربازان عدالت خواه و اصلاح طلبان جهان که از ستم و تجاوز، خسته شده اند، تصمیم نهایی را می گیرند. با هم متحد شده، به آنها هجوم می برند و با تأییدات الهی، ستمکاران را ریشه کن ساخته، قتل عامشان می کنند. رعب و ترس، همه را فرا می گیرد و خود را تسلیم دولت حق می سازند.

بسیاری از کافران، با دیدن نشانه های صدق و حقیقت، به دین اسلام می گروند و آنها که در کفر و ظلم خویش اصرار ورزند، به دست لشکر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قتل عام می شوند. یگانه دولت مقتدر و نیرومند اسلام، در سراسر زمین، تشکیل می گردد و مردم از جان و دل، در حفظ و حراست آن می کوشند.(۲) دین اسلام، عمومی می شود و در همه شهرها نفوذ می کند.(۳)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۷۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۷، ح۴۳و۴۴.
۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۷۹-۲۸۰.
۳- بحارالانوار، ج۵۱، ص۵۵؛ تفسیر عیاشی، ج۲، ص۵۶؛ اثبات الهداه، ج۷، ص۵۰.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر از عمر دنیا، بیش از یک روز هم باقی نمانده باشد، خدا مردی را که نامش نام من و اخلاقش اخلاق من و کنیه اش ابوعبدالله است، مبعوث می کند و به وسیله او، دین را به عظمت نخستین خود باز می گرداند و فتوحاتی را نصیبش می کند و به جز گوینده کلمه توحید، کسی روی زمین باقی نخواهد ماند. به آن حضرت عرض شد: آن مرد از نسل کدام فرزندانت به وجود می آید؟ پیغمبر دستش را به حسین زده، فرمود: از این».(۱)

حضرت ابوجعفر علیه السلام فرمود: «قائم و اصحابش آن قدر می جنگند، تا دیگر مشرکی باقی نماند».(۲)

از مشهد خون، بانگ اذان می آید

سردار گل از خوانِ خزان می آید

از دشنه ملحدان پنهان در شب

سیلابه خون ز هر کران می آید

پیری که دلش آینه بینایی است

با جاذبه عشق، جوان می آید

در منتظران خسته شهر حصار!

آن مرد همیشه قهرمان، می آید

از راه مِه آلود افق، منجی خاک

با اسب ستاره دمان می آید

بر بام فلق، منادی بیداری

گوید که امیر عاشقان می آید

ای شب زدگان خفته بیدار شوید

خورشید دل از مشرق جان می آید

۱- اثبات الهداه، ج۷، ص۲۱۵و۲۴۷. قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: لو لم یبق من الدنیا الایوم واحد لبعث الله فیه رجلا

اسـمه اسـمی و خلقه خلقی یکنی اباعبدالله، یردالله به الدین و یفتح له فتوحاً و لایبقی علی وجه الارض الا من یقول: لااله الاالله. فقیل له: من ای ولدک؟ قال من ولد ابنی هذا و ضرب بیده علی الحسین.

۲- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۵۶؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴۵، ح۹۱.

فصل ۱: در امتداد تاریخ

اشاره

(مبارزه تاریخی گروه حق با گروه باطل)

شکوه حق خواهی

توضیح، تفسیر و تحلیل تاریخ بشری و ارتباط مستمر گذشته با حال و آینده، بر عهده «فلسفه نظری تاریخ» است. در تعریفی جامع و کامل که نگارنده ارائه داده، «فلسفه نظری تاریخ، کشف الگو و قوانین حاکم بر تاریخ و شناسایی هدف، مسیر ها و عوامل حرکت آفرین آن، جهت پیش بینی آینده و معنابخشی به حرکت تاریخ است». (۱)

تاریخ، حرکت مستمر و مداوم زندگی انسان ها، از گذشته تا حال و آینده است؛ آکنده از شکست ها و پیروزی ها، کامیابی ها و ناکامی ها، دشواری ها و راحتی ها، حق گرایی ها و باطل محوری ها، پیشرفت و پسرفت ها و.. به همین جهت نگرش و اظهار نظر درباره آن، مطلوب بوده و خواهد بود.

براساس فلسفه نظری تاریخ، در صدد ترسیم و تبیین چند مفهوم هستیم:

۱- نگارنده، مقاله، فلسفه نظری تاریخ و دکترین مهدویت، فصلنامه انتظار، ش۱۷، ص۸۷.

جوامع بشری، در حال تحول دائمی هستند و آنها به تنهایی و یا در مجموع، مسیر معینی را طی می کنند.

طی این مسیر، عبارت است از: پیمودن مراحلی که حاصل تضادها و برخوردهای داخلی جوامع یا اثرات محیط خارج است.

جامعه های بشری، دائماً در حال پیشرفت هستند و در طی مراحل خود، به سمت کمال پیش می روند.

این مسیر را می توان با علت یابی تاریخی، شناخت و از آن قوانینی استخراج کرد.

براساس تجربه و تحلیل این قوانین و بررسی سیر گذشته، می توان درباره آینده جوامع، به پیش بینی پرداخت

در بحث سرنوشت و فرجام و تاریخ، هر کس مطلقی (انگاره ای) برای خود قائل شده است. کانون توجه کانت «گونه های انسانی»، از نظر هگل، «ملت»؛ برای مارکس «پرولتاریا» (طبقه حقیقی جهانی)؛ از نظر توین بی«تمدن»، و... بوده است.

از نظر فلسفه متعالی تاریخ (دیدگاه شیعه)، این کانون و مفهوم محوری «کمال گرایی» انسان ها و نزاع مستمر حق و باطل برای رسیدن به این نقطه کمال و تعالی (عبودیت و قرب الهی) است. در واقع مهم ترین مانع رشد و بالندگی انسان ها و جوامع و تحقق عبودیت کامل، وجود «گروه باطل» در برابر «گروه حق» و حق

ستیزی، بیدادگری، فسادگری و شیطان محوری جبهه شرّ و کفر است.

برای تبیین این معنا، باید سه انگاره فلسفه تاریخ را مد نظر قرار داد: ۱. اصل حرکت (هدف و مقصد)؛ ۲. منازل و جوامع حرکت؛ ۳.مکانیسم و محرک حرکت؛ یعنی، باید به این سه سؤال پاسخ داد:

۱. تاریخ به چه سمتی حرکت می کند؟

۲. محرک تاریخ (مکانیسم حرکت) چیست؟

۳. منزلگاه ها و مسیر حرکت تاریخ کدام است؟

براساس نگرش ادیان ابراهیمی، اراده و مشیت الهی، بر تاریخ سوار و حاکم است و آن را براساس سنت های مختلف به حرکت در می آورد و نهایت آن نیز نیک فرجامی و به زیستی در این دنیا و آخرت است. بنابه نوشته پل ادواردز: «آنجا که عقل و مشاهده می تواند حداکثر نظم و ترتیب ادوار تاریخ را بیابد، چشم «ایمان» در یک فرآیند خاص تاریخی، فعل و اثر نجات بخش خداوند را تشخیص می دهد». (۱)

از دیدگاه شیعه، مهم ترین انگاره درباره تاریخ، حرکت و سیر انسان و جامعه بشری با طی فراز و نشیب هایی به سوی کمال و اوج گرفتن است؛ یعنی، حرکت به سوی عبودیت و حاکمیت کامل ارزش ها و متعالی شدن انسان ها.

۱- فلسفه تاریخ، ص ۱۷.

هـدفی هم که قرآن برای کاروان بشـری ترسـیم می کند، «عبادت و عبودیت» است و منظور از آن، معنای وسـیع و گسترده ای است که شامل کلیه شـئون زندگی انسان در روی زمین می گردد. این هدف در صورتی محقق می شود که در سرتاسـر جهان خواسته ها و دستورات الهی، اجرا و معرفت و عبادت او محقق شود و معنویت و فضیلت جایگزین رذیلت و شرارت گردد.

برای رسـیدن به چنین هـدف و مقصـدی، از آغـاز جهـان، همواره نبردی پیگیر میـان گروه حق و گروه باطـل، برپـا بوده است. گروه حق «نمـاد» خـداپرستی، اخلاـق محوری، عبـادت گری، عـدالت گستری و حق طلبی بوده و گروه باطل «نماینـده» ثروت اندوزی، فسادگری، قدرت محوری، ستمگری و خداستیزی بوده است.

رهبران گروه حق، پیامبران و اولیای الهی و سـردمداران گروه باطل، شیطان و تمامی فراعنه، جباران، زرسالاران و سلطه جویان بوده انـد. این نزاع و درگیری منازل و مراحل مختلفی را در تاریـخ طی کرده و شاهـد مبارزات پیگیر و مداوم حق طلبان (آدم، نوح، ابراهیم، موسـی، لوط، شعیب، صالح، موسی، عیسی، داوود، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السـلام و امـام حسـین علیه السـلام و ...)، بـا حق ستیزان (فرعون، نمرود، ثمودیـان، عادیان، هامان، قارون، ابوسـفیان، ابوجهل، معاویه، یزید و ...) بوده است.

قیام امام حسین علیه السلام و مهدی موعود علیه السلام، حلقه ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود. سر منزل و مقصد نهایی این مبارزه نیز حاکمیت اهل حق برجهان، گسترش فضیلت های اخلاقی، ریشه کنی شرارت و رذالت و رسیدن انسان به کمال اخلاقی و عقلی است.

براین اساس نهضت امام حسین علیه السلام، در امتداد قیام های پیامبران و صالحان و یکی از حساس ترین و مهم ترین این مبارزات بوده است. این حماسه جاودانه، رویارویی بزرگ و سرنوشت ساز گروه حق، در مقابل گروه باطل و برای تحقّق آرمان های الهی دینی بوده است.

مهم ترین شاخصه و ویژگی آن که در همان مسیر قیام های انبیا قرار دارد حق محوری و تلاش برای احیای حق و خیر و ایمان بوده است؛ همان گونه که مهم ترین شاخصه و ویژگی قیام مهدوی نیز، حق طلبی و تلاش برای حاکمیت خیر و ایمان و حق خواهد بود.

در کربلا و حماسه عاشورا، دو جمعیت و گروه، در مقابل یکدیگر قرار گرفتند: یک جمعیت نماینده حق و حقیقت، ایمان و حق باوری، درستی و صداقت، شرافت و کرامت، عبادت و طاعت و در یک کلمه، گروه «حق» بودند. گروه دیگر نماینده شرّ و فساد، ظلم و تباهی، نفاق و بی ایمانی، پستی و رذالت و ابلیس گروی و در یک کلمه جنود «باطل» بودند.

سالار گروه حق، حسین بن علی علیه السلام فرزند گرانمایه رسول گرامی

اسلام و سردمدار گروه باطل، یزیدبن معاویه، فرزند ابوسفیان بن حرب بود. جبهه حق، گروه سعیدان، یکتاپرستان و مؤمنان واقعی و جبهه باطل، گروه اشقیا، دنیا خواهان و منافقان بودند.

در گروه حق و خیر، چهره های نورانی، دلاور و پاک نهادی چون عباس بن علی، علی بن الحسین، قاسم بن حسن، حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، زهیربن قین، حربن یزید ریاحی و... حضور داشتند. در جبهه شرّ و باطل، افراد شقی، ستمکار و فاسقی چون عمر بن سعد، عبیدالله بن زیاد، شمر بن ذی الجوشن، حرمله، حصین بن نمیر، شبث بن ربعی و... جولان دادند و در اوج شرارت، تباهی و باطل گرایی بودند. شیطان در گوشت و خون و روح آنان نفوذ کرده و دین ستیزی، جهالت، انحراف و حق کشی در وجود آنان ریشه دوانده بود. چنان که در طول تاریخ نیز می توان این اوصاف حیوانی را در چهره شرارت بار گروه های مخالف پیامبران و ادیان الهی مشاهده کرد.

در آینده نیز شاهد فعالیت و تحرّک این گروه شیطانی و تباه گر خواهیم بود؛ زیرا تا زمانی که شیطان هست و جولان می کند، برای خود اعوان و انصاری از جن و انس دارد و فرماندهی گروه باطل (شر، ظلمت، فسق و فجور) را عهده دار است. پس در هر زمان می توان جنود شیطان را شناسایی کرد و شرارت ها و جنایت های آنها را دید.

چهره گروه باطل در عاشورا و عصر ظهور

یک. گروه باطل در عصر عاشورا

اشاره

کربلا شاهد حماسه و عرفان در یک طرف و جنایت و رذالت در طرف دیگر بود. در یک جبهه امام حسین علیه السلام و عده ای از صالحان و پاکان روزگار و ولایت مداران قرار داشتند و در جبهه دیگر، یزید و گروه نفاق و دنیا پرست و سلطه گر صف بسته بودند. باطل گرایانی چون عمر بن سعد، ابن زیاد، شمر و ... در برابر حق طلبانی چون ابوالفضل عباس، علی اکبر، حبیب بن مظاهر و ... به مصاف برخاستند و بزرگ ترین جنایت تاریخ بشری را رقم زدند.

چهره کریه و ننگین گروه باطل و شرّ را در عاشورا چنین می توان ترسیم کرد:

۱-۱. نفاق گرایی

یکی از ویژگی های بارز بنی امیه و ولایت ستیزان، نفاق و دورویی،

پذیرش مصلحتی و دروغین اسلام و شرک پنهانی و باطنی بود. این نفاق و خبث باطنی، منشأ بسیاری از رذالت ها و کژی ها بود. به همین جهت درباره بنی امیه و بخصوص سپاه یزید آمده است: «آنان اسلام را نپذیرفتند؛ ولی در برابر آن تسلیم شدند و کفر خویش را پنهان داشتند و چون یاورانی یافتند، آن را آشکار ساختند». (۱)

۱۲ . دنیا گرایی و حرام خواری

زرسالاران و دنیاگرایان، از محور های عمده در تشکیل سپاه باطل در نینوا بودند؛ یعنی، یکی از انگیزه ها و عوامل اصلی حرکت خصمانه آنها، مادی گرایی، دنیادوستی و دلبستگی فراوان به پول و ثروت بود و این نیز ناشی از حرام خواری و دنائت نفس بود. مستندات تاریخی گواهی می دهد که افرادی چون ابن سعد، به خاطر رسیدن به حکومت ری، ابن زیاد جهت تثبیت موقعیتش در کوفه و بصره و کوفیان نیز برای حفظ اموال خود و دستیابی به غنایم جنگی، به دشمنی با پیشوای عادل برخاستند.

امام حسین علیه السلام به آنان فرمود: «شکم های شما از حرام پر شده است (ملئت بطونکم عن الحرام)». (۲)

۱- شرح نهج البلاغه، ج۴، ص ۳۱.

۲- بحار الانوار، ج۴۵، ص۸.

۱۳ . دین ستیزی و دین فروشی

گروه باطل در واقعه طف، با اینکه به اسم دین و یاری آیین الهی به مبارزه با امام حق برخاستند و خود را «سپاهیان خدا» می نامیدند؛ اما در واقع امر، دین ستیزانی بی پروا و دین فروشانی فرومایه بودند که شریعت اسلام را ملعبه دست خود قرار داده و عمق کینه و دشمنی خود را با آیین اسلام و نبی مکرّم و عترت معصوم او بروز دادند. آنان با انحراف در آموزه های دین و انواع بدعت ها و کفرورزی ها، کمر به نابودی اسلام بسته بودند و قیام امام حسین علیه السلام نیز برای نجات دین خدا از دست آنان بود.

در روایات آمده است: «آنان مال خدا (بیت المال) را دست به دست چرخانده و دین خدا را دستاویز فریب قرار دادند»(۱) و نیز: «آنان حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته اند». (۲)

۱۴ . فساد گری و ناپاکی

گروه باطل در عصر امام حسین علیه السلام در اوج پلیدی و فساد قرار داشتند و فسق و فجور آنها به خصوص یزید شهره آفاق بود؛ آن هم کسی که تکیه بر مسند خلافت پیامبر زده و داعیه دار رهبری مسلمانان بود. چنین شخصی تمامی حرمت های الهی را زیر پا

۱- مستدرک الوسائل، ج۴، ص۴۸.

۲- تاریخ طبری، ج۴، ص ۶۰۵.

گذاشته و از شرب و خمر گرفته تا زنا و قمار را مرتکب می شد!

درباره یزید و عمّال وی آمده است: «آنان، همواره همراه شیطان هستند. فرمان خدا را فرو نهاده و فساد را آشکار ساخته و حدود الهی را تعطیل کرده اند».(۱) امام حسین علیه السلام فرمود: «من چگونه با یزید بیعت کنم؛ در حالی که یزید مردی تبه کار است و فسق و فجور را علنی کرده است...»(۲).

۱۵. ظلم و ستمگری

یزید و سرکردگان شریر او و پیشینیان فاسق او (چون معاویه)، ظلم و ستم خود را بر مؤمنان و صالحان به خصوص ولایت مداران به اوج رسانده بودند و خون بی گناهان را بی امان بر زمین می ریختند. به همین جهت امام حسین علیه السلام علت قیام خود را، مبارزه با حاکم ستمکار وقت می دانست: «وقتی حاکمی ستمکار زمام امور جامعه را به دست گرفت و حلال خدا را حرام و حرام او را حلال کرد... باید با زبان و قلم و سلاح در برابر او بایستید»(۳).

۱۶. سلطه جویی و سلطنت مآبی

مهم ترین هدف بنی امیه از پذیرش اسلام، رسیدن به قدرت و تکیه

۱- تاریخ طبری، ج۴، ص ۶۰۵.

۲- الفتوح، ج۵، ص ۱۴.

۳- بحار الانوار، ج۴۴، ص ۳۸۱.

زدن بر مسند حکمرانی بود. آنان در این راه دست به هر جنایت و خیانتی زدند و چهره کریه سلطه طلب خود را زیر نقاب اسلام ظاهری، پنهان کردند. حاکم نابکاری چون معاویه، سلطنت را در اسلام، بنیان گذاشت و انسان فرومایه ای چون یزید برای حفظ آن، حجت الهی و انسان های پاک را به شهادت رساند و ... !!

ابوسفیان به بنی امیه و سردمداران نفاق می گفت: «خلافت را چون توپ به یکدیگر پاس دهید، سوگند به آن که ابوسفیان بدان سوگند می خورد، نه بهشتی در کار است و نه دوزخی!»(۱)

۱۷. شیطان گرایی و حق ستیزی

جبهه ولایت ستیز عصر حسینی، نه تنها تابع دین خدا و مطیع دستورات رسول خدا نبودند؛ بلکه طوق بندگی شیطان را برگردن نهاده و با ولایت عظمای الهی دشمنی کردند. آنان از جنود ابلیس بوده و در تحقق اهداف او گام بر می داشتند. راه شیطان، راه فریب، فساد، ستم، شهوت و نفاق و شرک است؛ به همین جهت ابا عبدالله علیه السلام درباره آنان می فرمود: «آگاه باشید که اینان ملتزم فرمان شیطان شده و اطاعت یزدان را ترک کرده اند»(۲) و «شیطان براینان

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص ۲۱۹.

۲- مقتل الحسین مقرم، ص ۲۱۸؛ تاریخ طبری، ج۴، ص۶۱۵.

مسلط شده و خدا را از یاد آنان برده است». (۱)

۸ ۱. بدعت گذاری

بعد از رحلت نبی مکرم اسلام، به تدریج انحرافات و بدعت گذاری ها شکل گرفت و در زمان امام حسین علیه السلام به اوج خود رسید. گستره این بدعت گذاری دین و شریعت نیز را در بر می گرفت و به همین جهت آن حضرت احساس خطر کرده و در جهت مبارزه با این انحراف و ناراستی گروه باطل قیام فرمود. درباره آنان آمده است:

«همواره در این خیال هستند که هیچ حرامی را فرونگذارند؛ جز آنکه آن را حلال شمرند»(۲) و نیز: «حدود الهی را تعطیل کرده و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته اند». (۳)

۹ ۱. حرمت شکنی اهل بیت

بر اساس آموزه های متعالی اسلام، خاندان وحی، از ارجمندی و احترام خاصی برخوردارند و مقام و منزلت آنان، برتر و والاتر از همگان است. دوستی اهل بیت، اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و اطاعت از آنها، مسؤولیت هر مسلمانی و پذیرش ولایت ایشان، تکمیل دین داری است. اما سوگمندانه باید گفت که گروه باطل و افسادگر،

۱- موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۶۸۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۸.

۳- تاریخ طبری، ج۴، ص ۶۰۵.

منزلت عترت نبی صلی الله علیه و آله و سلم را نادیده گرفته و حرمت آنها را شکستند؛ چنان که سالار شهیدان می فرمود:

«بنی امیه، حرمت ما را نادیده گرفتند؛ اموال ما را به یغما بردند و اینک قصد جانم را کرده اند...». (۱)

حضرت علی علیه السلام درباره معاویه و بنی امیه (گروه باطل) فرموده بود: «... والله لا یزالون حتی لا یدعوا لِلّهِ مُحرّماً الا استحلّوه و لاعقداً الا حلّوه و حتی لا یبقی بیت مَدَر و لاَوَبَرالا دَخله ظُلُمهم و نَبَأ به سوء رعتهم و حتی یقوم الباکیان یبکیان: باک یبکی لدینه و باک یبکی لدنیاه...»(۲)؛

«سوگند به خدا ! بنی امیه همواره ستم می کنند تا اینکه هیچ حرام خدا را باقی نگذارند؛ مگر آنکه آن را حلال گردانند و عهد پیمانی را که می بندند، به جور می شکنند. هیچ خیمه و خانه ای وجود ندارد که ستمکاران بنی امیه در آن راه نیابند. در حکومت آنان دو دسته می گریند: دسته ای برای دین خود که آن را از دست داده اند و دسته ای برای دنیای خود که به آن نرسیده اند».

آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «... انما هم مطایا الخطیئات و زوامل الآثام...»(۳)؛ «آنان (امویان) مرکب های عصیان و نافرمانی و شتران بارکش گناهند...».

۱- مقتل الحسین مقرم، ص ۲۱۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۸، ص ۱۶۳؛ بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۵۴۵.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸، ص۲۴؛ بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۵۴۶.

این تصویر ظلمانی و شرورانه با شدّت و ضعف در همه زمان ها وجود داشته است؛ ولی در عصر قیام حسینی و پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (در آخرالزمان)، شدید تر و رذیلانه تر بوده و خواهد بود؛ همان گونه که در محرم ۶۱ هجری، اوج جنایت و شرارت گروه باطل به نمایش درآمد.

براساس روایات آخرالزمانی، جهان آکنده از ظلم و ستم، فساد، نابرابری، جنگ و کشتار، بدعت و انحرافات گسترده خواهد بود و ابلیس از تمامی حربه های شیطنت و فساد انگیزی استفاده خواهد کرد. تصویر گروه باطل در عصر قبل از ظهور چنین خواهد بود:

دو. گروه باطل در عصر ظهور

اشاره

روایات مربوط به آخر الزمان، چهره کریه گروه باطل را در عصر ظهور چنین ترسیم می کند:

۱۲. ظلم و ستمگری

یکی از ویژگی های بارز گروه باطل در دوران ظهور، جور و بیداد فراوان و حاکمیت جبّاران، مستکبران، کینه توزان و ستمگران است. آنان منشأ عداوت ها، خون ریزی ها و ظلم ها بوده و از بزرگ ترین دشمنان حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود.

«سراسر زمین را ظلم و جور و دشمنی فرا می گیرد»(۱) و «... بعد از آنها (خلفا و امیران)، پادشاهان ستم پیشه ای خواهند آمد و آن گاه مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد». (۲)

۲۲. دجل گری و ظهور دجال

از سردمداران گروه باطل و دشمنان منجی موعود، دجّال (طاغوت پرتزویر و حیله گر) است. او مردم را به طغیان و فساد، خروج از ولایت الهی و فتنه و آشوب دعوت می کند و جریان دجل گری و الحاد را رهبری می کند. میان او و یارانش با لشکر قائم علیه السلام جنگ واقع می شود و بالاخره به دست آن حضرت یا عیسی علیه السلام کشته می شود.

«هیچ پیامبری نیست، جز اینکه امتش را از دجال دروغ گوی نابینا بر حذر داشته است»(۳)؛ «بیشتر اصحابش، فرزندان نامشروع و یاران طیلسان سبز (یهودیان) می باشند...»(۴) و «حضرت قائم، دجال را می کشد و او را در کناسه کوفه به دار می زند»(۵).

۱- معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص ۸۸ و ص ۹۰ .

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۸۴؛ الملاحم و الفتن، ص ۲۱.

۳- الزام الناصب، ص ۷۴.

۴- منتخب الاثر، ص ۴۲۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۱۹۴.

۵- یوم الخلاص، ج۱۲، ص ۱۵۸.

۲۳. کفر و گمراهی

مهم ترین دشـمنان و کینه توزان با حق طلبان (پیامبران و امامان)، بی دینان، گمراه گران و کافران بوده اند. اینان در دوران قیام امـام مهـدی علیه السـلام نیز در کنار دیگر گروه های باطل قرار گرفته و به مخالفت و خصومت با انقلاب حق طلبانه برخواهند خـاست. مهـم تریـن ویژگی این جریـان، الحـاد، دین سـتیزی (سـکولاریسم) و دنیـاگرایی است که بـا ریشه کنی آن به دسـت حضرت مهدی علیه السلام جهان به نورانیت و پاکی خواهد رسید.

«کفار بر نهرهای پنج گانه سیحون، جیحون، دجله، فرات و نیل مسلّط می شوند»(۱)؛ «جوّ عمومی و حاکم، جو کفر و بی دینی است؛ به طوری که حتی برخی از مؤمنـان را نیز متزلزل کرده و به کفر دعوت می کنـد» و «حکـام سـتمگر مردم مسـلمان را به گمراهی می کشانند».

۴–۲. سفیانی گری و بی رحمی

یکی از جریـان هـای بـارز باطـل در دوران ظهـور، جریـان سـفیانی اسـت. ایـن گروه بسـیار منحرف، ولاـیت سـتیز، اهریمنی و فسـادگر، دسـت در دست یهودیـان و مسـیحیان، به جنـایت هـای فراوانی دست می زنـد و فسـاد، بی رحمی و طغیـان را به حد اعلای خود می رساند. این جریان در دشمنی با امام زمان و صالحان و پاکان، جدّیت داشته و در چند

۱– معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص ۲۷۴؛ ص ۸۷ و ۳۵.

مرحله از بین خواهد رفت.

«سفیانی از حق منحرف شود و از شاهراه دین خارج شود»(۱)؛ «سفیانی، سپاهی را به سوی مدینه می فرستد و فرمان می دهد که هر کس از بنی هاشم در آنجا باشد، بکشند. [پس] مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند» و «... سیل خون راه می اندازد... حلال ها را حرام و حرام ها را حلال می سازند... فجایع بزرگ همراه با ذلّت بزرگ روی می دهد».(۲)

۲۵. فتنه گری و کشتار

آخر الزمان، دوران فتنه ها و آشوب ها است که عمدتاً از سوی زرسالاران، مستکبران و سلطه جویان به وجود می آید. اینها از سردمداران گروه باطل و از دشمنان حق و صلح و عدالت هستند که به دست امام زمان نابود خواهند شد.

«فتنه های متعددی حادث می شود که تا ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه دارد»(۳) و «اثر آخرین فتنه، در هر خانه ای ظاهر می شود».(۴)

۱- یوم الخلاص، ج۲، ص ۱۰۸۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۵.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱؛ الملاحم و الفتن، ص ۴۶.

۳- معجم احادیث الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص ۹۸ و ۸۱.

۴- معجم احادیث الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص ۹۸ و ۸۱.

۲۶. سلطه گری اشرار و مشرکان

حاکمیت و سلطه جریان شرک و شرارت، از ویژگی های دیگر گروه باطل در دوران قیام مهدوی است. مشرکان، اشرار و فاسقان، در برابر جبهه حق قرار گرفته و منشأ بسیاری از تباهی ها و منکرات خواهند بود. درباره آنها روایت شده است:

«ستم و تباهی فراوان و منکر آشکار می گردد و اشرار بر نیکان مسلّط می شوند، فاسقان بر مردم حکومت می کنند و اشرار از ترس شرارت، مورد احترام می باشند»؛ (۱) «مشرکان فرزندان امت اسلامی را به استخدام خود در می آورند»(۲) و «اوباش و فسّاق رهبری مردم را بر عهده می گیرند و...». (۳)

۲۷. نفاق و ناصبی گری

جریان نفاق و ولایت ستیز، از دشمنان سرسخت حق و حق طلبان بوده و دشمنی آنها با اهل بیت به خصوص مهدی علیه السلام آنها را از بارزترین گروه های باطل قرار داده است.

«هنگامی که قائم قیام می کند، گروهی از دین و ولایت خارج می شوند؛ در صورتی که پنداشته می شد آنان از پیروان حضرت

۱- معجم احادیث الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۹۸ و ۸۱.

۲- معجم احادیث الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۳۹.

۳- معجم احادیث الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۳۹.

می باشند»(۱)؛ «هنگام قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه ناصبیان و دشمنان اهل بیت را بر آن حضرت عرضه می کنند؛ اگر به اسلام (ولایت) اقرار کردند، آنان را رها می کنند؛ وگرنه به قتل می رسند یا آنان را به پرداخت جزیه، ملزم می کنند»(۲)و «چون حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، به کوفه می آید و در آنجا همه منافقان را به قتل می رساند و کاخ های آنان را ویران می کند...». (۳)

۸ ۲. شیطان و فساد گری های او

مهم ترین عامل ظلمت جهان و شکل گیری و ساماندهی جبهه باطل، شیطان (ابلیس) است. او تمامی حرکت های حق ستیز را رهبری می کند و در زمان ظهور نیز تمامی اعوان و انصار خود را جهت مقابله با حضرت مهدی علیه السلام بسیج می کند. اما تومار عمر و فعالیت او، به دست حضرت برچیده می شود.

«... خداوند تا روز قیام قائم علیه السلام، به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را مبعوث می کند و [اجازه قیام می دهد]، حضرت به مسجد کوفه می رود و در آن هنگام، شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود، به آنجا می آید و می گوید:ای وای بر من از

۱- الغیبه طوسی، ص ۲۷۳.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۷۲؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۱۰۰.

۳- اثبات الهداه، ج۳، ص ۵۲۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۳۸.

امروز...!»(۱) و «... باطن [مردم] خبیث و ناپاک و ظاهرشان زیبا باشد. همّت مردم شکمشان و شرافت آنان کالای آنها است. زنانشان قبله و دینشان، در هم و دینار است. فاحشه گری و زشت کاری ظهور کند. بسیار دروغ می شنوند و بسیار حرام خوار می گردند. بر بدکاری متحد می شوند و بایکدیگر بر دروغ و کینه توزی دوستی می ورزند. سال های قبل از ظهور قائم، سال های خدعه و نیرنگ خواهد بود.

شرّ و بدعت در آن بیشتر از گذشته است. زنان تظاهر می کنند و دروغ را حلال می دانند. شیطان با بدن های آنان مخلوط شده، در خون هایشان رسوخ کرده و آنها را به دروغ و گناه وسوسه می کند تا آنجا که بدکاری، فراگیر همه شهرها می شود. دل ها سخت و زمین پر از ستم و کشتار می گردد و...». (۲)

زراره می گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «منادی [از سوی آسمان] با با نام حضرت قائم، بانگ خواهد زد. پرسیدم: خصوصی است یا عمومی؛ فرمود: عمومی است؛ هر قومی آن را به زبان خودشان می شنوند. عرض کردم: پس چه کسی با حضرت قائم مخالفت خواهد کرد؛ در حالی که نام او ندا می شود؟ فرمود: ابلیس، آنها را وا نخواهد گذاشت تا اینکه [در آخر شب] ندا می کند و مردم

۱- اثبات الهداه، ج۳، ص ۵۵۱؛ بحارالانوار، ج۶، ص ۲۵۴.

۲- ر. ك: نگارنده، آینده جهان، صص ۳۱۴- ۳۱۵ ؛ آثار الصادقین، ج۲۹ ص ۴۸۳-۴۹۳.

را به شک می اندازد (لایدعهم ابلیس حتی ینادی و یشکک الناس)(۱).

در روایتی نیز از آن حضرت آمده است: «صوت جبرئیل من السماء و صوت ابلیس من الارض؛ فاتّبعوا الصوت الاوّل و ایاکم الاخیر اَن تُفتَنُوا به»؛ «صدای جبرئیل (هنگام ظهور) از آسمان است و صدای ابلیس از زمین؛ پس شما از صدای اول پیروی کنید و مبادا که از صدای اخیر به فتنه افتید».

۹۲. دشمنی های عرب و اهل کتاب

از جریان های باطل در زمان ظهور و از مخالفان انقلاب جهانی مهدوی، اعراب، یهودیان و مسیحیان هستند. اینان نیز در جبهه باطل قرار می گیرند و به جهت در خطر افتادن منافع و خواسته های خود، به دشمنی با منجی موعود می پردازند.

«آن گاه که قائم ما قیام کند، بین او و عرب و قریش راهی جز شمشیر (و جنگ) نخواهد بود»؛ «هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند، اسلام را به آنان پیشنهاد می کند. هر کس از روی میل پذیرفت، دستور می دهد نماز بخواند و زکات دهد...[اما] هر کس مسلمان نشود، گردنش را می زند تا آنکه در شرق و غرب

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۵؛ المحجّه فی مانزل.، ص ۱۷۶؛بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۰۶.

جهان، یک کافر بر جای نماند». (۱)

«یهودیانی که با دجال هستند، می گریزند و پنهان می شوند؛ ولی درخت ها و سنگ ها، فریاد بر می آورند:ای روح الله! این یهودی است. حضرت نیز آنان را می کشد و کسی را بر جای نمی گذارد»(۲).

۱- اثبات الهداه، ج۳، ص ۵۴۹؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۴.

۲- مسند احمد، ج۲، ص ۳۹۸.

باطل ستیزی در عاشورا و عصر ظهور

یک. قیام حق طلبانه حسینی

اشاره

امام حسین علیه السلام نه تنها خود از گروه حق و رهبر آنان بود؛ بلکه مهم ترین برنامه و ایده خود را حمایت از حق، حق محوری، نابودی باطل و احقاق حق می دانست. آن حضرت در موارد و مراحل مختلف، به این مطلب مهم اشاره می کرد که:

«الاترون ان الحقّ لایعمل به و انّ الباطل لایتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقاء الله حقّاً حقّا»(۱)؛ «آیا نمی بینید به «حق» عمل نمی شود و از باطل پرهیز نمی کنند؛ پس سزاوار است که مؤمن برای ملاقات خدا مشتاق باشد».

به نظر امام حسین علیه السلام مهم ترین اختلاف او (و سایر امامان) با بنی امیه و یزید، بر مدار و محور «حق» که همان خدا و توحید است

۱- بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۳۸۱؛ تحف العقول، ص ۲۴۵.

می چرخیـد: «ماوبنی امیه، بر محور (خـدا) با هم نزاع کردیم، ما گفتیم: خداونـد راست گفته؛ آنان گفتنـد خداوند دروغ گفته است!»

به همین جهت شـهادت در راه حق و حق خواهی را بزرگ ترین سـعادت و نیـک فرجامی می دانست و به آن افتخار می کرد: «ما اهون الموت علی سبیل نیل العز و احیاء الحق(۱)»؛ «چه آسان است مرگ در راه رسیدن به عزت و زنده کرن حق».

امام علیه السـلام یکی از عوامل اصـلی حرکت خود به کوفه را، زنده کردن نشانه های حق و از بین بردن بدعت ها و پلیدی ها می دانست: «ان اهل الکوفه کتبوا الیّ یسألوننی ان اقـدم علیهم، لما ارجو من احیاء معالم الحق و اماته البدع»(۲)؛ «کوفیان به من نامه نوشته و از من خواسته اند که نزد آنان بروم؛ چرا که امیدوارم نشانه ها و معالم «حق» زنده گردد و بدعت ها نابود بشود».

به همین جهت خطاب به بزرگان بصره فرمود:

«امـا بعـد فانّی ادعوکم الی احیاء معالم الحق و اماته البـدع و ان تجیبوا تهتـدوا سبیل الرشاد»(۳)؛ «... شـما را برای احیای نشانه های حق و از بین بردن بدعت ها به یاری می طلبم؛ اگر دعوتم را بپذیرید، به سرمنزل مقصود خواهید رسید».

۱- اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۱.

۲- اخبار الطوال، ص ۲۴۶.

۳- ۱. تاریخ طبری، ج۴، ص ۳۵۷؛ مقتل الحسین، ص ۱۶۴.

امام حسین علیه السلام در زمان خویش با باطلی صریح و آشکار همچون حکومت یزید، روبه رو بود و تکلیف او مبارزه و جهاد با این حکومت ستمگر و فاسد و عملکردهای ناروا و باطل در جامعه بود. حتی آن حضرت در سال های آخر عمر معاویه، در جمع صدها تن از شخصیت های بزرگ اسلامی، در ترسیم دولت حق و دولت جور (باطل)، سخنرانی کرد و پس از تبیین خلافت برحق امیرالمومنین علیه السلام و حق امامت خویش، از حاضران خواست در بازگشت از سفر، این حقایق را به گوش مردم رسانده و آنان را به «حق» فراخوانند. (۱)

با مرگ معاویه، شرایط مناسب تری برای مبارزه و قیام علیه دولت «باطل» اموی، فراهم گردید. امام حسین علیه السلام در پاسخ به دعوت کوفیان، با فرستادن مسلم بن عقیل و پذیرش دعوت آنان (برای قیام علیه یزید)، این اقدام را مورد تأیید قرار داد و مسیر حق و حقیقت را مشخص ساخت و امامت را محور حق خواند: «فلعمری ما الامام الا العامل بالکتاب و الآخذ بالقسط و الدائن بالحق». (۲)

حتی قبل از خلافت یزید نیز، نسبت به کم رنگ شدن «حق» و از بین رفتن نشانه های آن، هشدار داده بود: «... فادعوهم الی ما

۱- ر. ک: الغدیر، ج۱، ص ۱۹۸.

۲- الارشاد مفید، ص ۲۰۴.

تعلمون من حقّنـا فانّی اتخوّف ان یَـدْرُسَ هـذا الامر و یـذهب الحق و یُغلب «و الله متّم نوره و لوکره الکافرون»»(۱)؛ «آنان را به آنچه از حق مـا می دانیـد بخوانیـد. پس به درسـتی که من می ترسم این امر منـدرس و محو گشـته و حق مغلوب شـده، از بین برود...».

مؤلّفه های حق طلبی

محورهای مهم حق و حق طلبی در نظر امام حسین علیه السلام عبارت بود:

۱. توحید و خدا محوری؛

۲. عزّت و آزادگی در پرتوحق طلبی؛

۳.امامت و ولایت اهل بیت علیه السلام؛

۴. احیای نشانه های راستین دین خدا (به عنوان معالم حق)؛

۵. از بین بردن بدعت ها و موانع حق گرایی (مبارزه، با گروه باطل)؛

۶. تداوم سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمومنان علیه السلام؛

۷. اصلاح جامعه فاسد و... .

به نظر امام حسـین علیه السـلام مهم ترین علت مشـکلات و ناهنجاری های جوامع بشری، وجود حاکمان جائر و باطل در رأس حکومت بوده و نجات مردم از چنگال آنان وظیفه ای الهی است:

«... اللهم انک تعلم انّه لم یکن ما کان منّا تنافساً فی سلطان و

۱- بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۱۸۲؛ موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۲۷۰؛ الاحتجاج، ص۲۹۶.

لاالتماساً من فُضول الحطام ولکن لنری المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک و یأمن المظلومون من عبادک و یُعمل بفرائضک و سُنَّتِک و احکامک...»؛(۱) «پروردگارا! تو می دانی این حرکت ما نه به خاطر رقابت بر سر حکومت و قدرت و نه به منظور به دست آوردن مال دنیا است؛ بلکه به خاطر آن است که نشانه های دین تو را به مردم بنمایانم و اصلاحات را در کشور اسلامی اجرا کنم؛ تا بندگان ستمدیده ات از چنگال ظالمان در امان باشند و واجبات و احکام و سنت های تعطیل شده تو، دوباره اجرا گردد».

چنین بود که آن حضرت، به رویارویی تمام عیار و ایثارگریانه در برابر یزیدیان و فسادگران پرداخت و در نبردی نابرابر و دهشتناک، از حق دفاع کرد و همراه با گروهی اندک از صالحان و شایستگان، حماسه جاودانه عاشورا را رقم زد.

این مبارزه حق پویانه، درست در امتداد مبارزه گروه حق با باطل قرار داشت و توانست ضمن تداوم و بر پاداشت این قیام ها، معبر و گذرگاهی به عصر ظهور ایجاد کند و پل واسطی بین گذشته، حال و آینده باشد. در واقع ضمن ترسیم مسیر دقیق این مبارزات، زمینه ها و بسترهای لازم برای قیام جهانی مهدی موعود را فراهم سازد و امامت و رهبری را شایسته و بایسته دوازده معصوم از عترت نبی

۱- بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۷۹؛ تحف العقول، ص۲۳۷.

بشناساند: «نحن اهل البیت اولی بولایه هذا الامر علیکم من هؤلاء المدعین مالیس لهم»(۱)؛ «ما خاندان پیامبر، از اینان که ادعای دروغ دارند و با شما به ستم و دشمنی رفتار می کنند، به ولایت و رهبری برتریم».

سیل خون تو زصد وادی نخجیر گذشت

بی تو ای شیر! چه در جنگل شمشیر گذشت

شعله زد زخم تو بر خیمه خورشید و غمت

نیزه ای گشت و زقلب فلک پیر گذشت

ای کماندار هزارآهوی شوریده عشق

چون شد از دشت تنت قافله تیر گذشت

حجم طوفانی خون تو بنازم که چه زود

از سر کاخ بلند زر و تزویر گذشت

سفر سرخ تو خوش باد که در هرنفسش

کاروانی اگر از جاده زنجیر گذشت

روح معراجی ات از جاذبه قصّه خاک

نام خورشیدی ات از مرز اساطیر گذشت

عاشورا، خط معیار دو جبهه حق و باطل در طول تاریخ و در هر جامعه ای است. عاشورا، تاریخ و جامعه را به قطب متضاد حق و باطل تقسیم می کند؛ گر چه تمام درگیری های میان حق و باطل، می تواند این دو را در طول تاریخ و در هر جامعه ای از هم جدا و مشخص سازد؛ اما خداوند از بین رخدادهای بسیار، به عاشورا چنین ویژگی عظیم و روشنی بخشیده است. موضع گیری در این دو جبهه، به دوستی یا بیزاری (تولا و تبرا) است و امام حسین علیه السلام حد فاصل و جدا کننده میان جبهه حق و باطل است.

دوستی او، دوستی با حق و حقیقت و دشمنی با او، نزدیکی به باطل و شرارت است. از آن رو که حضرت حسین علیه السلام وارث پیامبران و

۱- تاریخ طبری، ج۴، ص ۳۰۳.

رسولان و اولیا است، دعوت او در امتداد و دنباله دعوت انبیا است و یزید چون وارث طاغیان تاریخ و وارث طغیان گری و سرشت آنان است، از سرمداران طاغوت و باطل و از خیل سپاه آنان به شمار می آید. (۱)

اگر از نظر ظاهری و نظامی بخواهیم نهضت حسین بن علی علیه السلامرا ارزیابی کنیم، آن حضرت شکست خورد و به شهادت رسید و بنی امیه پیروز شدند که چنین پیروزی ها مقطعی و زود گذر است. اما اگر ماهیت قضیه را در نظر بگیریم، این رویارویی، مقابله ای اعتقادی و فکری بود؛ یعنی، حکومت یزید نماد جریانی بود که می خواست فکر اسلامی را از بین ببرد و امام حسین علیه السلام برای احیای آن، با او جنگید. بدون شک آن حضرت توانست به مقصود برسد؛ زیرا همیشه با نام و یاد او است که با ظلم و ستمگران مبارزه می شود و حق و عدالت گری احیا می گردد... نکته قابل توجه در اینجا این است که براساس آیات و روایات، پیروزی نهضت های الهی، به جهت حق محوری آنها است و از آنجا که این نوع حرکت های انقلابی بر پایه نیروی حق و حق پرستی اند، پیروز اند. وجود خاصیت حق، جاودانگی است؛ نهضت های بر پایه حق نیز جاودانه اند و نهضت عاشورای حسینی، در رأس هرم این نهضت ها است. (۲)

۱- ۱. ر. ک: حکومت اسلامی، سال هشتم، ش اول.

۲- ر. ک: فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، ص ۵۰.

امام خمینی رحمه الله گفته است:

«مگر نه آن است که دستور آموزنده «کلّ یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، باید سرمشق امت اسلامی باشد؛ قیام همگانی در هر روز و هر سرزمین. عاشورا قیام عدالت خواهان با عددی قلیل و ایمان و عشقی بزرگ در مقابل ستمگرانی کاخ نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه، سرلوحه زندگی امت در هر روز و هر سرزمین باشد». (۱)

دو. قیام حق طلبانه مهدوی

براساس آیات و روایات و ادله دیگر، کشمکش و مبارزه حق و باطل، نور و ظلمت، ایمان و کفر، خیر و شرّ و... همیشگی و پایدار نیست و سرانجام باید با پیروزی و غلبه نهایی گروه حق و حزب خدا و شکست و اضمحلال گروه باطل و حزب شیطان پایان یابد.

این پیروزی و غلبه کامل حق بر باطل، در عصر مهدی موعود، تحقق خواهد یافت و این اوج حرکت تاریخ و رسیدن به آخرین منزل مبارزه است. رسیدن به این منزل، نزدیک شدن به مرحله والا و متکامل تاریخ (عبودیت و قرب خدای متعال) و دوری از استکبار، افساد و ابلیس گرایی است.

براساس فلسفه نظری تاریخ (از دیدگاه اسلام)، با قیام و پیروزی امام

۱- صحیفه نور، ج۹، ص ۵۷.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حق و ایمان، به طور کامل تحقّق خواهد یافت و سپاه ظلمت و کفر، از بین خواهد رفت. در این عصر، تمامی نیروهای اهریمنی و شیطانی، فرجام ذلّت باری یافته و قدرت و شوکت ظاهری و باطل آنها فرود خواهد پاشید. حربه های شیطنت و فسادگری ابلیس و زمینه های انحراف و استکبار انسان از بین خواهد رفت... .

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رهبری گروه حق را در دست می گیرد و با تمام توان، به جنگ نهایی با جبهه کفر و باطل می پردازد و در تحقق وعده الهی مبنی بر حاکمیت عدالت، معنویت، امنیت، عقلانیت و دیانت پیروز می شود. بدین ترتیب، تاریخ زندگی بشری نیز به شکوه مندترین فرجام خود می رسد.

وعده قطعی و حتمی خداوند مبنی بر پیروزی حزب الله و مؤمنان که پیروان واقعی حق و حقیقت اند تخلّف نمی پذیرد و نورانیت و عبودیت سراسر جهان را فرا می گیرد. قیام مهدی موعود نیز، آخرین مرحله از مبارزات و تلاش های مستمر جنود رحمان برای نابودی جنود شیطان است؛ چنان که شهید مطهری گفته است:

«از آیات قرآن استفاده می شود که ظهور مهدی موعود، حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود. سهیم بودن یک فرد، در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد، عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که در روایات بدان ها استناد شده است، نشان می دهد که

مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، مظهر نویـدی است که به اهل ایمان و عمل صالـح داده شده است؛ مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است».(۱)

پیش از قیام آن حضـرت، جهان شاهد تحرّک گسترده و فعال دو گروه خیر و شر یا سعید و شقی خواهد بود: یکی حزب الله و در اوج ایمـان و حق باوری و دیگری حزب شـیطان و در نهایت کفر و باطل گرایی. این مسأله در مقیاس کوچک تر، در واقعه غم بار عاشورا تکرار شد: یک گروه سـعید که در اوج ایمان، حق باوری، ولایت پذیری و ایثارگری بودند و یک گروه شـقی که در حضیض ذلت، ظلمت، جنایت، فسادگری و ولایت ستیزی قرار داشتند.

نهضت جهـانی امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز تـداوم همین مبارزه است؛ منتها گروه «سـعدا» و گروه «اشـقیا» در عصـر ظهور هر کدام، به نهایت کار خود می رسـند؛ نه اینکه سـعیدی در کار نباشد و فقط اشقیا به منتها درجه شقاوت برسند. «شـقاوت» و «سـعادتی» که در کربلا مشاهده شد، در مقیاس کلی تر، جهانی تر و گسترده تر در عصر ظهور دیده خواهد شد و مخالفان و دشـمنان حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز از طیف ها و گروه های مختلفی خواهنـد بود؛ چنان که نقل شده است: «...[امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف] علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب

۱- ۱. قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۵۶.

کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می دهد...». (۱)

در روایات، بسیاری از آیات مربوط به حق و باطل و نصرت مؤمنان و... به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر و تأویل شده است. جابر می گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه «لیحق الحق و یبطل الباطل ولوکره المجرمون» فرمود: «مراد این است که هنگام خروج حضرت قائم، حق آل محمد را تثبیت می کند و باطل را بر می اندازد». (۲)

غلبه کامل حق و نابودی باطل، بشارت و وعده ای صریح است که در قرآن آمده و هنوز محقّق نشده است. این وعده الهی بالاخره باید تحقّق یابد و آن هم براساس روایات فراوان، فقط در عصر ظهور خواهد بود.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا»، فرمود: «هنگامی که امام قائم قیام کند، دولت باطل برچیده می شود (اذا قام القائم، ذهبت دوله الباطل)». (۳)

از امام هادی علیه السلام نقل شده است: «یحق الله به الحق و یزهق الباطل و هو مهدیکم المنتظر»(۴)؛ «خداوند حق را به دست او استقرار می بخشد و پیروز می گرداند و باطل را نابود می کند. او مهدی منتظر شما است».

۱- تفسیر عیاشی، ج۱، ص ۱۸۳؛ اثبات الهداه، ج۳، ص ۵۴۹؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴.

۲- تفسیر برهان، ج۲، ص ۶۸؛ اثبات الهداه، ج۷، ص ۹۷ .

۳- تفسیر نورالثقلین، ج۳، ص ۲۱۲؛ منتخب الاثر، ص ۵۸۷، ح ۱۴۰۳.

۴- احتجاج طبرسی، ج۲، ص ۶۰.

در روایت دیگری آمده است: «... یمیت الله عزوجل به و باصحابه البدع و الباطل کما امات السَّفهه الحق حتی لایری اثر من الظلم»(۱)؛ «خداوند به دست او و اصحابش بدعت ها و [گروه] باطل را نابود می سازد؛ چنان که [قبلاً] سفیهان، حق را لگدمال کرده باشند تا اینکه از ستم نشانه ای نمی ماند» و نیز: «... فعندها یتلألؤ صبح الحق و ینجلی ظلام الباطل(۲)...»؛ «... در هنگام [ظهور او]، فجر دولت حق می دمد و تاریکی باطل از صحنه گیتی برچیده می شود».

امام باقر علیه السلام فرمود: «مقصود از «نهار» (در آیه «والنهار اذا تجلی»)، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است؛ چون ظهور کند، باطل را محو نماید و از بین ببرد».(۳)

در این عصر، نمودها و گروه های مختلف باطل (کفر، نفاق، شرک، فساد و ظلمت) از بین رفته و جهان از وجود تمامی یاران ابلیس پاک خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «...[بعد از قیام مهدی]، تمام مشرکان در روی زمین محو می شوند»(۴) و «... صاحب الامر در آخرالزمان ظهور می کند و جباران و فراعنه را نابود می سازد و شرق و غرب عالم را مالک می شود»(۵) و

۱- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵.

۲- کمال الدین، ج۲، ص ۴۴۸.

۳- تفسیر صافی، ج۵، ص ۲۳۶؛ غایه المرام، ص ۷۵۷.

۴- تفسیر فرات کوفی، ص ۴۸۱؛ ینابیع الموده، ص ۴۲۳.

۵- البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۲۳۰، ج۱۲.

«... همانا نابودی پادشاهان ستمگر و ظالم، به دست قائم ما است». (۱)

در این دوران، دولت و صولت باطل فروپاشیده و دیگر مجالی برای قدرت نمایی و فسادگری نخواهد داشت؛ از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «هنگامی که قائم قیام کند، دوران باطل سپری خواهد شد»(۲) و امام علی علیه السلام فرمود: «ترس و رعب پیشاپیش او حرکت می کند. هیچ دشمنی با او برخورد نمی کند؛ مگر اینکه شکست می خورد». (۳)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «اذا رأوا مایوعدون» (در آیه «حتی اذا رأوا مایوعدن اما العذاب و اما الساعه...») قیام قائم ما است و آن ساعتی است که پیروان باطل خواهند دید و عذاب خدا را به دست توانای قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهند چشید که در پیشگاه امام زمان علیه السلام، چه جای بدی دارند و چقدر ناتوانند!»(۴)

در نهایت خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره غلبه حق و اضمحلال باطل می فرماید: «و اذا اذن الله لنا فی القول ظهرالحق و اضمحل الباطل...»(۵)؛ «هرگاه خداوند اجازه سخن گفتن به ما بدهد، حق آشکار شده و باطل نابود می گردد».

۱- کمال الدین، ج۲، ص ۳۵۴، ج۵۱؛ منتخب الاثر، ص ۱۸۲.

۲- تفسیر نورالثقلین؛ ج۳، ص۲۱۲، ج۴۰۷.

۳- منتخب الاثر، ص ۶۳.

۴- غایه المرام، ص ۷۴.

۵- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۹۶.

جای آن است که شاهان زتو شرمنده شوند

سلطنت را بگذارند و ترا بنده شوند

گر به خاک قدمت سجده میسّر گردد

سر فرازان جهان، جمله سرافکنده شوند

بر سر خاک شهیدان اگر افتد گذرت

کشته و مرده، همه از قدمت زنده شوند

جمع خوبان همه چون کوکب و خورشید تویی

تو برون آی که این جمله پراکنده شوند

گر تو آن طلعت فرّخ بنمایی روزی

تیره روزان همه با طالع فرخنده شوند

اگر این است هلالی، شرف پایه عشق

همه کس طالب این دولت پاینده شوند.

قیام و نهضت جهانی و حتمی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آخرین مرحله از مبارزات حق و باطل است؛ چون که یکی از تکان دهنده ترین و سخت ترین آنها، مربوط به واقعه عاشورا بوده است. در این مرحله، دشمنان راه حق (ستمگران، مفسدان، قدرتمندان، جباران و طواغیت)، با نهایت قدرت و توان، به مقابله با آن حضرت بر می خیزند و از تمامی سلاح ها، تجهیزات، امکانات و توانایی های خود استفاده می کنند. در این جنگ نهایی، سپاه کفر و باطل، مغلوب و دولت های جور و ستم، نابود می شود.

این آخرین جنگی است که بشر شاهد آن خواهد بود و پس از پایان این حلقه و نزاع و رفع فساد و فتنه و ستم از جهان، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دست به اقدامات اصلاحی و احیاگرایانه خواهد زد؛ به طوری که هیچ مانعی در برابر فعالیت های گسترده و جهانی او نخواهد بود. در واقع این آیه محقق خواهد شد که: «وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه»(۱). در این باره در فصل پایانی به تفصیل بحث خواهیم کرد.

۱- ر. ک: آینده جهان، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

فصل ۲: جوشش سرخ (مبارزه با دشمنان حقّ)

اشاره

مبارزه با دشمنان حق

یکی از ابعـاد قیـام امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف علاوه بر جنبه های اصـلاح گری، انسان سازی، عـدالت گستری، کمال بخشـی و احیاگری خون خواهی آن حضـرت از دشـمنان خدا، رسول خدا، اهل بیت علیه السلام به خصوص امام حسین علیه السـلام و تمـامی مظلومـان و پایان بخشـیدن به حاکمیت دولت های غاصب، جائر و نامشـروع است. در این فرض، پس از جنگ و انتقام از این دشمنان، زمین آکنده از عدل و داد می شود و دولت های ظالم و ستمگر از بین می روند و... .

مهم ترین بعد این قضیه، این است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انتقام گیرنده خون حضرت اباعبدالله حسین بن علی علیه السـلام خواهد بود. این بشارت و وعده ای است که خداوند متعال در روز عاشورا به فرشـتگان خود داده است و خبر غیبی است که پیشوایان معصوم علیه السـلام بر اساس آن، انتقام خون حسـین علیه السـلام را برعهـده مهدی موعود دانسـته اند؛ یعنی، هر چند در حماسه ماندگار کربلا، امام حسین علیه السلام و یاران اندکش به

ظاهر پیروز نشدند و با مظلومیت تمام، به شهادت رسیده و باقی ماندگانشان به اسارت در آمدند؛ اما این مظلومیت و غربت آنها برکات و آثار فراوانی داشت و موجب بقای اسلام شد. در عین حال خون های پاک آنان، پایمال نشده و دست انتقام الهی از آستین حضرت مهدی علیه السلام خارج خواهد شد.

روشن است که جبهه مقابل سالار شهیدان در جرگه گروه باطل بوده و هرکس در هر زمان، این فکر و روش را داشته باشد، از گروه باطل بوده و مقابله با آنان وظیفه تک تک حق طلبان می باشد.

براساس روایات مختلف، یکی از ابعاد انقلاب و جهاد حضرت ولی عصر علیه السلام، خونخواهی از دشمنان امام حسین علیه السلام است. البته معنا و گستره این انتقام خواهی در روایات مشخص شده است؛ یعنی، با توجه به احادیث، آن حضرت از کسانی که راضی به شهادت امام حسین علیه السلام بوده و به جنایت پدران خود افتخار کرده اند، انتقام خواهد گرفت. آن گاه با دشمنان خدا و رسول او و خاندان گرامی آن حضرت و دشمنان مظلومان و مستضعفان عالم که در خط یزیدیان قرار دارند چنین بر خوردی خواهد داشت.

توجه به این نکته بایسته است که «انتقام»، تنها یک بعد رفتاری است (بعد قهر و خشم) و ابعاد رفتاری دیگر آن حضرت، سراسر مهر و لطف و نجات بخشی تمامی انسان ها و مستضعفان می باشد (بعد

لطف و رحمت).(۱)

پیش از ذکر روایات مربوطه و تبیین پیوند میان نهضت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف با قیام حسینی علیه السلام، ذکر بعضی از جنایات و رذالت هایی که از طرف یزیدیان در نینوا روی داد، ضروری است.

جنایات گروه باطل

اشاره

عاشورا، صحنه بروز و ظهور «جنایت، رذالت، شیطنت و ظلمت» انسان های شرور و ستمگر و اوج طغیان گری، فساد و خونریزی گروه باطل بود؛ همان گونه که محل تجلی و ظهور «نورانیت، شجاعت، عبودیت و حقانیت» صالحان و نیکان عالم بوده است.

درباره این دژخیمان اموی و نفاق پیشگان کوفی نوشته اند: «آنان کسانی بودند که به پرستش هوا و هوس، پیروی از شهوات، دنبال کردن خوی ددمنشی و تعظیم در برابر فاسقی شراب خوار و کافری سگ باز و منافقی میمون پرست چون یزید، زندگی می گذراندند. آنان در مکتب بنی امیه، درس زندگی، غارت، بی رحمی، بی مهری، چپاول، ظلم، ستم، کینه و نفاق، منیّت و خودپرستی آموخته بودند...». (۲)

عناوین بعضی از جنایت های آنان در فاجعه کربلا، عبارت بود از:

۱- برای مطالعه بیشتر این فرض ر. ک: نگارنده، آینده جهان، صص ۱۷۰-۱۸۶.

۲- ر. ک: با کاروان نور، ص ۱۵.

تحمیل جنگ نابرابر بر امام حسین علیه السلام، بستن آب بر روی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، شهادت جانسوز اطفال و کهن سالان، شهادت غمبار یگانه یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مثله و قطعه قطعه کردن بدن ها، سنگباران سپاهیان نور؛ بریدن و به سر نیزه کردن سرها، رها گذاشتن بدن های پاک روی زمین گرم و داغ، تاختن اسب ها بر بدن های مطهر و شریف، غارت اموال و آتش زدن خیمه ها، به اسارت گرفتن اهل بیت علیهم السلام، عبور دادن مصیبت زدگان از کنار قتلگاه و... .

یزید و عُمّال خونریز وی، به این جنایات هولناک بسنده نکرده و در طی مدت کوتاهی بعد از واقعه عاشورا، فجایع دیگری به بار آوردند. یزید پس از شهادت امام حسین علیه السلام و سربریدن اطفال و یاران آن حضرت، در سال بعد، مدینه را برای لشکریانش مباح گردانید. هزار دختر یا بیشتر بی عصمت گردیده، هزار نفر کشته شدند که در میان آنان ۷۰۰ تن از مهاجر و انصار بودند.

در سال سوم، با منجنیق به کعبه حمله کرد و آنجا را به سنگ بست. او ابن زیاد را فرماندار کوفه نمود که عملیات پدرش زیاد را نسبت به شیعیان کوفه تکرار کند. وی افراد بی گناه را به زندان می انداخت، تبعید می کرد، می کشت، به دار می آویخت، دست و پا می برید و... امیر فاسق و ناپاک او نیز در واقعه کربلا به عمربن سعد نوشت: «حسین را محاصره کن، تا او و یارانش را بکشی و بدن های

آنان را قطعه قطعه نمایی؛ چون مستوجب کشته شدن هستند!... هنگامی که حسین را کشتی، اسب بر بدنش، بتازان، چون حسین مرد ستمکاری است!!»

از دستوراتی که یزید به شمر داده بود، ذبح اولاد حسین علیه السلام از کوچک و بزرگ و شیرخوار و کهن سال بود که دیگر از نسل علی علیه السلام کسی باقی نماند!!(۱)

حال آیا روزگار خون حسین علیه السلام را فراموش می کند؟ آیا آن خونی که در همه عصرها می جوشد و تازه است، فراموش می گردد؟! چنان که شیخ عبیدی (مفتی موصل) می گفت: کشته شدن حسین علیه السلام به ریشه اسلام برخورد نموده و فراموش نمی گردد!

جز حسین بن علی کیست که در راه خدا

آنچه را او به جهان هست میسّر بدهد

پای در مدرسه حق و حقیقت چو نهد

درس آزادی و مردانگی و فرّ بدهد

سر به نی خفته و تن خفته به خون، جای دگر

دست ظالم شکنش، کیفر کافر بدهد

نهد آن گونه به میدان محبت پا را

که سر اندر سر آیین پیمبر بدهد

در ره حق کند آن گونه جهاد اکبر

که به کشتن پسر اصغر و اکبر بدهد

تا به پیشانی ظالم فکند لکه ننگ

اثر ضربه به رخساره دختر بدهد

پی اثبات حقیقت، پسر بیمارش

رود و داد سخن بر سر منبر بدهد

حق شود عاقبت کار به باطل پیروز

زور اگر پیشه کند، ظالم و گر زر بدهد

۱- ر. ک: محمد جواد مغنیه، شیعه و زمامداران خودسر، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

جا دارد این زلال همیشه جاری (خون حسینی)، طوفانی سهمگین شود و طومار عمر ظالمان و جبّاران را در هم پیچید و ریشه فساد و ستم را برکند. براساس روایات معتبر، جوشش خون حسین علیه السلام، در عصر ظهور مهدی موعود علیه السلام، به اوج خود رسیده و خاموش نخواهد شد؛ بلکه این خون مقدس، گریبانگیر همه ستمگران و شروران خواهد بود.

با توجه به این بیان «سرّ خونخواهی» امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آشکار می شود و آن این است که: گروه باطل هر چند ممکن است مدتی جولان داشته و برای خود شوکت و قدرت ظاهری دست و پا کند؛ اما بالاخره نابود شده و از بین خواهد رفت و این تداوم راه حق و حقیقت در هر عصر و زمانی است.

خونخواهی و انتقام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دشمنان حسین علیه السلام و دشمنان دین حق در چند مؤلفه قابل بررسی است:

۱ ۲. انتقام خون حسین علیه السلام

اشاره

در روایت مشهوری آمده است:

«القائم منا اذا قام طلب بثار الحسین»(۱)؛ «قائم ما وقتی قیام می کند، خون حسین علیه السلام را طلب خواهد کرد».

۱- تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۲۹۰، ح۶۱؛ بحارالانوار، ح۶۴، ص ۲۱۸، ح۷.

امام صادق علیه السلام فرمود: «چون حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان الهی ضجّه سردادند و گفتند: پروردگارا! با حسین چنین شد؛ در حالی که او برگزیده تو و فرزند پیامبر تو است؛ پس خداوند، نور قائم را به آنان نشان داد و فرمود: «بهذا القائم انتقم منهم»؛ «به وسیله این قائم، انتقام او را خواهم گرفت».(۱)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطانا» فرمود: «مقصود از «و من قتل مظلوماً» حسین بن علی است که مظلوم کشته شده و ما اولیای او هستیم؛ قائم ما چون قیام می کند، در طلب انتقام خون او بر می آید... مقتول حسین علیه السلام و وصیّ او قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است».(۲)

در حدیثی نیز آمده است: راوی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند متعال «من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلایسرف فی القتل» پرسیدم؛ امام علیه السلام فرمود: «نزلت فی الحسین علیه السلام لوقتل اهل الارض به ماکان مسرفا»(۳)؛ «[این آیه]درباره حسین علیه السلام نازل شده است. اگر [قائم ما] به خاطر آن حضرت، همه اهل زمین را بکشد، اسراف کار نخواهد بود».

۱- علل الشرایع، ج۱، ص ۱۶۰، ح۱؛ کافی، ج۱، ص ۴۶۵.
۲- تفسیر عیاشی، ج۳، ص ۲۹۰، ح۶۷، بحارالانوار، ج۶۴، ص ۲۲۸، ح۷.
۳- روضه کافی، ص ۲۵۵؛ المجحه فی مانزل فی القائم. .، ص ۲۲۷.

آن حضـرت در تفسیر آیه «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا...»(۱) فرمود: «اهل سنت می گویند: این آیه درباره پیغمبر صلی الله علیه و آله و سـلم نازل شد، هنگامی که کفار قریش آن حضرت را از مکه بیرون کردند؛ و حال آنکه او قائم علیه السلام است که چون خروج کند، برای حسـین علیه السـلام خونخواهی نماید (اذا خرج طلب بدم الحسین علیه السلام) و این است فرمایش او که: ما اولیای خون و طالبان دیه هستیم». (۲)

ابوحمزه ثمالی می گویـد: از امام باقر علیه السـلام پرسـیدم:ای فرزنـد رسول خـدا! آیا شـما همه قائم نیستید و حق را به پا نمی دارید؟ [در این صورت] چرا تنها ولی عصر (مهدی) را قائم می خوانند؟ فرمود:

«لما قتل جدی الحسـین علیه السـلام ضـجت الملائکه بالبکاء و النحیب و قالوا الهنا و سـیّدنا! اَتَصـفَحُ عمن قتل صـفوتک و ابن صفوتک و خیرتک من خلقک؟... فاوحی الله الیهم قرّوا ملائکتی فو عزّتی و جلالی لانتقمن منهم ولو بعـد حین... ثم کشـف لهم عن الائمه من ولد الحسـین علیه السـلام فسـرّت الملائکه بذلک و رأوا احدهم قائماً یصـلی، فقال سـبحانه: بهذا القائم انتقم منهم»(۳)؛

«چون جدم حسین علیه السلام، کشته شد، فرشتگان صدا به گریه و ناله

۱- حج (۲۲)، آیه ۳۹.

۲- تفسیر قمی، ج۲، ص ۸۴.

۳- دلائل الامامه، ص ۲۳۹؛ بحارالانوار، ح ۳۷، ص ۲۹۴.

بلند کرده، گفتند: خدایا! آیا کشندگان بهترین بندگانت و فرزند اشرف برگزیدگانت را به حال خود وا می گذاری؟ خداوند به آنان فرمود:ای فرشتگانم! آرام گیرید؛ به عزت و جلالم سوگند! از آنان انتقام خواهم گرفت؛ هر چند بعد از گذشت زمان ها باشد. آن گاه پرده از دیده های آنان کنار زد و امامان از فرزندان حسین علیه السلام را یکی پس از دیگری به آنان نشان داد. فرشتگان از این منظره، مسرور و شادمان شدند و دیدند که یکی از آنان، ایستاده مشغول نماز است؛ خداوند فرمود: با این قائم (شخص ایستاده)، از آنها انتقام خواهم گرفت».

فاجعه عظیم

روایات، بیانگر این نکته مهم و تاریخی است که مسأله شهادت حضرت حسین علیه السلام، امری بسیار سنگین و فاجعه ای بزرگ بوده و مرتبط با همه زمان ها است. از آنجایی که گروه ظلمت و جنود شیطان، در عاشورا نور الهی را خاموش کرده و ولی او را به شهادت رساندند، تقاصّ این جنایت را نه تنها خود؛ بلکه باید همه تابعان آنها و باطل گرایان و دشمنان حق بپردازند. گویا همه اهریمنان و طاغوتیان تاریخ، در شهادت او نقش داشته اند و زمان بروز انتقام از آنان، در عصر ظهور فرزند صالح حسین علیه السلام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

این «خونخواهی» به حدّی بدیهی و مطابق سنت های الهی است که خود امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، به یاران خود وعده داده به زودی فرزندش مهدی انتقام خون آنان را از ظالمان و ستمگران خواهد گرفت: «فابشروا بالجنه، فوالله انما نکث ماشاء الله تعالی بعد مایجری علینا، ثم یخرجنا الله و ایاکم حین یظهر قائمنا فینتقم من الظالمین و اناوانتم شاهدهم فی السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النکال...»؛ (۱)«بشارت باد شما را به بهشت! به خدا قسم که بعد از آنچه بر ما جاری شود، مکث خواهیم کرد؛ آن قدر که خدای تعالی خواسته باشد. پس بیرون می آورد ما و شما را در آن هنگامی که قائم ما ظاهر شود؛ پس او از ظالمان انتقام خواهد کشید و ما و شما، آنان را در زنجیر و غل و گرفتار انواع عذاب ها و نقمت ها، مشاهده خواهیم کرد».

در روایت دیگری نیز فرموده بود: «یظهرالله قائمنا فیتنقم من الظالمین»؛ «خداوند قائم ما را آشکار خواهد نمود و او از ظالمان انتقام خواهد گرفت».

در روایتی ذیل آیه «و من عاقب بمثل ماعوقب به ثمّ بغی علیه لینصّرنّه الله» آمده است: «... فلما قبض رسول الله بغی علیه ابن هندبن عتبه ابن ربیعه (یعنی معاویه بن ابی سفیان) بخروجه عن طاعه امیرالمؤمنین... و بقتل ابنه یزید، الحسین، بغیاً و عدواناً، ثم قال تعالی: لینصرنه الله؛ یعنی، بالقائم

۱- گزیده کفایه المهتدی، ص ۱۰۵، ج۱۹.

المهدی من ولده»(۱)؛ «... پس از رحلت پیامبر اسلام، فرزند هند (معاویه...)، با سرپیچی و نافرمانی از امیرمؤمنان علیه السلام، علیه او طغیان کرد. آن گاه فرزند او، یزید، با کشتن حسین علیه السلام، دشمنی و طغیان گری خود را [به نهایت رساند]. پس خداوند می فرماید: «خداوند او را یاری می کند»؛ یعنی، به وسیله قائم از فرزندان او».

یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز، همان مبارزه پیگیر و توفنده علیه دشمنان حق و ریشه کنی تبار اهریمنان و یزیدیان است.

۲ ۲. انتقام خون حسین علیه السلام وظیفه همگانی

از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین علیه السلام، به زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین علیه السلام کشته شده است! از این رو ژولیده و غبار آلود در نزد قبرآن حضرت، اقامت کردند و همچنان هستند تا اینکه قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان «یالثارات الحسین» است».(۲)

جلوگیری از پایمال شدن خون حسین علیه السلام و خونخواهی از جنایتکاران و قاتلان، امری بایسته و تقدیر الهی است و همه مؤمنان

۱- ینابیع الموده، ص ۵۱؛ المهدی فی القرآن، ص ۷۸.

۲- امالی صدوق، مجلس ۲۷، بحارالانوار، ج۴۴، ص ۲۸۵.

و حق طلبان عالم، بایـد به این وظیفه عمل کننـد (هر چند از کسانی که خود در عاشورا حضور نداشـته اند؛ ولی به این جنایت راضی بوده و به آن افتخار می کنند و یا ادامه دهندگان راه یزیدیان و ابن زیادها هستند!!)

بـا توجه به روایت یاد شـده، برخی از فرشـتگان الهی از هنگامه عاشورا تاکنون، منتظر ظهور حضـرت ولی عصـر علیه السـلام، هسـتند تا همراه و هم پای او، علیه دشمنان حق قیام کرده و انتقام خون حسین علیه السلام را بگیرند. شیعیان واقعی آن حضرت نیز در بعضـی از دعاها و زیارت ها چنین خواسته ای دارند؛ چنان که در زیارت عاشورا و در تعزیت گفتن این روز، از خداوند می خواهند که آنان را جهت گرفتن انتقام خون حسین علیه السلام از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهد:

الف. «ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم».(۱)

ب. «اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسـین علیه السـلام وجعلنا وایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهـدی من آل محمـد»(۲)؛ «خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولی اش، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریفاز آل محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم طلب خون آن حضرت کرده به خونخواهی او برخیزیم».

۱- زیارت عاشورا (مفاتیح الجنان).

۲- تعزیت عاشورا (مصباح المتهجد).

همه این مطالب، بیانگر آن است که یکی از ابعاد و وجوه انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خونخواهی از دشمنان و کشندگان سالار شهیدان است.

۲ ۳. فریاد انتقام خواهی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش

یکی از انگاره های مورد توجه درباره قیام حسینی و انقلاب مهدوی، پیوندها و ارتباط های ناگسستنی و عجیب این دو قیام است؛ یعنی، این دو نهضت الهی، وجوه مشابهت همسانی فراوانی دارند و به عبارتی تکمیل کننده و پشتوانه همدیگر هستند. امام حسین علیه السلام بارها در حماسه عاشورا، یاد و نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را زنده کرده و فرجام تلخ دشمنان را در دست او دانسته بود.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در موارد و مراحل مختلف قیام خود، پیگیر نهضت خونین عاشورا بوده و خود را ادامه دهنده و پیرو راستین آن معرفی می کند.

از آنجایی که این دو قیام حق طلبانه، علیه جنود شیطان و سپاهیان ظلمت و باطل است؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حرکت خود را با اعلان برائت از دشمنان اهل بیت و اینکه او منتقم خون حسین است و... آغاز می کند.

بر اساس روایتی هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند،

خود را به عنوان منتقم خون جدش حسین بن علی علیه السلام معرفی می کند:

«الایا اهل العالم! انا الامام القائم؛ الایا اهل العالم! انا الصمصام المنتقم؛ الایا اهل العالم! ان جدّی الحسین قتلوه عطشاناً...»(۱)؛ «آگاه باشید ای جهانیان! منم امام قائم؛ آگاه باشید ای اهل عالم منم شمشیر انتقام گیرنده؛ بیدار باشید ای اهل جهان که جدّمن حسین را تشنه کام کشتند...».

شعار فریاد گونه یاران و سپاهیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتقام خواهی از امام حسین علیه السلام خواهد بود: «ان شعار اصحاب المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یالثارات الحسین علیه السلام»(۲)؛ «همانا شعار یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ای خونخواهان حسین است».

سلام بن مستنیر می گوید: امام باقر علیه السلام در [تفسیر و تأویل] آیه «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطانا فلایسرف فی القتل انه کان منصوراً»(۳) فرمود:

«او حسین بن علی است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم. قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون حسین علیه السلام برمی

۱- الزام الناصب، ج۲، ص ۲۸۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج۱، ب۶۷.

۳- اسراء (۱۷)،آیه ۳۳.

آید. پس می کشد تا جایی که گفته شود: اسراف در قتل کرده است. «مقتول» حسین علیه السلام و ولی او «قائم علیه السلام» است. اسراف در قتل آن است که غیر قاتل او کشته شود. او «منصور» است؛ زیرا از دنیا نمی گذرد تا اینکه یاری شود به مردی از خاندان پیامبر خدا که زمین را آکنده از قسط و عدل کند؛ همچنان که از جور و ظلم پر شده است. (۱)

البته چنان که پیش تر گذشت، این انتقام و خونخواهی، ممکن است از قاتلان واقعی آن حضرت نباشد (چون همگی به شکل های فجیعی کشته شده و معذّب گشتند و یا در رجعت از خود آنان نیز خونخواهی شود)؛ بلکه شامل ناپاکانی می شود که از شهادت امام حسین علیه السلام خشنود بوده و به این جنایت می بالند و یا خود تداوم بخش همان جنایت ها و فجایع علیه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شیعیان و مظلومان عالم اند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤالی در مورد انتقام از ذریه های کشندگان امام حسین علیه السلام فرمود: «ذراری قتله الحسین یرضون بفعال آبائهم و یفتخرون بها و من رضی شیئاً کمن أتاه...»(۲)؛ «بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام برکردار پدرانشان خوشحال اند و به آن افتخار

۱- تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۲۹۰؛ اثبات الهداه، ج۷، ص ۱۰۲؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.
۲- وسائل الشیعه، ج۱۶، ص ۱۳۹، ح ۲۱۱۸۰؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۱۲.

می کنند و هر کس از عملی راضی باشد، مانند آن است که آن را خود انجام داده است».

۲ ۴. انتقام از تمامی دشمنان حق

نگارنده در پژوهش مفصلی که درباره «دولت مهدوی» انجام داده، ثابت کرده که ماهیت و ویژگی برجسته آن، کمال بخشی و برنامه ریزی فرهنگی و رفتارهای بسیار لطیف و مهرورزانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عموم مردم جهان است.

مهم ترین برنامه آن حضرت در برابر مشکلات و موانع رشد و بالندگی انسان ها، برخورد فرهنگی و تربیتی است؛ نه نظامی و سیاسی. ایشان دولتی اخلاقی تأسیس می کند که مهم ترین رویکرد آن رشد فکری و اخلاقی مردم و رساندن آنان به سرمنزل مقصود (عبودیت و قرب خداوند متعال) است؛ یعنی، قبل از آنکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برخوردی قهرآمیز و انتقام جویانه داشته باشد؛ رفتاری پیامبرانه و حکیمانه دارد و هم از طریق وعظ و نصیحت و هم از طریق هدایت باطنی و کرامت مردم را به راه درست، دعوت خواهد کرد... .

عموم مردم نیز از این نوع «هدایت گری» و «برخورد فرهنگی» کمال استقبال را خواهند داشت و رضایت و خشنودی واقعی خود را اعلام کرده، دعوت او را خواهند پذیرفت؛ اما در برابر همین برخورد

ملاطفت آمیز و حکیمانه، عده ای به کارشکنی و مخالفت برخواهند خاست؛ همان گونه که در برابر همه پیامبران و داعیان راه حق، این دشمنی ها و مخالفت ها را داشته اند. اینان همان گروه باطل و سپاهیان شرک و شرّ هستند که به هیچ عنوان، دست از لجاجت و دشمنی خود بر نمی دارند و همواره درصدد فساد، ظلم، تبعیض و بهره کشی از انسان ها هستند.

کینه و خشونت آنان نسبت به پیامبران و رهبران حق، به جهت خطری است که منافع مادی و دنیوی آنان را تهدید می کند!! به همین جهت در طول تاریخ، همواره به جنگ و نزاع با گروه حق و حزب خدا پرداخته اند و نمونه فاجعه آمیز آن را در صحنه عاشورا پدید آوردند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای رهایی بشر از چنگال این گروه ظلمانی و رفع تمامی موانع رشد و تعالی انسان ها، به مبارزه سخت و گسترده علیه آنها می پردازد و طی جنگ های شدیدی، آنها را سرکوب و مغلوب می سازد. این گروه باطل، شامل کفرورزان به خداوند، افسادگران در جهان، شرک ورزان به ساحت حق تعالی، نفاق پیشگان، زرمداران مترف، مستکبران استضعاف گر، دشمنان سرسخت اهل بیت علیه السلام، ستمگران عدالت گریز و... است.

صبحی دگر می آید ای شب زنده داران

از قله های پرغبار روزگاران

از بیکران سبز اقیانوس غیبت

می آید او تا ساحل چشم انتظاران

آید به گوش از آسمان: اینست مهدی!

خیزد خروش از تشنگان؛ اینست باران!

با تیغ آتش می درد آن وارث نور

در انتهای شب گلوی نابکاران

از بیشه زار عطرهای تازه آید

چون سرخ گل بر اسب رهوار بهاران

آهنگ میدان تا کند او، بازماند

درگرد راهش مرکب چابک سواران

آیینه آیین حق! ای صبح موعود

ماییم سیمای تو را، آیینه داران

براین اساس دایره انتقام و خون خواهی امام زمان علیه السلام، گسترده بوده و علاوه بر دشمنان اهل بیت علیه السلام شامل دیگران نیز می گردد. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «فمهل الکافرین اَمهلهم رویداً» فرمود: «[یعنی] ای محمد! کافران را مهلت بده، مهلت دادنی که اگر قائم قیام کند، از ستمگران و از جنایت کاران قریش، بنی امیه و هر قوم دیگر، انتقام خواهد گرفت (فینتقم من الجبّارین و الطواغیت من قریش و بنی امیه و سائر الناس)». (۱)

امام صادق علیه السلام درباره انتقام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دشمنان خدا و رسول او و پیامبران فرمود: «مالمن خالفنا فی دولتنا من نصیب ان الله قد احلّ لنا دمائهم عند قیام قائمنا، فالیوم محرّم علینا و علیکم ذلک، فلایغرّنک احد اذا قام قائمنا انتقم لله و لرسوله و لنا اجمعین»؛ «برای مخالفان ما در دولت ما نصیبی نیست. خداوند به هنگام قیام قائم ما، خون

آنان را

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۴۹، ح۱۹؛ الزام الناصب، ص ۲۴۲.

برما حلال کرده است. هنگامی که قائم ما قیام کند، انتقام خدا و پیامبر و ما را خواهد گرفت».

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه «لمن انتصر بعد ظلمه» فرمود: «[این آیه در حق مهدی و یاران او است] هنگامی که قائم قیام کند، او و اصحابش از بنی امیه و تکذیب کنندگان و ناصبیان انتقام می گیرند».(۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند به وسیله او، اسلام را پس از ذلّت به عزّت می رساند و پس از افسردگی، زنده می سازد. جزیه را کنار گذاشته، با شمشیر به سوی خدا دعوت می کند. هر کس با او در افتد، زبون می شود...(فمن أبی قتل و من نازعه خذل)»(۲).

آن حضرت همچنین فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه خشم خدا بر بندگانش، خشمگین و غضبناک ظهور می کند و پیراهنی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ احد برتن داشت، می پوشد... شمشیر رسول اکرم (ذوالفقار) را در دست می گیرد. آن را برهنه کرده، بر دوش می گذارد و هشت ماه، دشمنان خدا را بی پروا می کشد». (۳)

صدای سم سمند سپیده می آید

یلی که سینه ظلمت دریده می آید

گرفته بیرق تابان عشق را بر دوش

کسی که دوش به دوش سپیده می آید

۱- تفسیر فرات کوفی، ص ۳۹۹، ح۵۳۲؛ تفسیر قمی، ج۲، ص ۲۷۸.
۲- یوم الخلاص، ج۲، ص ۵۱۴، ج۶۶۹؛ الزام الناصب، ص ۱۷۹.
۳- الغیبه نعمانی، ص ۳۰۱، ج۲؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۶۱.

طلوع برکه خورشید تابناك دل است

ستاره ای که از آفاق دیده می آید

در آن کران که بود خون عاشقان جوشان

شهید عشق سر از تن بریده می آید

به پایداری آیین آسمانی ما

گزیده ای که خدا برگزیده می آید

ص: ۸۷

فصل ۳: راه روشن

اشاره

(پیام ها و اهداف مشترک)

پیام ها و اهداف

اشاره

یکی از اساسی ترین ابعاد و وجوه حماسه عاشورا، درس ها، عبرت ها و پیام های جاودانه و فراگیر آن است. این آموزه ها و پیام ها، همواره حیات بخش، حرکت آفرین، تأثیر گذار و ماندگار بوده است. این قیام هر چند در مکان و زمان خاصی روی داد؛ ولی آثار و برکات آن، همیشگی و گسترده بوده و مرزهای زمانی و مکانی را در نوردیده است.

شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، ارائه الگو و برنامه برای همه ملت ها و فرهنگ های حق طلب و عدالت خواه است. حماسه حسینی؛ یعنی، ذلت ناپذیری و عزّت نفس؛ ظلم ستیزی و افشای ستم کاران؛ حق گرایی و دعوت به رهبری امامان؛ عدالت و برابری؛ آزادی و آزادگی؛ احیای دین و سنت های اسلامی؛ رسوا سازی باطل و مبارزه با بدعت؛ اقامه حق و عدل و امر به معروف و نهی از منکر؛ اصلاح جامعه و پیکار با مفاسد؛ ضرورت فداکاری و جهاد در راه

عقیده و مرام؛ بایستگی تشکیل حکومت دینی؛ روشن شدن مظلومیت اهل بیت علیهم السلام ؛ شکست سلطه ها در برابر سلاح شهادت و مظلومیت؛ الهام بخشی به آزادگان و حق طلبان؛ موج آفرینی مثبت در تاریخ؛ ضرورت اصلاح جامعه فاسد و منحرف و... .

نهضت اباعبدالله علیه السلام، نتایج و پیامدهای زیادی برای جامعه اسلامی فراهم آورد که عبارت است از:

۱. بر ملا ساختن جاهلی بودن حکومت وقت و برداشتن پرده از کار ظالمان و معرفی آنان به جوامع اسلامی؛

۲. پیدایش احساسات دینی علیه ظالمان و حاکمان جور و ستم؛

۳. احیای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه؛

۴. جلب عواطف مردم به سوی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛

۵. بیدار شدن وجدان تاریخ و الگو گرفتن قیام امام حسین علیه السلام در برابر ظالمان؛

۶. آگاهی مسلمانان نسبت به حقوقی که در برابر حاکمان دارند؛

۷. زنده شدن دوباره حقایق اسلامی و دستورات و تعالیم روشن آن؛

۸. درک درست از معنا و ارزش شهادت در راه خدا؛

۹. اعتقاد به برتر بودن مرگ با عزّت از زندگی با ذلّت و... (۱).

۱- ر. ک: مجله حکومت اسلامی، سال ۸، ش۱، ص ۳۷۸؛ مجله اندیشه حوزه، سال ۸، ش۵ (۱۳۸۲)، ص ۷۸.

بـا توجه به مؤلفه هـای یـاد شـده، روشن می شود که «واقعه طف» (کربلا)، سراسـر پیام، عبرت، درس، اثر و نتیجه است و این نشانگر آن است که پیروز واقعی میدان نبرد اندیشه و اعتقاد راستین، حسـین علیه السـلام است؛ نه شمشیرها و نیزه های پوسیده و خونریز یزیـدی. در واقع وقتی سـخن از پیروزی و ظفرمنـدی گروه حق به میان می آید (و در قرآن به آن تصـریح می شود)، صرفاً غلبه نظامی و مادی نیست؛ بلکه پیروزی اعتقادی، فکری و معنوی و چیرگی پیام و روح آن را نیز در بر می گیرد.

عالم از شور تو غرق هیجان است هنوز

نهضتت مایه الهام جهان است هنوز

بهر ویرانی و نابودی بنیان ستم

خون جوشان تو چون سیل زمان است هنوز

در فداکاری مردانه ات ای رهبر عشق

چشم ایام به حسرت، نگران است هنوز

کربلای تو پیام آور خون است و خروش

مکتبت راهنمای دگران است هنوز

تا قیامت زقیام تو قیامت برپاست

از قیام تو پیام تو عیان است هنوز

همه ماه است محرّم، همه جا کرب و بلاست

در جهان موج جهاد تو روان است هنوز

باغ خشکیده دین را تو زخون دادی آب

نه عجب گر که شکوفا و جوان است هنوز

تربت پاک تو کازادگی آموزد و عشق

سرمه دیده صاحب نظران است هنوز

البته در بسیاری از جنگ ها و نبردهای گروه حق و باطل، عموماً جبهه حق (پیامبران و خداپرستان) پیروز شده اند و خداوند نیز نصرت خود را شامل آنان کرده است. براساس شواهد قرآنی و تاریخی، پیامبرانی چون نوح، هود، لوط، صالح، موسی، ابراهیم، داود،

سلیمان، محمد صلی الله علیه و آله و سلم و... هم پیروز نظامی و ظاهری بوده اند و هم پیروز اعتقادی و معنوی.

این پیروزی ها در سایه نصرت و عنایت های الهی به دست آمده و این سنت او است که در میان آفریدگان جاری است و هرگز در سنت الهی دگرگونی راه ندارد. او می فرماید: «در حقیقت ما فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا قطعاً یاری می کنیم»(۱) و نیز: «حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گشت؛ آری خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است».(۲)

بر این اساس است که گفته می شود:

«حسین علیه السلام برای زنده کردن انسانیت و بازگردانیدن کرامت لگد مال شده او قیام کرد و به همین سبب درصدد ستیز با یزید و نابود ساختن اندیشه او برآمد. حسین علیه السلام بار مسئولیت رسالت اسلام را بر دوش گرفت تا در طی روزگاران دراز، به داد او برسد و لذا با یزید که می خواست کلمه خدا در زمین را خاموش کند به ستیز برخاست و بدین ترتیب، ستیز و رویارویی میان دو عقیده و دو اندیشه بود؛ نه میان دو شخص. حضرت حسین علیه السلام، در بالا بردن دین اسلام، از شیوه جد و پدرش پیروی می کرد؛ در حالی که یزید در نابود ساختن

۱- غافر(۱۴۰)، ایه ۵۰.

۲- مجادله (۵۸)، آیه ۲۱.

این دین از شیوه پیشینیان خود، دنباله روی می نمود و به همین سبب، نبردی بی امان در کربلا در گرفت... »(۱).

امام حسین علیه السلام و یزید در سرزمین کربلا، رویاروی هم قرار گرفته و با هم جنگیدند و هر چند در ظاهر غلبه و چیرگی از آن یزید و یزیدیان بود؛ اما در واقع و سرانجام شخصیت امام حسین علیه السلام پیروز شد و اندیشه و پیام خود را برای همه عصرها و ملّت ها به یادگار نهاد و در این راه جان خود را نیز فدا کرد.

به همین جهت است که راه و آرمان او در نهضت مهدوی، هویدا شده و اندیشه و پیامش احیا خواهد گردید؛ یعنی، الگو و اسوه انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام خونین حسینی است و برنامه ها و اهداف آن در عصر ظهور تحقق خواهد یافت.

امام راحل رحمه الله می فرمود:

«واقعه عظیم عاشورا، از سال ۶۱ هجری، تا خرداد ۴۳ و از آن زمان تا قیام حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفداء در هر مقطعی انقلاب ساز است».(۲)

سید قطب می نویسد:

«... حسین علیه السلام به گونه ای به شهادت می رسد که از یک

۱- محمد هادی معرفت، امام حسین پیروز میدان نبرد، مجله اندیشه حوزه، سال هشتم، ش پنجم، ص ۹۲.

۲- صحیفه نور، ج۱۶، ص ۱۷۹.

سو بزرگ و افتخار آمیز است و از سوی دیگر، غمناک و دردآور؛ آیا این شهادت، پیروزی بود یا شکست؟ در ظاهر و با معیار کوچک، شکست بود؛ اما در حقیقت و با معیار بزرگ، پیروز محسوب می شود. چه [اینکه] هیچ شهیدی در زمین، همچون حسین علیه السلام نیست که سینه ها در عشق او بتپد، دل ها پریشان شود و از غیرت و فداکاری به جوش آید. شعیه و سنّی و حتی غیر مسلمانان، همگی عاشق و دلباخته او هستند. چه بسیار شهیدی که اگر هزار سال زندگی می کرد، نمی توانست، عقیده و مکتب خود را به پیروزی برساند؛ در حالی که حسین علیه السلام با شهادت خویش، آن را به پیروزی رسانید... (۱)».

به همین جهت است که پیام ها و اهداف او، در نهضت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بازسازی و شکوفا شده و در عالم واقع، محقق می شود. پیش از بیان پیام های عاشورا و قیام مهدوی، توجه به یک نکته کلیدی، مهم و بایسته است و آن عبارت است از بستر سازی امام حسین علیه السلام برای قیام عاشورا و ایجاد آمادگی و حالت انتظار در میان شیعیان.

بستر سازی و ایجاد آمادگی برای قیام جهانی

حضرت ابا عبدالله علیه السلام در صبح عاشورا چند ساعت مانده به شهادت

۱- فی ظلال القران، ج۷، ص ۱۸۹ و ۱۹.

یاران در سخنرانی مهمّی، به آینده و تحولات آن می پردازد. ره آورد خون های اصحاب و یارانش را در کربلا تحلیل می کند و بشارت می دهد که:

«این خون ها هدر نمی رود؛ زنده و جاویدان می ماند. حرکت ها پدید می آورد و به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می انجامد و به عدل جهانی و حکومت جهانی قرآن متصل می شود.

و ادامه می دهد: من و شما دوباره زنده می شویم؛ دوران رجعت و بازگشت دوباره امامان معصوم فرا می رسد و حکومت عدل جهانی مهدی را تداوم می بخشیم (فابشروا فوالله لئن قتلونا فانّا نرد علی نبینا ثم امکث ماشاءالله فاکون اوّل من تنشقّ الارضُ عنه...)».(۱)

امام حسین علیه السلام با طرح مباحث «ظهور مهدی موعود» و بازگشت امامان به دنیا در شب عاشورا، درصدد ایجاد زمینه های مناسب طرح این مباحث و ایجاد آمادگی لازم و... بر می آید. پس باید منتظران واقعی و ایثارگر و آماده شهادت، به فلسفه انتظار بیندیشند.

اگر پیروزی امام زمان علیه السلام بر دنیا، به صورت معجزه یا دخالت ولایت تکوینی یاجبری باشد، آمادگی نیرو لازم نیست. پس [ذکر] شرایط و ویژگی های منتظران نیز فایده ای نخواهد داشت!!

اما اگر ظهور جهانی امام زمان علیه السلام زمینه های لازم را می طلبد،

۱- بحار الانوار، ح۴۵، ص ۸۱؛ الخرائح والجرائح، ج۳، ص ۸۴۸ ج۶۳.

تحقّق شـرایط می خواهـد و آمادگی جهانی و آمادگی ملت اسـلام را لازم دارد و پس از اعلام ظهور در خانه خـدا، احتیاج به سرباز و مردان جنگجو و کارآزموده دارد و نیروهای فراوانی می خواهد تا مکه و مدینه را آزاد کنند و سپس عراق را فتح کند و با همه گردن کشان جهان بجنگـد و... پس نیرو می خواهد. به شـهادت طلبان خط شـکن احتیاج دارد؛ تا با شـهادت طلبی و شجاعت، همه مرزهای دشـمنان جهانی را فتح کند و از هیچ چیز نهراسد. پس امکانات گسترده لازم دارد تا با امکانات نظامی دشمنان خود، مقابله کند.

پس بایـد آمـاده بود و خودسـازی کرد و انواع تمرینـات نظـامی را گذرانـد و... آن گاه بایـد فریاد زد: «عجّل علی ظهورک». بنابراین هر کسی نمی تواند ادعا کند که منتظر امام زمان علیه السلام است و آمادگی یاری کردن او را دارد!!

از این رو امام حسـین، در لحظه های شهادت در چند قدمی خط خون فلسفه انتظار و بحث قیام را مطرح کرد و بشارت داد که آینده روشن است. (۱)

همان گونه که پیش تر اشاره شد، نهضت خونین حسـین علیه السـلام در امتداد و مسیر قیام ها و مبارزات پیامبران و تمامی حق پویان عالم قرار داشت (البته با مقیاس ظاهری و جغرافیایی محدودتر و کوچک

۱- ر.ک: محمد دشتی، پیام های عاشورا، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

تر؛ اما با دایره معنایی و اثرگذاری گسترده تر و فراتر از زمان ها و مکان ها).

در این مسیر، انقلاب ها و ستیزش های مختلفی (مانند انقلاب اسلامی ایران) روی داده و قیام ها و نهضت هایی به وجود می آید تا اینکه به قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی شود. بیشتر قیام های حق طلبانه در این دوران، متأثر و برانگیخته از حماسه جاویدان عاشورا بوده است و در واقع، جریان قیام کربلا به صورت یک حادثه، در درون تاریخ مدفون نگشت و دیری نپایید که به یک «حماسه بزرگ» تبدیل شد و به صورت یک قیام و انقلاب الگو بخش و تاریخ ساز درآمد و الهام بخش نهضت ها و تحوّلات و جنبش ها در تاریخ اسلام گردید.

تا ابد جلوه گه حق و حقیقت سرتوست

معنی مکتب تفویض، علی اکبر توست

ای حسینی که تویی مظهر آیات خدای

این صفت از پدر و جدّ تو در جوهر توست

درس آزادگی، عباس به عالم آموخت

زآنکه شدمست از آن باده که در ساغر توست

بابی انت و امی که تویی مکتب عشق

عشق را مظهر و آثار، علی اصغر توست

ای حسینی که به هر کوی، عزای تو به پاست

عاشقان را نظری در دم جان پرور توست

به یقین قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز، ادامه نهضت عاشورا و برگرفته و ملهم از آن است. مهم ترین دلیل این برداشت، یکسانی و هماهنگی اهداف، پیام ها و برنامه های هر دو قیام است. این دو نهضت، علیه ظلم و ستم و فساد بر پا شده و اصلاح جامعه، احیای آموزه های

دینی، نجات مستضعفان و مظلومان، سرپیچی از بیعت جائران و مفسدان، رفع موانع رشد و تعالی انسان و جزء برنامه های اصلی آنها است. در اینجا به بعضی از مؤلفه های مشترک هر دو قیام اشاره می شود.

یک. پیام ها و اهداف قیام حسینی

اشاره

بر اساس روایات و شواهد تاریخی، می توان اهداف و برنامه های امام حسین علیه السلام در حماسه عاشورا را چنین شمارش کرد:

۱ ۱. بایستگی قیام حق طلبانه علیه باطل گرایی

قیام امام حسین علیه السلام، براساس حق و حق گرایی بنا شده و یکی از اهداف مهم آن، برپاداشت حق، غلبه نورانیت بر ظلمت، رفع شرارت و شیطنت و مبارزه با باطل (گروه کفر و ظلم و فساد) بوده است.

امام در طول این قیام فریاد برآورد که: «نمی بینید به حق عمل نمی گردد و از باطل روی گردانی نمی شود (الا ترون انّ الحق لایعمل به و انّ الباطل لایتناهی عنه)»(۱)

یعنی چون وضع جامعه چنین بوده و باطل در جولان است، من قیام کرده ام و اگر کسی از من حمایت کند، حق را یاری کرده است:

۱- بحارالانوار، ج۴۴، ص ۳۸۱.

«فمن قبلنی بقبول الحق فالله اولی بالحق...»؛ «هر کس این را بپـذیرد که حق است، راه خدا را پذیرفته است...». پیش تر در این باره بحث شده و به همین مقدار بسنده می شود.

۲۱. عدالت گرایی و برپاداشت قسط

از برنامه ها و ایـده های امام حسـین علیه السـلام در قیام کربلا، دعوت به عدالت و برابری انسان ها و شکسـتن سـلطه تبعیض و بیداد و گسسـتن حصارها و بندهای بردگی از دست و پای مردم بود. امام حسـین علیه السـلام در نامه ای به مردم کوفه نوشت: «فلعمری ماالامام الا الحاکم بالکتاب، القائم بالقسط الـدائن بدین الحق...»(۱)؛ «به جان خودم سوگند! امام و پیشوا، تنها کسـی است که در برابر کتاب خدا داوری کند و دادگر و عدالت گستر و متدین به دین حق باشد».

آن حضـرت حرکت خویش را برای اقامه عـدل و رفع سـتم از مظلومان و ایمن یافتن بنـدگان خدا یاد کرد: «و یأمن المظلومون من عبادك»(۲)؛ در زیارت نامه امام حسـین علیه السـلام می خوانیم: گواهی می دهیم که وی دعوتگر به سوی قسط و عـدل و برپادارنده عدالت و ایجاد کننده امنیت برای ستمدیدگان بود: «اشهد انک قد امرت بالقسط و

۱- الارشاد مفید، ص ۲۰۴.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۰، ص ۳۷؛ تحف العقول، ص ۲۳۹.

العدل و دعوت الیهما»(۱)؛ «شهادت می دهم که تو به قسط و عدل دستور دادی و به دین دعوت کردی».

امام خمینی رحمه الله عدالت خواهی نهضت حسینی را چنین بیان می کند:

«شهادت [امام حسین]برای این بود که اقامه شود عدل الهی»(۲) و «سید الشهدا سلام الله علیه از همان روز اول که قیام کردند، برای این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود. تمام زندگی اش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته شود و از بین برود»(۳).

ایشان براساس همین عدالت خواهی، نهضت حسینی را به قیام مهدی و سایر انقلاب های حق طلبانه پیوند می زند:

«زندگی سیّد الشهدا، زندگی حضرت صاحب الامر سلام الله علیه زندگی همه انبیاء از اول از آدم تا حالا، همه شان این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می خواستند». (۴)

۱- مفاتیح الجنان، ص۴۳۹.
۲- صحیفه نور، ج۲۰، ص ۱۴۵.
۳- صحیفه نور، ج۲۰، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.
۴- صحیفه نور، ج۲۰، ص ۱۹۱.

۳۱. مبارزه با حکومت فسق و جور (ستم ستیزی)

یکی از برنـامه هـای اساسـی امـام حسـین علیه السـلام، مبارزه پیگیر و مـداوم با ظلم و سـتم حاکمان وقت و ریشه کنی جور و استکبار و خودکامگی از جوامع اسلامی بود.

آن حضـرت در زمـان معاویه نیز به ظلم و اسـتبداد حکومت او اعتراض شدیـد داشت و این اعتراض را به دوران حکومت یزید که در اوج استکبار و استبداد و خودکامگی قرار داشت کشاند. مهم ترین مستند او دستور پیامبر اسلام بود که:

«من رای سلطاناً جـائراً مسـتحلاً لحرم الله، ناکثاً لعهـدالله مخالفاً لسـنّه رسول الله یعمل فی عبادالله بالاثم و العـدوان فلم یغیر علیه بفعـل و لاقول کان حقاً علی الله ان یـدخله مـدخله و انّ هؤلاء قـد لزموا طاعه الشـیطان... »(۱)؛ «اگر کسـی حاکم ستمگری را ببینـد که حلال خـدا را حرام می کند، عهد و پیمان الهی را می شـکند و با سـنت رسول خدا مخالف است و با بندگان خدا به ستم و بیـدادگری رفتـار می کنـد، پس بـا گفتـار و کردار در برابرش نایسـتد؛ برخداونـد است که این فرد را نیز با همان حاکم ستمکار محشور کند... آیا نمی بینید که اینان اطاعت شیطان را، دستمایه خود کرده اند...».

آن حضـرت اعـتراض شدیـدی به قرار گرفتن خلافـت در دست فـاسق و جـائری چون یزیـد داشت (وعلی الاسـلام السـلام، اذ قدبلیت الامه

۱- تاریخ طبری، ج۴، ص ۳۰۴؛ نفس المهموم، ص ۱۱۵؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص ۳۸۱.

براع مثل یزید...)(۱) و از اینکه در دوران چنین افرادی زندگی می کند، اظهار برائت می کرد (فانّی لااری الموت الا سعاده و الحیاه مع الظالمین الاّبرما)(۲).

آن حضرت شگفتی و تعجّب خود را از سلطه و چیرگی چنین ظالمانی بیان می دارد: «فیا عجبا! و مالی لااعجب و الارض من غاش غشوم و متصدق ظلوم و عامل علی المؤمنین بهم غیر رحیم»(۳)؛ «چرا در شگفت نباشم که زمین در تصرّف مردی دغل و ستمکار و مالیات بگیری نابکار است؛ حاکمی است بر مؤمنان که نسبت به آنان مهربان نیست».

امام خمینی رحمه الله در این باره می گوید:

«امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جائرانه می کند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد، به پاخیزید و استنکار کنید و اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید». (۴)

«امام حسین علیه السلام با عده کم، همه چیزش را فدای اسلام

۱- لهوف، ص ۲۰؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۲۶.

۲- تحف العقول، ص۲۴۵؛ تاریخ طبری، ج۴، ص ۳۰۵؛ کشف الغمه، ج۲، ص۳۲.

۳- تحف العقول، ص ۲۳۷؛ بحارالانوار، ج۹۷، ص۷۹.

۴- تبیان (عاشورا در کلام امام خمینی)، ص ۵۴.

کرد، مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت». (۱)

«سید الشهدا علیه السلام سلام الله علیه وقتی می بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می کند؛ تصریح می کند حضرت که: اگر کسی ببیند حاکم جائری در بین مردم حکومت می کند]و[ظلم دارد. به مردم می کند؛ باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند؛ هر قدر که می تواند با چند یا چندین نفر...»(۲) و «حضرت سید الشهدا سلام الله علیه به همه آموخت که در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر، چه باید کرد». (۳)

بزرگ فسلفه نهضت حسین این است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

حسین مظهر آزادگی و آزادی است

خوشا کسی که چنینش مرام و آیین است

نه ظلم کن به کسی، نی به زیر ظلم برو

که این مرام حسین است و منطق دین است

ببین که مقصد عالی نهضت او چیست

که درک آن سبب عزّوجاه و تمکین است

اگر چه داغ جوان تلخ کام کردش گفت

که مرگ در راه حفظ شرف چه شیرین است

زخاک مردم آزاده بوی خون آید

نشان شیعه و آثار پیروان این است

۴۱. هدایت گری و نجات بخشی

امامت، هدایت و راهبری انسان به راه درست و حقیقی و دعوت به رشد و سعادت و معنویت او است. یکی از محورها و برنامه های

۱- تبیان (عاشورا در کلام امام خمینی)، ص ۵۶.

۲- صحیفه نور، ج۲، ص ۲۱۸.

۳- صحیفه نور، ج۷، ص۵۸.

بنیادین امام حسین علیه السلام در طول حیات پربار خود به خصوص در برپاداشت قیام کربلا ارشاد و هدایت جنود شیطان و نجات آنان از ضلالت و جهالت بود. به همین جهت از هر فرصتی برای دعوت و آگاهی بخشی به آنان استفاده می کرد و آنان را به نیکی ها، فضایل اخلاقی، ایمان، معنویت و... دعوت می نمود.

آن حضرت ریشه ضلالت و انحراف مردم را در اطاعت و فرمانبری از حاکم فاسق و گمراه گر می دانست؛ به همین جهت بیشتر تبلیغات خود را متوجه یزید ساخته بود: «امامان و رهبران مردم، دو دسته اند: امام هدایت گر که به هدایت دعوت می کند و امام ضلالت گر که به ضلالت و گمراهی دعوت می نماید. هرکس، از اولی اطاعت کند، به بهشت راه می یابد و هر کس، دومی را اجابت نماید، داخل جهنم می شود». (۱)

امام حسین علیه السلام خطاب به سپاه خصم فرمود:

«انا ادعوکم الی کتاب الله و سنه نبیه فانّ السنّه قدامیتت و انّ البدعه قد اجیبت و ان تسمعوا قولی و تطیعوا امری اهدکم سبیل الرشاد(۲)»؛

«من شما را به پیروی از کتاب خدا و راه و روش پیامبر فرا می خوانم؛ زیرا هم اکنون سنت پیامبر از میان رفته و بدعت ها و

۱- موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۳۷.

۲- تاریخ طبری، ج۵، ص ۳۵۷؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۳۹؛ مثیر الاحزان، ص۲۷.

احکام ناروا زنـده شـده است. پس اگر به این پیام من گوش فرا دهیـد و آن را بپذیریـد، شـما را به راه سـعادت رهبری خواهم کرد».

در برابر همهمه و سر و صدای آنان که می خواستند ندای هدایت گرایانه امام به گوششان نخورد فرمود: «ویلکم ماعلیکم ان تنصتوا الیَّ فتسمعوا قولی و انّما ادعوکم الی سبیل الرشاد»؛(۱) «وای بر شما! چرا ساکت نمی شوید تا سخنانم را خوب بشنوید، من شما را به سوی رشد و سعادت دعوت می کنم».

در بخشی از «زیارت اربعین» درباره آن امام شهید می گوییم: «... و بَـذَلَ مُهْجَته فیک لِیستْنقِذَ عِبادَکَ مِن الجَهاله و حیره الضّلاله»(۲)؛ «... او خون قلبش را در راه تو داد تا بندگانت را از جهالت ها و سرگشتگی در وادی گمراهی ها برهاند».

اگر مردم به این دعوت پیامبرانه و معناگرایانه امام پاسخ مثبت می دادند؛ جامعه به اوج رشد و بالندگی معنوی و اخلاقی خود می رسید و موانع و مشکلات رشد و تکامل انسان برداشته می شد؛ امّا گروه باطل، نور خدا را خاموش کردند و مردم را از فیوضات و برکات فراوان او بی بهره ساختند!!

۱- بحارالانوار، ج۴۵، ص۸.

۲- تهذیب، ج۶، ص ۵۹ و ۱۱۳؛ بحارالانوار، ج۹۸، ص۲۰۹.

۱ ۵. اصلاح گری و تحوّل گرایی مثبت

یکی از اهـداف و برنـامه های بنیادین امام حسـین علیه السـلام، ایجاد اصـلاحات اساسـی در جامعه و دگرگون کردن رفتارها، پندارها و گفتارهای نادرست و انحرافی بود. اسـلام اموی، آموزه های وحیانی را تحریف کرده و برداشت ها و سلایق شخصی را جایگزین آن ساخته بود. سطوح مختلف جامعه، دچار خمودگی، نفاق، دنیازدگی، فساد و انحراف شده بود؛ به همین جهت اصـلاح جامعه در ابعاد مختلف آن، ضـروری می نمود و مهم ترین پیام و شـعار امام حسین علیه السلام نیز این بود که: «انی لم اخرج اشراً و لابطراً و لامفسداً و لاظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدّی ارید ان آمر بالمعروف و اُنهی عن المنکر و اسیر بسیره جدّی و ابی علی بن ابی طالب»؛(۱) «من از روی هوس، سرکشـی، تبه کاری و سـتمگری قیام نکردم؛ تنها به انگیزه اصـلاح در امت جـدّم برخاسـتم. می خواهم به نیکی ها فرمان دهم و از بـدی ها باز دارم و روش جدّ خود و پدرم علی بن ابی طالب را دنبال کنم».

براسـاس این روایت، اصـلاحات امام حسـین علیه السـلام مربوط به مردم و جامعه است (الاصـلاح فی امه جـدّی)، نه در دین و شریعت. در واقع این حاکمـان و مردم بودنـد که نیـاز به دگرگونی و تحول در رفتـار و گفتـار داشـتند و امـام می خواست این انقلاب درونی را شعله ور سازد.

۱- بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۲۹.

امام علیه السلام با این گفتار خود، هدف نهضت را دقیقاً مشخّص ساخت (نجات امت از گمراهی و فساد) و تهمت های دیگر (افسادگری، سلطنت طلبی و...) را از خود زدود.

اصلاح گری در مفهوم اسلامی آن عبارت است از: «زدودن پایه ها و نشانه های ستم و عبودیت غیر خدا و گسترش عدالت حقیقی، بر مبنای حقوق واقعی انسان، در پرتو وحی الهی و عقل بشری».(۱)

آن حضرت در بیان زیبایی فرمود: «اللهم انک تعلم انه لم یکن ماکان منّا تنافساً فی سلطان و لا التماساً من فضول الحطام لکن لنری المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک و یأمن المظلومون من عبادک و یعمل بفرائضک و سنّتک و احکامک...»(۲)؛ «بارالها! تو به یقین می دانی آنچه از ما سرزده است، برای سلطه طلبی و کسب قدرت و دست یازیدن به متاع دنیوی نبوده است؛ بلکه قیام ما برای ارائه نشانه های دین تو و پدید آوردن اصلاح در شهرهای تو بوده است و برای اینکه بندگان مظلوم و ستمدیده تو احساس امنیت و آرامش کنند و به فریضه ها و سنت ها و احکام تو عمل شود».

زمانی که بنی امیه، به پیروی از شیطان تن داده، اطاعت از خدای رحمان را رها نموده، و آشکارا فساد کرده و به حدود الهی عمل

۱- حکومت اسلامی، سال هفتم، ش۴، ص ۱۹۵.

۲- تحف العقول، ص ۲۳۷؛ بحارالانوار، ج۹۷، ص۷۹.

نمی کنند؛ آیا کسی جز امام حسین علیه السلام شایستگی و وظیفه اصلاح و تغییر را دارد؟(۱)آن هم اصلاح و دگرگونی های اساسی و بنیادین (انقلاب فکری و اخلاقی)؟! شهید مطهری بیان امام حسین علیه السلام در رابطه با اصلاح گری خود را چنین تصویر می کند: «من مثل خیلی [از] افراد نیستم که قیام و انقلابم به خاطر این باشد که خودم به نوایی رسیده باشم؛ برای اینکه مال (و ثروتی تصاحب کنم)؛ برای اینکه به ملکی رسیده باشم! این را مردم دنیا از امروز بدانند (این نامه را در مدینه نوشت)، قیام من، قیام مُصلِحانه است. من مصلح در امت جدّم هستم. قصدم امر به معروف و نهی از منکر است. قصدم این است سیره رسول خدا را زنده کنم؛ روش علی مرتضی را زنده کنم. سیره پیغمبر مرد[ه]، روش علی مرتضی مرد[ه]، می خواهم این سیره را و این روش را زنده کنم». (۲)

۱ .۶ احیای آموزه های دینی

یکی از علت ها و انگیزه های مهم نهضت عاشورا، حفظ دین اسلام، احیای آموزه های متعالی آن و بدعت ستیزی و تحریف زدایی از چهره غبار گرفته آن بود. زنده کردن آموزه ها و تعالیمی چون امر به معروف، نهی از منکر، ایثارگری در راه دین، پرهیز از منکرات و حرام

۱- ر. ک: وقعه الطف، ص ۱۷ (ابی مخنف).

۲- مجموعه آثار (شهید مطهری)، ج۱۷، ص ۱۸۸.

خواری، لزوم اطاعت از قرآن و عترت، آزادگی و جوانمردی، عمل به تکلیف، شهادت طلبی در راه خدا، دوری از دنیا گرایی و... وجهه همّت سالار شهیدان بود. در واقع عاشورای حسینی، برنامه ای احیاگرایانه نسبت به دین و جلوه های گوناگون آن بود، تا در سایه بذل خون و نثار جان، دین برپا شود و سیره پیامبر اسلام، سرمشق عملی مسلمانان گردد و عزّت دین خدا، به جامعه بازگردد. (۱)

در مطالعه سخنان امام حسین علیه السلام، تکیه فراوانی روی احیای دین، اجرای حدود الهی، احیای سنت، مبارزه با بدعت و فساد و دعوت به حکم خدا و قرآن دیده می شود. جامعه در آن عصر با حاکمیت گروه باطل و بحران تزلزل ارزش های انسانی مواجه بود. ارزش ها و هنجارهای اجتماعی جامعه اسلامی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، به دلایل متعددی دچار افت و انحراف گشته بود.

تحریف باورهای دینی و بازگشت به ارزش های جاهلی، فراموشی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، برتری روحیه قومی و عصبّیت بر هنجارهای دینی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (که نشأت گرفته از تعالیم مقدس اسلام بود)، تبدیل اشرافیت معنوی به اشرافیت مادی و ثروت اندوزی، گرایش به تجمّل و کم رنگ شدن روحیه عالی اسلامی (به ویژه در عصر عثمان و از آن پس)، برتری حربه ارعاب و تزویر بر عامل حق طلبی و ظلم

۱- ر.ک: پیام های عاشورا، ص ۲۷۳.

ستیزی در روحیه جامعه اسلامی (بالاخص مردم کوفه)، بی عدالتی و فساد رهبران سیاسی و برخی موارد دیگر، از جمله مسائل دردناک و آسیب های عمده اجتماعی بود که امام حسین علیه السلام با آنها مواجه شد.(۱)

چنان که گذشت، امام حسین علیه السلام در نامه ای خطاب به اهل بصره نوشت: «من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می خوانم. سنت مرده و بدعت زنده شده است (و ان السنه قد امیتت و ان البدعه قد احییت)... اگر سخنم را بشنوید و از فرمانم پیروی کنید، شما را به راه ارشاد (دین)، هدایت می کنم». (۲)

و می فرمود: «... من سزاوارترم که برای یاری دین خدا برخیزم و برای عزت بخشیدن به دین او و جهاد در راه او [تلاش کنم] تا آنکه کلمه الله برتر باشد». (۳)

آن حضرت علّت دعوت مردم کوفه را، احیای نشانه های حق (دین حق) و از بین بردن بدعت ها، بیان کرد: «ان اهل الکوفه کتبوا الی یسألوننی اَن اقدم علیهم لما ارجو من احیاء معالم الحق و اماته البدع»(۴)؛ «کوفیان به من نامه نوشته و از من خواسته اند که نزد آنان بروم؛ چرا که امیدوارم معالم و نشانه های حق زنده گردد و بدعت ها بمیرد».

۱- ر. ک: حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره، ۳، ص ۴۱۷.

۲- تاریخ طبری، ج۵، ص۳۵۷؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۳۹.

۳- تذکره الخواص ابن جوزی، ص ۲۷.

۴- ۲. اخبار الطوال، ص ۲۴۶.

مهم ترین دستور و خواست امام حسین علیه السلام از اصحاب و یاران باوفایش در روزی عاشورا، حمایت از دین الهی بود؛ چنان که فرمود: «اینک این درهای گشوده بهشت و نهرهای جاری و پیوسته آن و میوه ها و قصرهای بهشتی است و این هم پیامبر خدا و شهیدان که در رکاب او به خون غلتیدند. اینك پدر و مادرم نیز چشم به راه شمایند و مشتاق دیدارتان! پس از دین خدا حمایت کنید و از حرم رسول الهی، دفاع نمایید (... فحاموا عن دین الله و ذبّوا عن حرم رسول الله)».(۱)

این شعار جاودانهامام حسین علیه السلام است که در طول قرون و اعصار برتارک تاریخ می درخشد و فریاد بر می آورد: «لو کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیاسیوف خذینی»؛ «اگر دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم جز با قتل من احیا و زنده نمی شود؛ پس ای شمشیرها! مرا در برگیرید».

۷ ۱. تشکیل حکومت و اعمال ولایت سیاسی

یکی از پیام ها و عبرت های مهم «عاشورا»، این است که برای رفع ریشه های ظلم و ستم از جامعه، زدودن رذایل اخلاقی و کژتابی های فکری و رفتاری، نجات مستضعفان و مظلومان از چنگ مستکبران و مفسدان، از بین بردن طاغوتیان و جباران (گروه باطل) و ترویج آموزه های متعالی شریعت، «یک راه اساسی و تکلیف دینی وجود

۱- موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۴۴۵.

دارد» و آن «تأسیس نظام سیاسی دینی و به دست گرفتن حکومت به وسیله صالحان و شایستگان» است؛ یعنی، «حکومت دینی» مهم ترین وسیله و ابزار تحقق آرمان های والای شریعت و ارشاد و هدایت مردم و رفع کاستی ها و ناراستی ها است.

به همین جهت آن حضرت به دعوت کوفیان پاسخ مثبت داد و عازم آن دیار شد تا بتواند خلافت غصب شده را برگرداند و ولایت سیاسی خود را ظاهر کند.

هدف و انگیزه او از قیام خونین عاشورا، رسیدن به حکومت نبود؛ بلکه به دست گرفتن دولت، تنها وسیله ای برای رسیدن به دیگر اهداف والا و متعالی بود.

حضرت ابا عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم در برخورد با سپاه حرّ، به آنان فرمود: «ایها الناس! فانّکم ان تتقوالله و تعرفوا الحق لأهله؛ یکن ارضی لله عنکم و نحن اهل بیت محمد اولی بولایه هذا الامر علیکم من هؤلاء المدّعین مالیس لهم و السائرین فیکم بالجور و العدوان؛ فان ابیتم الا ـ الکراهه لنا و الجهل بحقنا و کان رأیکم ألان غیرما اتتنی به کتبکم و قدمت علیَّ به رسلکم، انصرفتُ عنکم»(۱)؛ «ای مردم! اگر تقوای الهی پیشه کنید و حق را برای اهل آن بشناسید؛ برای کسب خشنودی الهی بهتر است. ما خاندان پیامبر، سزاوارتر به ولایت بر شما از این مدعیان به ناحق و غاصبیم. همان ها که به ستم و تجاوز بر شما حکم می رانند و اگر اراده کرده

۱- ارشاد شیخ مفید، ج۲، ص۷۹؛ ؛ بحار الانوار، ج۴۴، ص ۳۷۷.

اید که از ما کراهت داشته باشید و حق ما را نادیده گیرید و اکنون نظر شما از آمدن به سوی شما جز آن چیزی است که در نامه هایتان نوشته اند و فرستادگان شما ابراز داشته اند، منصرف شده و باز می گردم».

حضرت حسین علیه السلام برای به دست آوردن حکومت، اقداماتی انجام داد؛ از جمله خودداری از بیعت با یزید، هجرت از مکه به مدینه، علنی کردن مخالفت و دعوت مردم به تبعیت از خود، اجابت دعوت کوفیان و حرکت به سوی کوفه. در آخرین مرحله نیز که با پیمان شکنی کوفیان و سخت گیری سپاهیان عبیدالله مواجه شد و بین مرگ عزیزانه یا تسلیم ذلیلانه مخیّر گشت، مرگ عزّتمند و شجاعانه را برگزید و تا آخرین قطره خون از کرامت ایمان خود دفاع کرد: (۱)

«الا انّ الدعی بن الدعی قد رَکَزَ بین اثنتین بین السله و الذّله هیهات منّا الذله یأبی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت و انوف حمیه و نفوس ابیه من ان نؤثر طاعه اللئام علی مصارع الکرام»(۲)؛

«آگاه باشید! این پسرخوانده، پسر پسرخوانده، مرا بر دو راهی شمشیر (مرگ) و ذلّت قرار داده است و هیهات که ما به زیر بار ذلت

۱- ر. ک: حکومت اسلامی، سال هفتم، شماره ۳، ص ۴۷۱.

۲- لهوف، ص۹۷؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص ۹؛ مثیر الاحزان، ص۵۴.

رویم؛ زیرا خداوند و پیامبرش و مؤمنان، از اینکه ما ذلت را بپذیریم، ابا دارند و دامن های پاک مادران و افراد با غیرت و اشخاص سرافراز روا نمی دارند که اطاعت افراد پست و لئیم (مانند امویان) را برقتلگاه نیک منشان مقدم بداریم».

با توجه به این پیام ها و برنامه ها، روشن می شود که قیام امام حسین علیه السلام، انقلابی جاودانه، تأثیر گذار و پیروز بود؛ هر چند آن حضرت همراه با عده کمی از نیکان روزگار، در برابر جبهه پر نیروی کفر و باطل قرار گرفت و به ظاهر نتوانست دشمن را شکست دهد و خود شربت شهادت نوشید؛ اما این درس و پیام را به همه جهانیان داد که: خون بر شمشیر، حق بر باطل، نور بر ظلمت، خیر بر شرّ، ایمان بر کفر و نفاق، صلاح بر فساد و حزب الله بر جنود شیطان پیروز و غالب است. امّا این شعارها و اهداف باید روزی به طور کامل تحقق یابد و راه ناتمام امام حسین علیه السلام به پایان برسد و این نیز تنها در سایه ها نهضت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقّق خواهد یافت.

دو. پیام ها و اهداف قیام مهدوی

اشاره

بامروری به بعضی از اهداف و برنامه های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در می یابیم که بیشتر آنها در تداوم و تکمیل نهضت حسینی علیه السلام است.

۱۲. حق گرایی و محو تمامی جلوه های باطل

یکی از محورهای مشترک قیام حسینی و مهدوی، مبارزه با باطل (جنود شیطان و ظلمت) و محو تمامی جلوه های و نمادهای باطل (کفر، شرک، نفاق، فساد، جنایت، خون ریزی، شرارت و...) است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این راستا نهضتی گسترده، قاطع و حق طلبانه را رهبری می کند و در مدتی کوتاه بر همه کفر و گمراهی چیره می شود و سپاهیان شیطان را نابود می کند.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «... الثانی عشرمنا یسهِّلُ الله له کل عسیر... و

یبیر به کل جبّار عنید و یهلک علی یده کل شیطان مرید»(۱)؛ «خداوند برای دوازدهمین [امام] از خاندان ما، هر دشواری را آسان می سازد... به دست او هر جبّار سرسختی نابود می شود و هر شیطان سرکشی هلاک می گردد».

امام هادی علیه السلام می فرماید: «یحق الله به الحق و یزهق الباطل و هو مهدیکم المنتظر»(۲)؛ «خداوند به دست او حق را استوار و پیروز و باطل را نابود می کند و او مهدی منتظر شما است».

امام باقر علیه السلام درباره آیه «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلاه...» فرمود: «این برای آل محمد و مهدی و اصحاب او است، خداوند متعال مشرق ها و مغرب های زمین را به تصرف آنها درآورده و دین را آشکار می سازد. خداوند به وسیله او و یارانش بدعت ها و باطل را از بین می برد؛ همچنان که سفیهان، حق را میرانده باشند (یمیت الله عزوجل به و باصحابه البدع و الباطل کما امات السفهه الحق)؛ تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود». (۳)

۱- کمال الدین، ج۲، ص ۳۶۹؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص ۱۵۰، ج۳.
۲- احتجاج طبرسی، ج۲، ص ۶۰؛ بحار الانوار، ج۳۷، ص ۲۰۹.
۳- تأویل الآیات الظاهره ؛ ص ۳۴۳؛ المحجه فی ما نزل فی القائم الحجه، ص ۲۵۴.

«یظهرالله الحق بهم و یخمد الباطل بأسیافهم...»(۱)؛ «خداوند حق را به دست آنان ظاهر می کند و باطل را با شمشیرهایشان نابود می سازد».

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: «... اذا قام القائم ذهبت دوله الباطل»؛ «هنگامی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می رود»(۲) و «... القائم منّا اهل البیت اذاقام غلبت دولتُهُ الباطل»(۳)؛ «قائم ما اهل بیت، هرگاه به پاخیزد، دولت او بر باطل غالب می شود».

این برنامه، همان ایده و آرمان حسینی است که به دست امام زمان علیه السلام به طور کامل محقّق خواهد شد و او از لحاظ ظاهری و معنوی پیروز و غالب خواهد بود. در تفسیر علی بن ابراهیم در رابطه با آیه «نصر من الله و فتح قریب» آمده است: «... یعنی فی الدنیا، فتح القائم»(۴)؛ «یعنی در دنیا با فتح و پیروزی حضرت قائم».

در نهایت در روایتی آمده است: «یذهب الشرّ و یبقی الخیر»(۵)؛ «[در عصر مهدی]، شرّ از جهان رخت بر می بندد و تنها خیر باقی می ماند».

۱- امالی طوسی، ص ۳۵۲؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۹۹.

۲- تفسیر قمی ج ۲، ص ۴۲۵؛ المحجه فی ما نزل. .، ص ۴۲۹.

۳- کافی، ج ۸، ص ۲۸۷، ص ۲۰۹.

۴- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۶.

۵- منتخب الاثر، ص ۴۷۲؛ الزام الناصب، ص ۲۲۸.

۲ ۲. عدالت گستری و برپاداشت قسط

قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نه تنها نهضتی برای گسترش عدل و داد و قسط است؛ بلکه او خود مظهر عدالت و دادگری است (هوالعدل المنتظر و هوالامام العادل). «عدالت» تنها با ظهور و وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، معنا و بروز پیدا می کند و این آرمان همیشگی و ماندگار تمامی پیامبران و یکتاپرستان و همه مردم، به دست حسینی او، محقق می شود. آری امام حسین علیه السلام برای برپاداشت «عدالت» قیام کرد و فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عدالت را در تمام ابعاد آن عدالت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی عملی خواهد ساخت.

این ندای جاودانه رسول رحمت است که فرمود: «المهدی... یملأ الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً»(۱)؛ «مهدی زمین را آکنده از عدل و قسط می کند؛ همان گونه که با جور و ستم پر شده باشد».

حضرت علی علیه السلام درباره سیره مهدوی می فرماید: «سیرته بالعدل و حکمه الحق»(۲)؛ «راه و روش او به عدالت و حکم و فرمان او حق است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «... یقوم القائم بالحق و العدل»؛ «قائم علیه السلام، به حق و عدالت قیام می کند» و نیز «... القائد العادل الحافظ لما استودع

۱- کافی، ج۱، ص ۳۳۸؛ الاحتجاج، ج۲، ص ۴۴۹.
۲- بحارالانوار، ج۴، ص ۲۲۳.

یملأها عدلاً و قسطاً کماملأها الفجار جوراً و ظلماً»(۱)؛ «او رهبری عادل، حافظ و امانت دار آنچه به او سپرده شده است. پس او زمین را پر از عدالت و قسط می کند، همچنان که فاجران آن را مالامال از ظلم و بیداد کرده اند»(۲).

از رسول گرامی اسلام نقل شده است: «فیملأ الارض قسطاً و عدلاً حتّی تمنّی الاحیاء الاموات تعیش فی ذلک...»(۳)؛ «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چنان عدالتی در جامعه بر پا می کند که زندگان آرزو می کنند کاش مردگانشان زنده بوده و از عدالت او بهره مند می شدند» و نیز، «قسّم بالسویه و عدل بالرعیه»؛ «مال را به طور مساوی تقسیم می کند و عدالت را در میان رعیت اجرا می کند».

۳ ۲. ظلم ستیزی و نابودی حکومت های فسق و جور

امام حسین به پاخاست، چون ظلم و فسادگری حکومت بی نهایت و رنج و اندوه مردم، افزون شده بود. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به پا خواهد خاست؛ چون ظلم، فساد، تباهی و فسق و فجور حکومت ها و گروه های تأثیرگذار جامعه، از حد و نهایت خود گذشته و بشر در گردابی از بیدادگری ها، تبعیض ها، انحرافات و... غرق می شود. نجات

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۲۴۴.

۲- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۲۶۹.

۳- اثبات الهداه، ج ۳۰، ص ۶۳۹.

بشـر، در گرو رفع موانع و بن بست هـا است و این با نابودی اشـکال مختلف فسق و فجور جور و امکان پـذیر است. امیرمؤمنان می فرمایـد: «... لیعزلنّ عنکم امراء الجور و لیطهرّن الارض من کل غاش...»(۱)؛ «به طور حتم او [مهدی] فرمان روایان ظالم و جائر را برکنار می کند و زمین را از گمراه کنندگان و خدعه کاران پاک می گرداند».

رسـول خـدا صـلی الله علیـه و آلـه و سـلم فرمـود: «فیظهر علی کـل جبّـار و ابـن جبّـار و یظهر مـن العـدل مـا یتمنّی لـه الاحیـاء امواتهم...»(۲)؛ «بر هر سـتمگر و فرزنـد سـتمگری چیره می شـود و عـدالتی را گسترش می دهـد کـه زنـدگان آرزو می کنند مردگان زنده شوند و این عدالت را ببینند...».

همچنین آمـده است: «اذا قام حکم بالعـدل و ارتفع فی أیامه الجور و اَمِنَت به السبل...»(۳)؛ «چون قیام کنـد، به عدالت داوری می کند و در زمان او جور و ستم ریشه کن می شود و راه ها امن می گردد» و نیز: «یطهر الله به الارض من کل جور و یقدّسها من کل ظلم»(۴)؛ «خداوند به وسیله مهدی، زمین را از هر جور و تجاوزی پاک و از هر ستمی خالی می کند».

و در روایتی از قول خداوند متعال نقل شده است: «لیطهّر الأرض

۱- بحارالانوار، ج۵۱، ص ۱۲۰.

۲- العرف الوردی، ج۲، ص ۶۱؛ البرهان، ص ۱۱۷.

۳- ارشاد مفید، ج۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمه، ج۲، ص ۴۶۵.

۴- کمال الدین، ج۲، ص ۳۷۱؛ کشف الغمه، ج۲، ص ۵۲۴.

من اعدائی و اورثها اولیائی»(۱)؛ «زمین را از دشمنان من پاک و میراث دوستانم می کند».

۴ ۲. هدایت گری و ارشاد بشر

یکی از وجوه ممتاز و برتر عصر ظهور هدایت و ارشاد کامل بشر به سوی راه درست و مستقیم الهی (توحید و اسلام و ایمان) است؛ همان گونه که امام حسین علیه السلام نیز درصدد تحقق آن بود (اهدیکم الی سبیل الرشاد). امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از شیوه ها و راه های مختلف به هدایت و راهنمایی بشر می پردازد و ضمن ارائه راه نور و ایمان، بر بصیرت، عقلانیت و معنویت انسان می افزاید. هدایت گری امام علیه السلام، ادامه راه پیامبران الهی و امامان معصوم و شامل تمامی انسان های روی زمین چه نیک و چه بد است.

در واقع نجات و سعادت بشر و رهنمونی او به قله کمال و تعالی (عبودیت و یکتاپرستی)، به دست او محقق خواهد شد. در روایتی آمده است: «یشیر بالتقی و یعمل بالهدی...»(۲)؛ «[مهدی] باتقوا گام می سپارد و براساس هدایت رفتار می کند...».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «یقیم الناس علی ملّتی و شریعتی و

۱- امالی صدوق، ص ۶۳۲، ج۴؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص ۶۶۵۲۴.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۶۹، ح ۱۵۸.

یدعوهم الی کتاب ربّی»(۱)؛ «مردم را به دین و آیین من وادار می کند و به قرآن دعوتشان می نماید».

در روایتی آمده است: «یملأ الارض عدلاً و قسطاً و نوراً و برهاناً یدین له عرض البلاد و طولها لایبقی کافر الاآمن و لاطالح الاصلح»(۲)؛ «[مهدی]، زمین را از عدل و داد و برهان و دانش و نور (هدایت) آکنده می سازد تا آنجا که سراسر گیتی به وی ایمان آورده و کافران مسلمان می شوند و فاسقان صالح می گردند».

«یدعو الناس الی کتاب الله و سنّه نبیه و الولایه لعلی بن ابی طالب...»(۳)؛ «او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی بن ابی طالب دعوت می کند».

«هنگامی که [قائم] خروج می کند، اسلام را بر یهود، مسیحیان، صابئین، بی دینان، مرتدان و کافران در شرق و غرب زمین عرضه می دارد. پس اگر کسی با علاقه اسلام آورد، او را به نماز و زکات و آنچه در اسلام هست و خداوند آن را واجب کرده، امر می کند... اما اگر مسلمان نشد، گردن او را می زند تا اینکه در دنیا کسی نباشد که خدا را به وحدانیت نشناسد». (۴)

۱- کمال الدین، ج۲، ص ۴۱۱، ج۶؛ اثبات الهداه، ج۷، ص۵۲.
۲- احتجاج طبرسی، ج۲، ص ۲۹۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۸۱، ح۶.
۳- تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۵۷، ح۴۹، بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۴۲.
۴- تفسیر عیاشی، ج۱، ص ۱۸۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۴۰، ج۹۰.

حضـرت علی علیه السـلام نیز فرموده است: «یعطف الهوی علی الهدی اذا عطفوا الهدی علی الهوی و یعطف الرای علی القرآن اذاعطفوا القرآن علی الرأی...»(۱)؛ «او خواسـته ها را تابع هـدایت وحی می کند؛ هنگامی که مردم، هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند و در حالی که به نام تفسـیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد».

چه خوب بود که از تو زمانه پر می شد

و جای خالی تو، شادمانه پر می شد

شمیم زلف تو، در هر کرانه می پیچید

فضای تنگِ دل از بیکرانه پر می شد

نشان کلبه ما را کسی نمی دانست

و از شمیم حضور تو خانه پر می شد

تو چون نسیم از اینجا عبور می کردی

نهال خاطره ها از جوانه پر می شد

ملال کنج قفس را ز یاد می بردیم

زعطر سنبل و گل، آشیانه پر می شد

۲ ۵. اصلاح گری و تربیت انسان ها

همـان گـونه که عـدالت مهـدوی، دارای ابعـاد و زوایـای مختلفی است (عـدالت سیاسـی، عـدالت تـوزیعی، عـدالت قضـایی و دادگری، عدالت اخلاقی و...)؛ اصلاح گری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دارای ابعاد وجوه گوناگونی است و در واقع در برگیرنده اصلاح گری های حسینی است.

اصـلاح جـامعه مفسـد، اصـلاح اخلاق و رفتارهای ناپسـند، اصـلاح قوانین و مقررات ناسالم، اصـلاح برداشت های نادرست از دین، اصلاح

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

سیستم و ساختار معیوب سیاسی اجتماعی، اصلاح رابطه های مردم (با خدا، با خود، با دیگران و باطبیعت) و... از جمله برنامه ها و اقدامات سازنده و مصلحانه امام عصر علیه السلام است.

تا زمانی که اصلاحات بنیادین در جامعه صورت نگیرد و در مردم انقلاب اخلاقی و رفتاری و دگرگونی های فکری و روحی اتفاق نیفتد؛ هیچ ناهنجاری و فسادی از بین نخواهد رفت و هیچ موعظه و ارشادی فایده بخش نخواهد بود. به همین جهت امام زمان علیه السلام ابتدا به رشد فکری و اخلاقی و تربیت نفوس می پردازد و جامعه و روان های مرده را زنده می کند؛ آن گاه است که این جامعه زنده و تربیت شده، خود به سمت نیکی ها، فضایل، عدالت، تقوا و... حرکت می کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم»(۱)؛ «هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان را می گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاقشان را به کمال می رساند».

در روایتی آمده است: «... یصلح امه بعد فسادها»(۲)؛ «این امت را پس از آنکه تباه و فاسد شده اند، اصلاح می کند».

۱- الخرائج و الجرائح، ج۲، ص ۸۴۱؛ بحارالانوار، ح۵۲، ص ۳۳۶.

۲- کشف الغمه، ج۲، ص ۴۷۳.

در تفسیر آیه «ان الله یحیی الارض بعد موتها» آمده است: «... یعنی یصلح الارض بقائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم «بعد موتها» یعنی من بعد جور اهل هلکتها (مملکتها)...»(۱)؛ «یعنی زمین را به قائم آل محمد اصلاح می فرماید «پس از مردن آن»؛ یعنی، پس از جور و ستم اهل مملکت آن...».

در کتاب های روایی اهل سنت نیز آمده است: «یصلح الله تعالی به کل ما افسد قبله»(۲)؛ «خداوند [به وسیله مهدی]، تمامی چیزهایی که پیش تر فاسد شده اند، اصلاح می کند».

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «یحیی الارض بعد موتها» فرمود: «یحیی الله عزوجل بالقائم علیه السلام [الارض] «بعد موتها» بکفر اهلها...»(۳)؛ «خداوند زمین را به دست قائم زنده و احیا می کند، بعد از آنکه با کفر ساکنانش مرده باشد».

در روایت زیبایی نیز آمده است: «و اعملوا انکم ان اتبعتم طالع المشرق سلک بکم منهاج الرسول صلی الله علیه و آله و سلم فتداویتم من العمی و الصم و البکم...»(۴)؛ «... بدانید اگر شما از منجی شرقی پیروی کنید؛ او شما را به راه و روش پیامبر راهنمایی می کند و از کوری و کری و گنگی

۱- کتاب الغیبه، ص ۱۱۰؛ المحجه فی مانزل. .، ص ۳۷۷.

۲- البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۳۲.

۳- کمال الدین، ج۲، ص ۶۶۸؛ تأویل الآیات الظاهره، ص ۶۳۸.

۴- کافی، ج۸، ص۶۶، ج۲۲؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص ۱۲۳، ج۲۴.

نجات می دهد».

۲ .۶ احیاگری و زنده کردن آموزه های الهی و دینی

در طول سال ها و قرن هایی که از طلوع پر فروغ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم می گذرد، همواره شاهد هجوم بدعت ها، شبهات، انحرافات، برداشت های شخصی، تفسیرهای ناروا، بی توجهی ها و غفلت ها نسبت به آموزه های متعالی و ماندگار آن بوده ایم. در طی این مدت، احیاگران و مصلحان الهی کوشیده اند تا سیمای واقعی اسلام را به مردم نشان دهند و گرد و غبار بدعت ها و انحرفات را از آن بزدایند؛ مهم ترین حرکت احیاگرایانه و اصلاح طلبانه، حماسه خونین عاشورا است که تأثیرات شگرفی برجامعه اسلامی گذاشت و تداوم آن نیز در قیام جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جلوه گر خواهد شد.

بر این اساس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بزرگ ترین احیاگر آموزه های دینی و مبلغ تعالیم راستین دین الهی خواهد بود. این احیاگری به حدی خواهد بود که بسیاری از گفتارها و برنامه های آن حضرت، نو و جدید به نظر خواهد آمد.

در روایتی آمده است: «اذ اقام القائم علیه السلام جاء بامر جدید کما دعا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، فی بدو الاسلام الی امر جدید»(۱)؛ «هنگامی که قائم قیام

۱- ارشاد مفید، ج۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمه، ج۲، ص ۴۶۵.

می کند امری جدید می آورد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد».

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره آن حضرت می فرماید: «فیریکم کیف عدل السیره و یحیی مَیتَ الکتاب وَ السُنّه»(۱)؛ «روش عادلانه در حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر را زنده می کند».

«لوقد قام قائمنا... استأنف بکم تعلیم القرآن و شرایع الدین و الاحکام و الفرائض کما انزله الله علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم...»(۲)؛ «وقتی قائم ما قیام کند و سخنگوی ما سخن بگوید، قرآن و احکام دین را، همان گونه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، از نو به شما می آموزد» و نیز: «یصنع کما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم امر الجاهلیه و یستأنف الإسلام جدیداً»(۳)؛ «[مهدی] بر طبق شیوه رسول خدا رفتار می کند و آنچه از نشانه های گذشته باشد، از میان می برد؛ همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشانه های جاهلیت را از بین برد. پس از ریشه کن ساختن بدعت ها، اسلام را از نو پیاده و اجرا می کند».

«لایترک بدعه الا ازالها و لاسنه الا اقامها»(۴)؛ «هیچ بدعتی نیست،

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
۲- اثبات الهداه، ج۳، ص ۵۶۰، ح۶۲۸؛ بحارالانوار، ج۲، ص۲۴۷، ج۵۲.
۳- الغیبه نعمانی، ص ۲۳۰، ج۱۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۵۲، ج۱۰۸.
۴- وسائل الشیعه ج۲۵؛ ص ۴۳۶؛ ارشاد مفید، ج۲، ص ۳۸۵.

مگر آنکه مهدی آن را [از پیکر اسلام] خواهد زدود و سنّتی نیست، جز اینکه آن را بر پا خواهد داشت».

گر بیایی عالمی را واله و شیدا کنی

گربیایی عقده های سرد دل را وا کنی

گر بیایی آتشی در خرمن غم ها زنی

مکتب دیرین عشق و صلح را احیا کنی

گر بیایی، آفتاب مهر ما، طالع شود

ارمغان سبز عدل و داد را اعطا کنی

گر بیایی کو مه ظلم و ستم ویران شود

قلب درد آلود هستی را طرب افزا کنی

گر بیایی گنج حق را با تو پیدا می کنیم

گوهر صلح و صفا را زینت دنیا کنی

گر بیایی رنگ ظلمت از جهان زایل شود

سربه سر دشت و دمن را مهبط خضرا کنی

گر بیایی جویبار لطف حق جاری شود

آیه های سبز قرآن را زنو معنا کنی

۲ ۷. تشکیل حکومت دینی

تشکیل حکومت جهانی اسلام و توجّه ویژه به بعد سیاسی اسلام، از محورهای مهم قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

حکومت و دولت آن حضرت، فراگیر و جهانی خواهد بود و قدرت و سلطه او، از شرق تا غرب دنیا را فرا خواهد گرفت. دولت و نظام سیاسی مهدوی، بهترین، کامل ترین، مردمی ترین و تأثیر گذارترین دولت ها، پس از نابودی و پایان اجل تمامی

دولت های عـالم خواهـد بود. در این حکومت جهانی، اصـحاب و یاران نزدیک و مؤمن حضـرت، به عنوان حاکمان و والیان کشورها و بلاد مختلف برگزیـده و منصوب خواهنـد شـد. این حکومت، مهم ترین ابزار و وسـیله عدالت گستری، ظلم ستیزی، حق طلبی و تأمین توسعه و پیشرفت جوامع خواهد بود.

در روایتی آمده است: «یبلغ سلطانه المشرق و المغرب»(۱)؛ «سلطه و برتری او شرق و غرب [جهان] را در برمی گیرد» و نیز: «دولتنا فی آخر الدهر تظهر»(۲)؛ «دولت ما، در آخر الزمان ظاهر می شود».

«ان دولتنا آخر الدول ولم یبق اهل بیت لهم دوله الا ملکوا قبلنا لئلا یقولوا اذا رأواسیرتنا اذا ملکنا سرنا مثل سیره هؤلاء...»(۳)؛ «دولت ما (دولت مهدی)، آخرین دولت ها است؛ هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای آن مقدّر باشد، جز اینکه پیش از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حکومت می رسد تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم، به کسی نگویند: اگر ما نیز به قدرت می رسیدیم، این چنین رفتار می کردیم».

«... المهدی و اصحابه یملکهم الله مشارق الارض و مغاربها»؛ «خداوند مهدی و اصحابش را حاکمان شرق و غرب زمین قرار می دهد» و نیز: «اذا قام القائم، ذهبت دوله الباطل»(۴)؛ «زمانی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می رود».

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است: «لولم یبق من الدنیا الایوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یملک رجل من اهل بیتی...»(۵)؛ «اگر از دنیا

۱- کمال الدین، ج۱، ص ۲۸۰ و ت ۳۳۰؛ بحارالانوار، ج۵۱؛ ص ۷۱، ج۱۲.

۲- امالی صدوق، ص ۶۸۹، ج۳؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص ۱۴۳، ج۳.

۳- کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۶۷۳، ارشاد مفید، ج۲، ص ۳۸۴.

۴- کافی، ج۸، ص ۲۷۸.

۵- دلائل الامامه، ص ۲۵۰؛ کشف الغمه، ج۲، ص ۴۷۳.

جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می کند که مردی از اهل بیت من، فرمانروای [جهان] می شود».

امیرمؤمنان می فرماید: «یظهر صاحب الرایه المحمدیه و الدوله الاحمدیه...»(۱)؛ «صاحب رایت محمدی و بنیان گذار دولت احمدی ظهور می کند».

پس از استقرار و تثبیت دولت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حاکمان و والیان جهان را با دستورات مهمی به سراسر جهان اعزام می کند و به آنان دستور عدالت و احسان می دهد: «یفرّق المهدی اصحابه فی جمیع البلدان و یأمرهم بالعدل و الاحسان و یجعلهم حکاماً فی الاقالیم و یأمرهم بعمران المُدُن». (۲)

با توجه به این تحلیل سیاسی دینی، روشن می شود که هر دو قیام وجوه و ابعاد مشترک فراوانی دارند و در واقع هر دو دارای اهداف، برنامه ها و خواست های همسانی هستند که بعضی از آنها در قیام عاشورا محقّق شد؛ ولی همه آنها به طور کامل در عصر ظهور و در پرتو نهضت جهانی مهدوی تحقق خواهد یافت.

حق خواهی و باطل ستیزی، عدالت خواهی و برپاداشت قسط، نابودی حکومت های فسق و جور و ستم، هدایت گری و نجات بخشی،

۱- منتخب الاثر، ص ۲۱۰.

۲- یوم الخلاص، ج۲، ص ۶۵.

اصلاح گری و تحول گرایی مثبت، احیای آموزه های متعالی دین و در نهایت تشکیل حکومت و تحقق ولایت سیاسی امامان، بعضی از این وجوه مشترک است.

قیام امام حسین علیه السلام، نقش ویژه و تأثیرگذاری در ارائه این اهداف و برنامه ها به صورت پیام ها و عبرت های جاودانه و جهانی داشته و تحقّق کامل آنها نیز به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

جاودانگی حق

در پایان این تحلیل، نقش و تأثیرگذاری قیام اعبدالله علیه السلام را با توجه به آیه ای از قرآن بیان می کنیم.

قرآن کریم، حق و باطل را مانند آب جاری و کف آن می داند که کف ها (باطل) از بین خواهد رفت و آبی که برای مردم پر فایده است (حق) باقی می ماند: «کذلک یضربُ الله الحقّ و الباطل فاما الزَبَدُفیذهَبُ جُفاءً و امّا ما ینفع الناس فیمکثُ فی الارض...»؛(۱) «خداوند برای حق و باطل چنین مثل می زند؛ اما کف به کناری افتد و نابود شود و آنچه برای مردم سودمند است (حق) در زمین پایدار بماند...».

بر اساس این آیه، کف های بلند آرزو و میان تهی، کنار می روند و آبی که برای مردم مفید و سودمند است، در زمین می ماند؛ یعنی،

۱- ۱. رعد (۱۳)، آیه ۱۷.

حق همیشه مفید و سودمند است، همچون آب زلال که مایه حیات است. باطل بی فایده و بیهوده است؛ ولی حق همیشه باید بجوشد و بخروشد تا باطل را از خود دور سازد. نه کف های روی آب هرگز کسی را سیراب می کنند و درختی را می رویانند و نه کف هایی که در کوره های ذوب فلزات ظاهر می شوند(۱). می توان از آنها زینتی و یا وسیله ای برای زندگی ساخت. اگر هم مصرفی داشته باشند، مصارف بسیار پست و بی ارزشند که به حساب نمی آیند (همانند مصرف کردن خاشاک برای سوزاندن).

باطل همواره مستکبر، بالا نشین، پر سروصدا، پر غوغا؛ ولی توخالی و بی محتوا است. اما حق متواضع، اهل عمل، پر محتوا و سنگین وزن است. حق همیشه متکی به نفس است و بهره و سود فراوانی برای همگان دارد (مانند آب و فلزات خالص). به همین ترتیب انسان ها، گروه ها، مکتب ها و برنامه ها به همان اندازه که مفید و سودمندند، حق بقا و حیات دارند. مَثَلِ انسان مؤمن و حق جو و عقاید خالصش، مانند آبی است که حیات حیوانات و گیاهان و جوامع به آن بستگی دارد و مانند طلا و نقره و... است که در زندگی این جهان مورد استفاده مردم هستند؛ اما مثال انسان کافر و باطل گرا و ستیزه جو، مانند کفی است که دیر یا زود، حباب های آن

۱- ۱. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۶۵و۱۶۶ ر. ک: مجمع البیان، ج۱۳، ص۴۷.

می ترکد و از برابر چهره آب و دیگر مواد خالص، محو می شود و بدین ترتیب آنچه هویدا می گردد و دوام می پذیرد، آب، طلا، نقره و... است. کفر نیز مانند مواد چرکین و سیه فامی است که بر روی فلزات ذوب شده ظاهر می گردد و ایمان نیز همچون فلز ذوب شده خالص و پر فایده است.

زندگی و قیام اباعبدالله نیز دارای برکات و آثار فراوانی است و حیات و بالندگی جهان اسلام به خصوص شیعه مدیون خون پاک آن بزرگوار است....بر این اساس حضرت حسین علیه السلام در پی پیروزی آنی نبوده است و به خوبی به عدم دستیابی به پیروزی آنی آگاه بوده است... وضع جامعه اسلامی در آن روزگار، دست یازیدن به یک عمل حماسی و شهادت طلبانه را می طلبید که روح انقلابی در آن جامعه را شعله ور سازد و در بردارنده والاترین مراتب فداکاری و از خودگذشتگی در راه اصیلی باشد که راهنما و چراغ راه تمام انقلابیون گردد؛ حتی آن گاه که دشواری راه برای آنها جلوه می نماید و احتمال پیروزی به نظر آنها کاملا مردود می نماید و نشانه های شکست نمایان می شود، از هدف دست برندارند. جامعه اسلامی در روزگار امام حسین علیه السلام بیمار بود و به اندک مالی و سخت گیری، زیادی شکنجه و ترس، خرید و فروش می شود. امکان ندارد که انسانیت و کرامت این چنین جامعه، به آن بازگردد و از بیهودگی

و حقـارت وجودی اش آگاه شود. چنین جامعه ای را تنها یک عمل انقلابی با والاترین نشانه های فـداکاری کرامت و دفاع از اصول و مرگ در راه آن، می توانـد روح انقلاب و خفته آن را بیدار کند... . تنها کاری که حضـرت می توانست انجام دهد، این بود که با عملش، اعماق این چنین جامعه ای را بلرزانـد و الگویی برتر ارائه نمایـد که در وجدان افراد آن، به خون و آتش سرشته شده است. بعضی از دستاوردهای این قیام را می توان در حوزه های زیر جست و جو کرد:

فاجعه کربلا در وجدان اسـلامی مردم آن روزگار نفوذ کرد و جامعه اسـلامی به طور کلی و جدی تحت تاثیر آن قرار گرفت. این امر باعث شد تا در روح انقلابی خفته، حرارت تازه ای بدهد و در وجدان افسرده آنان جنبشی بیفکند که آن را زنده سازد و روحی در جان و روان بدمد تا آن را به دفاع از کرامت انسانی اش وادارد.

۱. در همه شکسـتن چهارچوب دینی دروغین که امویان و دار و دسـته های شان به وسـیله آن قـدرت شان را اداره می کردند؛ همچنین رسوایی روح بی دینی جاهلی که حکومت بنی امیه را جهت می داد.

۲. برانگیختن احساس گناه در جان و روان تک تک افراد؛ احساسی که به نقد فرد از خویشتن خویش تبدیل می شود و موضع او در برابر زندگی و جامعه بر آن مبتنی است.

۳. آفرینش فضیلت های تازه ای برای شخص و گشودن چشمان

این انسان بر جهان روشن و با شکوه(۱)،

۴. ایجاد روح انقلابی در انسان مسلمان، به خاطر پایه ریزی جامعه بر قوانین و قواعد تازه، و بازگشت اعتبار انسانی به آن.

۱- ۱. ر. ک: محمد مهدی شمس الدین، زمینه های اجتماعی و رهاوردهای انسانی قیام امام حسین علیه السلام، ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

ص: ۱۳۷

فصل۴: عرفان و حماسه

اشاره

(تجلیّات حق و حق باوری در عاشورا و عصر ظهور)

جلوه های عرفان و حماسه

«نهضت عاشورا» محل ظهور و بروز حماسه و عرفان، سیاست و اخلاق، دین و حکمت، عقل و عشق و تجلی گاه تمامی فضیلت ها و نیکی ها در برابر شرارت ها و رذیلت ها است؛ چنان که عصر ظهور نیز جلوه گاه خوبی ها، زیبایی ها و فضیلت ها خواهد بود. حضرت حسین علیه السلام، مظهر و حقیقت عزت، غیرت، آزاد مردی، شجاعت، ظلم ستیزی، اقتدار، مقاومت، استواری، ایثارگری، شهادت و... بود و همه اینها را در کربلا به خوبی آشکار ساخت. این جلوه ها و مظاهر، نشانگر همراهی و حمایت امام علیه السلام از حق و حق خواهی و مبارزه و جهاد علیه باطل و طغیان گری است. این حقایق و تجلّیات، بیانگر این است که قیام کربلاـ دارای ابعاد و وجوه مختلفی است و در تحلیل همه جانبه و کامل آن، باید به همه این زوایا و مظاهر توجه کرد. پس همان طور که مباحث گوناگون سیاسی، تاریخی، فلسفی و... درباره این نهضت مطرح است، مفاهیم والای عرفانی، اخلاقی و

باطنی نیز درباره آن قابل طرح است. حماسه عاشورا، دارای اسرار و باطن هایی است که حقیقت همه آنها به یک چیز بر می گردد و آن عبارت است: «از قیام انسان کامل علیه تمامی بدی ها، شرارت ها و باطل ها و تلاش و کوشش برای زدودن موانع و چالش هایی که در مقابل کمال خواهی و تعالی انسان ها قرار دارد».

به عبارت روشن تر، هر چه که در کربلاـ و از ناحیه جبهه حق مشاهده شد، زیبا و خدایی بود (ما رایت الا جمیلا). همه آنها گوشه ای از جلوات و مظاهر رحمت و غضب، عطوفت و قهاریت، شفقت و شدّت و رحمانیت و جباریت الهی است. «رحمت و شفقت» به بندگان صالح و گرفتاران در دام ظلم و ستم و فساد و «شدت و غضب» علیه جنود شیطان و سردمداران کفر و شرّ و باطل. پس در تحلیل و بررسی واقعه عاشورا به خصوص نقش آن در مصاف نهایی حق و باطل به همه این ابعاد و وجوه باید توجه کرد.

به نوشته یکی از پژوهشگران:

«... تکیه روی جنبه سیاسی کربلا، نباید توجه ما را به این رخداد، به عنوان یک پدیده کاملاً برتر، یک امر جاودانه، یک امر تقدیر شده و تعریف شده از سوی باری تعالی، کم رنگ کند. کربلا یک نهضت زمینی صرف نیست؛ بخشی از وحی مجسّم شده و قرآن عینیت یافته است. همان طور که نظریه امامت در شیعه، صرفاً

مشتمل بر جنبه سیاسی نیست، قیام عاشورا نیز تنها یک حرکت سیاسی نیست».(۱)

قیام عاشورا هم مظهر اتم و اکمل عرفان و اخلاق است و هم جلوه گاه کم نظیر حماسه و پایمردی و سیاست. این دو چنان در هم عجین شده اند که جنگ و عبادت در کنار هم قرار گرفته و «جهاد اصغر» و «جهاد اکبر»، به طور کامل بروز یافته است.

کربلای حسینی، جلوه گاه مکارم اخلاق و ارزش های معنوی است که بیش از هر چیز دیگر، جلوه غلبه نفس انسان ها بر پلیدی ها و پستی ها است؛ یعنی، غلبه نفس انسانی بر دشمن درونی و خواهش های نفسانی و شکست ناپذیری در مقابل وسوسه های شیطانی.

می دانیم مظاهر مادی و دلبستگی دنیوی، هواهای نفسانی، خوف و طمع های بشری و کرامت انسانی، بر سر راه عزّت، مانع ایجاد می کنند. اگر کسی در این میدان (جهاد اکبر) پیروز شد و مقهور عوامل مادّی نگردید، در عرصه جهاد اصغر، هرگز مغلوب دشمنان نمی شود؛ زیرا عزت نفس اینها، بر تمام پستی ها چیره گشته است. حضرت آیت الله خامنه ای می فرماید:

«بعد دیگر نهضت حسین بن علی علیه السلام تجسّم معنویت و

۱- تأملی در نهضت عاشورا، ص ۲۵۳.

اخلاق است... در این نهضت، یک عرصه دیگری هم برای مبارزه وجود دارد و آن نفس انسان ها چون درون و باطن انسان ها است، آنجایی که ضعف ها و طمع های بشری، حقارت ها، شهوت ها و هوا های نفسانی در وجود انسان، او را از بر داشتن گام های بلند باز می دارد؛ آنجا هم یک صحنه جنگ است، آن هم جنگی بسیار دشوارتر». (۱)

سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام، همانند قرآن کریم در چهره های گوناگونی برای مردم جهان درخشید: برای عارفان در چهره «دعای عرفه»، برای زمامداران حامی قسط و عدل و حامی مستضعفان و محرومان، در سیمای «نهضت و قیام علیه طغیان گری امویان»، برای پرهیزگاران و زاهدان در چهره «تارک دنیا» و برای دیگران در چهره های دیگر و... .

او کسی است که توانست مضمون بلند دعای عرفه را که اوج عرفان در آن موج می زند در کنار حادثه خونبار کربلا جمع کند؛ حادثه ای که سرشار از پایمردی، حماسه، ایثار و... است. پس دو نوع جلوه گری و یا دو چهره را می توانیم، در نهضت و شخصیت اباعبدالله ببینیم:

---

۱ – ۱. مجموعه مقالات همایش امام حسین، ج ۱۳ (عزّت حسینی)، ص ۲۰۲ (به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ فروردین ۸۱).

۱. چهره ای که به هیچ وجه حاضر به تسلیم، خضوع و رضا در برابر هیچ ظالم و باطلی نیست و با آنکه تمام قدرت های آن روز، بر ضد کاروان او بسیج شده بودند و با آنکه می دانست سفر به عراق، به شهادت او و اصحابش منتهی می شود و بعد از شهادت او، خاندان گرامی اش به اسارت می روند و... در عین حال آن خطبه های حماسی بین راه کربلا را خواند و در آن خطبه ها، همراه اظهار تبرّی از بیگانگان (سردمداران نفاق و فساد و ستم)، فرمان قیام و دستور مبارزه را صادر کرد و فرمود: من قیام کرده ام تا راه جدّ و پدرم را بپیمایم. گر چه در مدت نزدیک به یک ربع قرن زمامداری اموی و مروانی، مردم را به سیره دیگر انس و عادت داده بودند؛ اما من فقط به سیره جد و پدرم عمل می کنم.(۱) براین اساس نه تنها خود او؛ بلکه هیچ یک از اصحاب و اهل بیت او نیز حاضر نشدند حکومت جائرانه امویان را تأیید کنند.

۲. چهره ای دیگر که گویا جز انعطاف و مناجات چیزی ندارد و دعای عرفه را انشا می کند. این اوج عرفان او است که به برادرش ابوالفضل فرمود: شب عاشورا را مهلت بگیر، خدا می داند که من نماز، مناجات، تلاوت قرآن، دعای فراوان و استغفار را دوست دارم (فهو

۱- ر. ک: بحار الانوار، ج۶۴، ص ۳۲۹.

یعلم انی کنت قد احبّ الصلاه له و تلاوه کتابه و کثره الدعاء و الاستغفار)(۱). نه تنها سالار شهیدان؛ بلکه همه یاران با وفای او نیز چنین بودند: «لهم دویً کدوی النحل»(۲)؛ آن گروه مثل زنبورهای عسل، زمزمه عبادت و نیایش داشتند. (۳)

ظهور حق و باطل در کربلا

بعـد دیگر حمـاسه عاشورا، مربوط به تجلیات و رونمایی دو جبهه حق و باطل است. امام حسـین علیه السـلام با حماسه و عرفان خود، صـحنه ای زیبـا از حق خواهی، خـداگرایی و انسـانیت را نشـان داد؛ اما سپاهیان خصم با جنایت و کوردلی خود، تصویر بسیار کریهی از باطل گرایی، ابلیس محوری، شرارت و ظلمت ارائه دادند و تومار حیات خود را لکّه دارتر ساختند.

از نظر شـهید مطهری رحمه الله حـادثه عـاشورا و تـاریخچه کربلاـ دو صـفحه دارد: یک صـفحه سـفید و نورانی و یک صـفحه تاریک و ظلمانی که هر دو صفحه اش بی نظیر است و یا کم نظیر... قهرمان [صفحه سفید و نورانی]، حسین علیه السلام است. در آن صفحه... حماسه است، افتخار و نورانیت است؛ تجلّی حقیقت و انسانیت است؛ تجلّی حق پرستی است.

۱- بحار الانوار، ج۶۴، ص ۳۹۲.

۲- بحار الانوار، ج۴۴، ص۳۹۴.

۳- ر. ک: عبدالله جوادی آملی، حماسه و عرفان، ص۲۲۹ و ۲۳۰.

آن صفحه را که نگاه می کنیم، می گوییم: بشریت حق دارد به خود ببالد... اما صفحه سیاه و تاریکش، از آن نظر سیاه و تاریک است که در آن فقط جنایت بی نظیر و یا کم نظیر می بینیم. حدود ۲۱ نوع پستی ولئامت در این جنایت بود. خیال هم نمی کنم در دنیا چنین جنایتی دیده بشود که تا این اندازه تنوّع داشته باشد... (۱).

برای زدودن این صفحه سیاه از کتاب بزرگ تاریخ و انسانیت، نیاز به مبارزه ای فراگیر و جهادی شکوهمند هست و به همین جهت، صفات و ویژگی هایی از اباعبدالله در روز عاشورا ظهور کرد که هر یک مثال زدنی و برای یک مبارزه بزرگ و نبرد تاریخی علیه شرور و پلیدی ها بایسته بود؛ از جمله شجاعت بدنی، قوت قلب و شجاعت روحی، ایمان کامل به خدا و پیغمبر و اسلام، صبر و تحمّل عجیب، رضا و تسلیم، (۲) بزرگواری و آزاد مردی، فداکاری وفاداری، عزّت و استقامت و... یکی از نویسندگان معروف (عباس محمود عقّاد) می نویسد:

«در روز عاشورا، مثل این بود که یک نوع مسابقه میان خصلت های حسینی برقرار شده بود؛ یعنی، فضایل حسینی هر کدام، با دیگری مسابقه می داد. صبر حسین می خواست از سایر صفاتش جلو بیفتد. اخلاص حسین

۱- ر. ک: حماسه حسینی، ج۱، ص ۱۲۱.

۲- ر. ک: حماسه حسینی، ج۳، ص ۱۶۲.

می خواست از همه اینها پیشی بگیرد. شجاعت حسین می خواست گوی سبقت را از صفات دیگر او برباید و...».(۱)

در تحلیل این جلوه ها و مظاهر حماسی عرفانی، توجه به چند نکته بایسته است:

۱. هرکدام از این مظاهر عظما، به نحو اتم و اکمل در سراسر زندگی امام حسین علیه السلام به خصوص در نهضت عاشورا هویدا و متجلی گردید.

۲. بعضی از این ویژگی ها و جلوه ها، زمینه ساز و حرکت آفرین بوده و چون با شخصیت آن حضرت عجین شده بود، آن حضرت را به سمت قیام و مبارزه علیه پلیدی ها و ظلمت ها، سوق می داد. از این مظاهر و تجلیات بارز، می توان به سه مورد خاص اشاره کرد:

الف. حرّیت و آزادگی،

ب. غیرت دینی،

ج. ظلم ستیزی و عدالت طلبی.

با وجود این سه ویژگی است که خدا باوران و حق طلبان، می توانند با قدرت و شجاعت تمام در برابر گروه باطل و فسادگر قرار گرفته و تا سرحد پیروزی ظاهری یا شهادت، با آنان مبارزه کنند.

۱- فضایل و سیره امام حسین، ص ۲۰۸.

۳. وجود نورانی حضرت اباعبدالله علیه السلام در حماسه جاودانه کربلا، مظهر و مجلای ویژگی ها و رفتارهای برجسته و شگفت انگیزی بود که آنها را در عرصه نبرد با جنود شیطان به ظهور و بروز رساند؛ از جمله:

الف. خداباوری و عرفان والا،

ب. عزّت و افتخار،

ج. شجاعت و پایداری،

د. ایثارگری و شهادت طلبی.

وجود این چهار مؤلفه نیز در قیام و انقلاب مؤثر و گسترده علیه شرّ و ظلمت و فساد، بایسته است و هر شخص و گروهی در نبرد با مفسدان و ستمگران و در صحنه عمل، باید آنها را به ظهور برساند و به یقین تمام آنها به صورت گسترده و کامل تر در عصر ظهور محقّق خواهد شد.

۴. در تحلیل حاضر، بیشترین تکیه و محور مباحث، مربوط به شخصیت حضرت اباعبدالله علیه السلام است. این به معنای بی توجّهی به سایر دلیران و شجاعان حاضر در صحنه عاشورا نیست؛ بلکه امام علیه السلام به عنوان مظهر اتم واکمل حریت، غیرت و عزّت مورد توجه بوده است.

۵. تجلیات و مظاهر عرفانی حماسی عاشورا، از مرزها، قرن ها و

تاریخ گذشته و امتداد یافته است تا اینکه بار دیگر به طور کامل در عصر ظهور پدیدار گردد. در واقع قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف علیه جباران و طاغوت ها و مفسدان، صحنه ای دیگر از بروز و ظهور غیرت دینی، حریت و آزادگی، ظلم ستیزی و عدالت طلبی است.

آن حضرت در مصاف نهایی حق و باطل و با الگوگیری از حماسه عاشورا، حماسه ای دیگر خواهد آفرید و در آنجا عزّت و افتخار، شجاعت و استواری و عرفان و خداباوری را به منصه ظهور رسانده، ریشه باطل را برخواهد کند.

یک. مظاهر و تجلیات حسینی

۱-۱. حرّ و آزامرد

یکی از ویژگی ها و اوصاف برجسته امام حسین علیه السلام که در طول حیات گران قدرش، جلوه گر بود حرّیت، آزاد مردی و آزادگی آن حضرت است. این روحیه باعث شده بود که امام علیه السلام، به هیچ وجه زیر بار زور و ستم نرود و با جبّاران و جائرانی چون معاویه و یزید، سازش نکند. او آزاد مرد و صاحب کرامت و بزرگی بود که با قاطعیت در جواب برادرش محمد حنفیه فرمود: «یا اخی! والله لولم یکن فی الدنیا ملجأ و لامأوی لمّا بایعت یزید بن معاویه»؛(۱) «ای برادر! به خدا اگر در تمام این دنیای پهناور، پناهگاه و قرارگاهی نداشته باشم، هرگز با یزید پسر معاویه بیعت نخواهم کرد».

امام حسین علیه السلام را به درستی سرور و سالار آزادگان (سیدالاباء)

۱- بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۲۹.

جهـان می گوینـد. آزادگی، شـأنی از مراتب عـالی انسانی و کمالات روحی است که جز با عظمت روح، مجاهـدت نفسانی و گسستن از تعلّقات دنیوی، به دست نمی آید.

امام حسین علیه السلام، حقیقت آزادگی را در حماسه کربلا، به تمام معنا تفسیر کرد. او انسانی است که در همه تاریخ و برای همه نسل ها، الگوی آزادگی است؛ چرا که در هیـچ حال، به خواری و زبونی تن نداد.آزادگی، برتر از آزادی است و در واقع نوعی حرّیّت انسانی از قید و بندهای ذلّت آور و حقارت بار است.

این منطق و شـعار سرور آزادگان حسین بن علی علیه السلام و یاران آزاده او است که: «بهای آزادگی را باید پرداخت، اما تن به ذلّت و پستی نباید داد». به همین جهت در کربلا به سپاهیان خصم خطاب کرد و فرمود: «و یحکم یا شیعه آل ابی سفیان! ان لـم یکن لکم دین و کنتم لاتخـافون المعـاد، فکونـوا احراراً فی دنیـاکم...»(۱)؛ «وای بر شــما ای یـاران آل ابوسـفیان اگر دین ندارید و از آخرت نمی ترسید؛ لااقل در دنیا آزاد مرد باشید».

علائلی می نویسد:

«حسین، شخصی است که چون از هر سوی کوه وجودش، فراز شوی، به ستیغ بزرگی رسی؛ تا آنجا که

۱- کشف الغمه، ج۲، ص ۵۰؛ بحارالانوار، ج۴۵، ص۵۱؛ لهوف، ص۱۱۹.

او را مرکز برخورد بزرگواری ها با یکدیگر و مجمع یکتایی ها می یابی؛ زیرا بی گمان هر کس از سرچشمه عظمت نبوی و فضیلت فاطمی فراجوشید، نمونه بی همتای عظمت و عزّت انسان خواهد شد و از آیات بیّنات به شمار خواهد رفت. یاد او، یاد یک شخص نیست؛ یاد انسانیت جاویدان است»(۱).

امام خود به خوبی این شخصیّت و ویژگی برترش را بیان کرده است؛ آنجا که فرمود: «لیس شأنی شأن من یخاف الموت... لست اخاف الموت همتی لأعلی من ان احمل لصحتم خوفاً من الموت و هل تقدرون علی اکثر من قتلی؟ مرحباً بالقتل فی سبیل الله ولکنکم لاتقدرون علی هدم مجدی و محو عزتی و شرفی...»(۲)؛

«... شأن و شخصیت من برتر از آن است که از مرگ بترسم... من از مرگ نمی ترسم و بلند همت تر از آنم که از ترس مردن، ذلت را برخویشتن برگزینم. مگر شما جز کشتن من کار دیگری می توانید انجام دهید؟ آفرین بر مرگ در راه خدا که با مرگ در راه او، نمی توانید مجد و عزّت و شرف مرا نابود سازید...».

یکی از مسلمانان علاقه مند به امام حسین (طرماح)، حضرت اباعبدالله را چنین توصیف می کرد: «آقایی و کرامت در سرشت و نژاد

۱- برترین هدف در برترین نهاد، ص۱۱۸.

۲- اعیان الشیعه، ج۷، ص ۵۸۱.

او است. آقا و آزاد مرد است و دارای سعه صدر که خداوند او را برای انجام بهترین امور به اینجا رساننده است...»(۱).

مسلم بن عقیل این پیام رسان نهضت حسینی بزرگ ترین افتخار خود را حریت و آزادگی می دانست: «اقسمت لااقتل الا حرّا و ان رأیت الموت شیئا نکراً»(۲)؛ «سوگند خورده ام که جز با آزادگی کشته نشوم؛ هر چند مرگ را چیز ناخوشایندی می بینم».

۲-۱. صاحب غیرت دینی

امام حسین علیه السلام، مظهر و مجلای غیرت دینی و حمایت و یاری شریعت است. او نه تنها «ثارالله»؛ بلکه «غیره الله» نیز بود و وقتی خطر انحراف و تباهی در دین و امت را مشاهده کرد، با تمام توان به پاخاست و غیرت دینی خود را به طور کامل، به ظهور رساند.

غیرت آن است که آدمی، دین، عرض، ناموس و اولاد خود را نگه داری کند. برای محافظت و نگاهبانی هر یک، طریقه ای هست که صاحب عزّت و حمیّت از آن تجاوز نمی کند. غیرت دینی نیز تلاشی در نگهبانی دین از آفت و حمیّت و حفظ از بدعت و کوشش در ترویج آن است. (۳)

۱- تاریخ طبری، ج۷، ص۲۹۹۵.

۲- لهوف، ص۵۵؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۵۲؛ ارشاد مفید، ج۲، ص۵۸.

۳- ر. ک: جامع السعادات، ج۱، ص ۲۶۴؛ معراج السعاده، ص ۲۶۵.

بی شک یکی از رموز موفقیت و سربلندی امام حسین علیه السلام و یکی از مظاهر حق خواهی و باطل ستیزی آن حضرت، «غیرت دینی» و پاسداری از مرزهای شریعت بود؛ چنان که درباره حکمت قیام خود فرمود: «... کارها بدین جا کشیده است که می بینید، دنیا تغییر یافته و به زشتی گراییده است. نیکی های دنیا به عقب می رود و همچنان با شتاب رو به زوال است. از نیکی ها چیزی باقی نمانده، جز ته مانده هایی مانند ته مانده آبشخورها. پستی های زندگی، همانند چراگاه زیان بخش و بیمار کننده است. آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی گردد؟! پس سزاوار است که در چنین وضعی انسان با ایمان، مرگ و ملاقات با خدا را آرزو کند. آری من مرگ را جز سعادت و خوشبختی نمی بینم...»(۱).

همچنین فرمود: «انا اولی من قام بنصره دین الله و اعزاز شرعه و الجهاد فی سبیله لتکون کلمه الله هی العلیا»(۲)؛ «... من سزاوارترین کس هستم که به نصرت دین خدا برخیزم و شریعت مقدس او را عزیز بدارم و در راه او جهاد کنم تا «کلمه الله» برترین حاکم شود».

پس قیام امام حسین علیه السلام، به یقین در جهت شعله ور ساختن غیرت دینی و احیای امر به معروف و نهی از منکر بود. عمل به این

۱- لهوف، ۹۶، تاریخ طبری، ج۷، ص ۲۹۹۴.

۲- اعیان الشیعه، ج۱، ص ۵۹۴؛ موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام ص ۳۳۶.

دو فریضه، در جهت حفظ آموزه های دینی و جلوگیری از بدعت و انحراف بایسته است و آن حضرت از ابتدای حرکت خود، می فرمود: «اللهم انی احب المعروف و اکره المنکر»(۱)؛ «خداوندا! من دوستدار و خواهان معروف و نهی از منکر هستم» و «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدّی ارید آن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر»؛(۲) «فقط برای اصلاح امت جدم قیام کردم؛ می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم».

۳-۱. ستم ناپذیر و باطل ستیز

از ویژگی های بارز ابا عبدالله علیه السلام، حق گرایی، ظلم ستیزی و ستم ناپذیری بی نظیر او است. او نه تنها قهرمان سازش ناپذیر در برابر ستم، قلدری، شقاوت و استبداد بود؛ بلکه بنیان گذار این شیوه آزاد منشانه است و تمامی آزادی خواهان، ستم ستیزان و مبارزان راه عدالت، باید به آن قهرمان حریّت و رهایی تأسی جویند؛ چنان که آن حضرت حتی زندگی با ظالمان و در عصر ستمگران را ملالت آور می دانست و سعادت را در شهادت می دید: «انی لا اری الموت الاسعاده و الحیاه مع الظالمین الا برما»؛(۳) «مرگ با عزّت سعادت است و زندگی

۱- بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۲۸.

۲- بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۲۹.

۳- تحف العقول، ص۲۴۵؛ کشف الغمه، ج۲، ص۳۲.

در کنار ظالمان و ستمگران، ملالت آور [و غیر قابل تحمل] است».

حضرت از همان آغاز قیام، روحیه حق گرایی و باطل ستیزی خود را آشکار ساخت؛ چنان که در مدینه، وقتی از طرف حاکم آنجا، مسأله بیعت با یزید مطرح گردید، فرمود: «مثلی لایبایع مثله»؛(۱) «مثل من، با [شخصی] مثل یزید بیعت نمی کند»؛ یعنی، از همان شروع، عدم سازش حق با باطل را مطرح کرد.

در برابر مروان بن حکم نیز با قاطعیت فرمود: «انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذابلیت الأمّه براع مثل یزید. یامروان! اتر شدنی لبیعه یزید و یزید رجل فاسق؟ لقد قلت شططاً من القول و زللًا و لاالومک فانک اللعین الذی لعنک رسول الله و انت فی صلب ابنک الحکم بن العاص و من لعنه رسول الله فلا ینکر منه ان یدعو بیعه یزید. الیک عنی یا عدّو الله فانّا اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الحق فینا ینطق علی السنتنا»؛(۲)

«اگر امت اسلامی، به سرپرستی کسی مثل یزید مبتلا شود، با اسلام باید وداع کرد.ای مروان ! مرا ارشاد و راهنمایی به بیعت با یزید می کنی، در حالی که او مرد فاسقی است؟! پراکنده گویی کردی و حرف نامربوطی زدی و من به خاطر این کلام، سرزنشت نمی کنم؛ چون تو همان ملعونی که هنوز در صلب پدرت (حکم بن عاص) بودی و پیامبر خدا، تو را لعنت کرد، و کسی که مورد لعن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۱- لهوف، ص۲۲؛ مثیر الاحزان، ص۲۴.

۲- مقتل خوارزمی، ج۱، ص ۱۸۵؛ موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۲۸۵.

قرار گرفت، از او بعید نیست که به بیعت با یزید فرا بخواند!! از من دور شو ای دشمن خدا! مرا با تو سخنی نیست؛ چون من از اهل بیت رسول الله هستم. حق در میان ما است و از زبان ما جاری می شود...».

آن حضرت از جولان و میدان داری باطل و ستمگری، ناراحت و خشمگین بود و در برابر حق ناپذیری مردم می فرمود: «الاترون ان الحقّ لایعمل به و ان الباطل لایتناهی عنه»؛(۱) «هان! مگر نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی گردد».

امام حسین علیه السلام زندگی تحت فشار و ستم دیگران را ذلت بار می خواند و می فرمود: «من از مرگ، باکی ندارم. مرگ، راحت ترین راه برای رسیدن به عزّت است. مرگ در راه عزت، زندگی جاودانه است و زندگی ذلت بار، مرگ بی حیات است. مرا از مرگ می ترسانید؟ چه گمان باطلی! همتم بالاتر از این است که از ترس مرگ، ظلم را تحمل کنم.

بیش از این (یک بار) نمی توانید مرا بکشید. مرحبا به مرگ در راه خدا؛ ولی شما با کشتنم، نمی توانید شکوه و عزّت و شرف مرا از بین ببرید، چه هراسی از مرگ؟(۲)»

آن حضرت نه تنها خود هیچ ظلم و ستمی را نمی پذیرفت و زیر

۱- لهوف، ص۷۹؛ المناقب، ج۴، ص۶۸.

۲- ر. ک: اعیان الشیعه، ج۱، ص ۵۸۱.

بار هیـچ زور اجباری نمی رفت؛ دیگران را نیز به این امر دعوت می کرد و آنان را از پذیرفتن حاکمیت سـتمگران و جائران بر حذر می داشت؛ چنان که خطاب به مردم فرمود:

نازم حسین را که چو در خون خود تپید

شیواترین حماسه تاریخ آفرید

دیدی دقیق باید و فکری دقیق تر

تاپی بَرَد به نهضت آن خسرو شهید

قامت چو زیر بار زرو زور خم نکرد

در پیش عزم و همت وی آسمان خمید

برگی بود زدفتر خونین کربلا

هر لاله و گلی که به طرف چمن دمید

از دامن سپید شریعت زدود و شست

با خون سرخ خویش، سیه کاری یزید

بُد تشنه عدالت و آزادی بشر

ان العطش که از دل پرسوز می شنید

خوش بخت ملّتی که از این نهضت بزرگ

گردد زروی معرفت و عقل مستفید

«فـان لـم تنصـرونا و تنصـفونا قـوی الظلمـه علیکـم و عملـوا فی اطفـاء نـور نـبیکم و حسـبنا الله و علیـه توکلنـا و الیـه انبنـا و الیه المصیر»(۱)؛ «هان ای مردم! اگر شما ما را یاری ندهید و از در انصاف با ما در نیایید؛ این حاکمان جائر و ستمکار بر شما چیره می گردند و قوای خود را علیه شما به کار می بندند و در خاموش نمودن نور پیغمبرتان می کوشند. خدا برای ما کافی است و بر او توکل می کنیم و به سوی او باز می گردیم و به سوی او است همه بازگشت ها».

مار بین آلمانی می نویسد:

«حسین بن علی نوه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تنها کسی است

۱- تحف العقول، ص ۲۳۹.

که در چهارده قرن پیش، در برابر حکومت جور و ظلم قد علم کرد. حسین شجاعت را از پدر خود به ارث برد و موضوعی که نمی توان نادیده گرفت، این است که حسین علیه السلام اول شخص سیاست مداری بود که تا به امروز احدی چنین سیاست مؤثری انتخاب نکرده است. این سرباز رشید اسلام، نشان داد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم، هر چند ظاهراً عظیم و استوار باشد، در برابر حق و حقیقت، چون پر کاهی بر باد خواهد رفت، و می توان ادعا کرد که تا به امروز، تاریخ بشریت نظیر چنین شخص مآل اندیش و فداکار به خود ندیده و نخواهد دید».(۱)

امام خمینی درباره شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» می گوید:

«محتوای این جمله این است که ارض کربلا، در روز عاشورا، چه نقشی را بازی کرد. همه زمین ها باید این طور باشد... همه روزه باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا هم کربلا است و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم».(۲)

۱- فرهنگ عاشورا، ص۲۸۱.

۲- صحیفه نور، ج۹، ص ۲۰۲.

۴–۱. عارف و خدا محور

قیام امام حسین علیه السلام، انقلابی خدایی و در جهت تحقّق دستورات الهی و «عبودیت» او در جهان و برای جلب رضایت و خشنودی حق بود. سالار شهیدان، به زیبایی هر چه تمام، حماسه را با عرفان درآمیخت و خدا باوری و خدا محوری را، با جهاد در راه او تکمیل کرد. این نشان می دهد که قیام علیه باطل، باید با محوریت، رضایت و دستور خدا همراه باشد و از توکل به او و استعانت از او غفلت نشود.

آن حضرت در آغاز قیام خود، در جوار جدش چنین دعا کرد: «... بحق هذا القبر و من فیه الا اخترت من امری ما هو لک رضی و لرسولک رضی و للمؤمنین رضی»؛(۱) «... به احترام این قبر و کسی که در آن هست، از تو درخواست می کنم که راهی را در پیش روی من بگذاری که مورد رضا و خشنودی تو و نیز مورد رضای پیامبر و مؤمنان باشد».

امام علیه السلام سختی ها و دشواری های مبارزه را آسان می دید و می گفت: «هوِّن علیَّ ما نزل بی انَّه بعین الله»؛(۲) «تحمل آنچه بر من می گذرد آسان است؛ چون در محضر الهی است». آن حضرت چنان در وجود باری تعالی غرق شده بود که به غیر از خدا هیچ نمی دید و

۱- مقتل خورازمی، ج۱، ص ۱۸۶؛ احقاق الحق، ج۱۱، ص ۶۰۰؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۲۸.

۲- لهوف، ص۱۱۵؛ بحارالانوار، ج۴۵، ص۴۶.

جز خواسته او، چیزی نمی خواست: «قدشاء الله عزوجل ان یرانی مقتولا مذبوحاً ظلماً و عدواناً...»(۱)؛ «خدا دوست دارد مرا کشته ظلم و عداوت ببیند...».

در عصر عاشورا هنگامی که از اسب بر زمین افتاد و مورد تهاجم قرار گرفت، عرض کرد: «صبرا علی قضائک یا رب لا اله سواک یا غیاث المستغیثین مالی رب سواک و لامعبود غیرک صبراً علی حکمک یا غیاث من لاغیاث له...»؛(۲) «بر قضای تو صبر می کنم ای پروردگاری که غیر تو الهی نیست.ای پناه پناه جویان؛ غیر از تو پروردگار و معبودی برایم نیست.ای پناه بی پناهان! بر حکم تو صبر می کنم...».

همه چیز برای اباعبدالله علیه السلام زیبا و خیر بود (چه پیروزی ظاهری و چه مرگ و شهادت)؛ زیرا او عامل به وظیفه وسالک الی الله بود: «ارجو ان یکون خیراً ما اراد الله بنا قتلنا ام ظفرنا»؛(۳) «امیدوارم آنچه خدا برای ما اراده فرموده به خیر باشد، چه کشته شویم؛ چه پیروز گردیم».

امام خمینی رحمه الله نیز در این رابطه می فرماید:

«اینکه حضرت ابی عبدالله نهضت کرد و قیام کرد با عدد کم و در مقابل این برای اینکه گفتند: تکلیف من

۱- بحارالانوار، ج۴۴، ص ۳۳۱.

۲- مقتل مقرم، ص۲۸۳.

۳- ۱. صحیفه نور، ح۴، ص۶.

این است که استنکار کنم. نهی از منکر کنم، ما که بالاتر از سید الشهدا نیستم. آن وظیفه اش را عمل کرد و کشته هم شد».(۱)

اینها نشان از تجلی و ظهور «عشق پر فروغ» ابا عبدالله علیه السلام و یاران گرامی اش دارد؛ عشق به محبوب و معبود و ایمان به تمامی دستورات و خواست های او. امیر مؤمنان، یک ربع قرن قبل از حادثه عاشورا، هنگام عبور از کربلا، خطاب به همراهانش فرمود: اینجا قتلگاه شهیدان عاشق است (مصارع عشاق شهداء). طبق این بیان، همه کسانی که در صحنه کار زار کربلا، در جبهه توحید پیکار می کردند و شمشیر ایمان و عرفان بر فرق عصیان و طغیان می کوبیدند، عاشق خداوند بودند و امام حسین علیه السلام سردار سپاه عشق بود که درس عشق و عاشقی به پروردگار را به لشکر خود می آموخت و آیندگان نیز درس عاشقی را در مکتب آنها فراگرفتند.

امام حسین علیه السلام هنگام حرکت به طرف کربلا، جان های شریف را برای نثار و مال های نفیس را برای ایثار جمع کرد و وقتی که به کربلا رسید، دامن خود را از همه آنها تکان داد و هر چه داشت، خالصانه فدای رضای محبوب کرد و در پایان کار، سرخویش را

۱- موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۶۲.

سخاوتمندانه در طبق اخلاص نهاد و تقدیم محبوب و معشوق نمود.(۱)

گرچه روزی تلخ تر از روز عاشورا نبود

آنچه ما دیدیم جز پیشامدی زیبا نبود

عشق می فرمود: «باید رفت»، می رفتند و هیچ

بیمشان از تیر های تلخ بی پروا نبود

خیمه ها از مرد خالی می شد اما همچنان

اهل بیت عشق از مردانگی تنها نبود

آفتاب ظهر عاشورا به تلخی می گریست

کودکان تشنه لب بودند و کس سقّا نبود

آسمان می سوخت از داغی که بر دل داشت، آه!

کودکی آتش به دامان می شد و بابا نبود

۵–۱. صاحب عزّت و افتخار

امام حسین علیه السلام، به یقین مظهر اسم عزیز خدا و تجلّی واقعی و کامل عزّت، سربلندی و افتخار است. نهضت حسینی، حماسه ای بی نظیر و میدان بروز و ظهور کامل «عزت» است و جای جای آن، گویای این حقیقت است که همه شرافت آدمی، به عزّت او است و کسی حق ندارد جز در برابر خدا، خود را ذلیل کند و زیر بار ظلم و ستم باطل برود.

در واقع «روح جریان عاشورا» عزّت مندی است و ثمرات آن شجاعت، ایثار، شهامت و... است. «عزّت حسینی»؛ یعنی، عزّت انسانیت؛ زیرا سالار شهیدان، قهرمان تفسیر کننده حیات توأم با عزّت و شرافت انسان است.

حقیقتاً همه ارزش ها و آرمان های الهی زندگی انسان، مدیون آن

۱- حماسه و عرفان، ص ۲۴۰.

عزیز و عزیزان عـاشورایی و سـایر عاشورائیان است. امام حسـین علیه السـلام، راست قامت ترین مـدافع حیات طیب انسانی، در مرتفع ترین قلّه فداکاری در راه حق و حقیقت و آزادی و عزّت انسانی قرار دارد. او تابلوی انسانیت و سرچشـمه عزّت و کانون کرامت و افتخـار انسانی است. او «اسوه» و الگوی پوینـدگان حرکت تکاملی انسان و امام حقیقت جویان مسـیر عزّت و کرامت انسان است.

حسین بن علی علیه السلام مظهر اتم اسم شریف «العزیز» است، اگر چه همه امامان هدایت، مظاهر اتم اسمای حسنای الهی اند؛ ولی هر یک از آنها مظهری خاص از اسـمی مخصوص اند و در آن اسم جلوه دارند؛ وجود مبارک اباعبدالله علیه السلام، آیت و مظهر تام «اسم العزیز» است. (۱)

اگر حسـین بن علی علیه السـلام مظهر «اسم العزیز» است، مکتب حسـینی، تبلور عزّت خداوندی است و اگر این مکتب، کانون عزّت است، به راهیـان کوی حسـینی، درس عزّت و افتخـار می آموزد و بهترین نشـانه پیروان این مکتب و کانون، عزّت منـدی است.

«عزت»؛ یعنی شـکست ناپـذیری، صـلابت نفس، نفوذ ناپـذیری، رفعت و سـربلندی، شـدت و نیرومندی، کرامت و بزرگواری، امتناع و نایابی. از نظر علامه طباطبایی، قدر مشترک همه این معناها صلابت

۱- ر. ک: تبیین عزت حسینی، (مجموعه مقالات همایش امام حسین علیه السلام)، ج۳، ص۲۰۵ و ۲۰۶.

است. (۱) عزّت حالتی است که نمی گذارد انسان، شکست بخورد و مغلوب واقع شود (العزّه حاله مانعه، للانسان من ان یغلب).(۲)

عزیز آن انسان نفوذ ناپذیری است که مقهور شرایط زمان و مکان نمی شود؛ بلکه جامعه و شرایط زمانی و مکانی را، مقهور خویش می سازد... .

عزّت مندی ابا عبدالله علیه السلام؛ یعنی، عدم سازش با باطل، بیعت و همراهی نکردن با باطل، افشای چهره کریه باطل و مبارزه و جهاد با باطل؛ چنان که علایلی می گوید: «سنگ بنای ارزش ها و [صفات عالی] زیر بار ذلت نرفتن و سازش ناپذیری با باطل است». (۳)

دودمان ناپاک بنی امیه، می خواستند ذلّت بیعت با خویش را بر حسین بن علی علیه السلام تحمیل کنند؛ ولی روح بلند آن حضرت و یارانش، این ذلت و فرومایگی را تحمّل نکرد و فریاد برآورد که:

«... لاوالله لااعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا اقر اقرار البعید و لا افر فرار العبید»(۴)؛ «من هرگز دست ذلت به شما نمی دهم؛ مانند بردگان اقرار به سرپرستی شما نمی کنم و مانند بندگان فرار نمی کنم».

۱- المیزان، ج۶، ص۲۲.

۲- مفردات راغب.

۳- برترین هدف در برترین نهاد، ص ۱۲۸.

۴- مقتل الحسین علیه السلام عبدالرزاق، ص ۲۸۰؛ ارشاد مفید، ج۲، ص ۹۷؛ بحار الانوار، ج۴۴، ص۱۹۱.

و نیز فرمود: «لا اعطی الدنیه من نفسی ابدا»(۱)؛ «هرگز تن به پستی نخواهم داد و زیر بار ذلت نخواهم رفت». سید الشهدا علیه السلام همان کسی است که می فرمود: «موتٌ فی عزّ خیر من حیاه فی ذلّ»(۲)؛ «مردن در راه عزّت و با عزّت، بهتر از زندگی با ذلت است».

در روز عاشورا، هنگام رویارویی دو سپاه، در برابر صفوف دشمن قرار گرفت و فرمود: «الا و انّ الدّعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذله و هیهات منا الذله یأبی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت و أنوف حمیه و نفوس ابیه من ان نؤ ثر طاعه اللئام علی مصارع الکرام»(۳)؛ «آگاه باشید که این فرومایه فرزند فرومایه، مرا میان دو راهی شمشیر و ذلت قرارداده و هیهات که ما، زیر بار ذلّت رویم؛ زیرا خداوند و پیامبرش و مؤمنان از اینکه ما زیر بار ذلت برویم، ابا دارند و دامن های پاک مادران و انسان های پاکدامن و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت، روا نمی دارند که اطاعت افراد لئیم و پست را، بر قتلگاه انسان های کریم و نیک منشان مقدّم داریم».

ابن ابی الحدید معتزلی درباره امام حسین علیه السلام می نویسد: «سرور کسانی که زیر بار ذلّت نرفته اند (سیّد اهل الاباء) کسی که به مردم، مردانگی و غیرت و مرگ زیر سایه شمشیر را آموخت و چنین مرگ

۱- لهوف، ص۲۶.

۲- لمعات الحسین، ص۵۲؛ بحار الانوار، ج۴۴، ص۱۹۱؛ مناقب، ج۴، ص۶۸.

۳- لهوف، ص ۹۷؛ مقتل خوارزمی، ج۲، ص ۷؛ امثیر الاحزان، ص۵۴.

را بر پستی و ذلت ترجیح داد؛ ابوعبدالله حسین بن علی علیه السلام است که به او و یارانش امان داده شد؛ اما از آنجا که نمی خواست تن به ذلت دهد و نیز بیم آن داشت که ابن زیاد اگر هم او را نکشد، به نوعی خوار و ذلیلش سازد، مرگ را بر چنین زندگی ترجیح داد». (۱)

به بیان ابونصر نباته:

الحسین الذی رأی الموت فی العز حیاه والعیش فی الذل قتلاً

حسین، همان کسی است که مرگ با عزّت را زندگی می دید و زندگی با ذلت را، مرگ و کشته شدن می یافت. (۲)

شهید مطهری می نویسد:

«چه در وقتی که امام در مدینه بود و چه در مکه و چه در بین راه و چه در کربلا، آنها از امام فقط یک امتیاز می خواستند و اگر آن یک امتیاز را امام به آنها می داد، نه تنها کاری به کارش نداشتند، انعام ها هم می کردند؛ اما امام هم همه آن رنج ها را تحمل کرد، تن به شهادت خود و کسانش داد که همان یک امتیاز را ندهد و آن امتیاز فروختن رأی و عقیده (بیعت با یزید) بود. اگر امام یک رأی غیر وجدانی و غیر مشروع می داد، شهید نمی شد؛ لذا شهید شد که راه و عقیده خودش را

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج۳، ص۲۴۹ و ۲۵۰.

۲- مناقب ابن شهر آشوب، ج۴، ص۶۸.

نفروخته باشد». (۱)

حضرت آیت الله خامنه ای درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«حسین بن علی، مظهر عزّت راستین و نمودار کامل افتخار حقیقی است».(۲)

این نهایت عزّت و سربلندی است که به قول علامه جعفری:

«امام حسین علیه السلام نه تنها محمد بن حنفیه؛ بلکه هیچ کس را برای حرکتی که در پیش داشت، مجبور نفرمود». (۳)

۶-۱. صاحب شجاعت و پایمردی

«شـجاعت»، یک ارزش والای انسانی است و در وجود گرامی حضرت حسین علیه السلام به گونه ای تجلّی یافت که به راستی راز و رمز جاودانه شـجاعت و شـهامت برای عصرها و نسل ها شد. برای مبارزه در مقابل گروه باطل (ظلم و فساد و نفاق)، باید شجاع و با شهامت بود و از این جرثومه های تباهی و جنود شیطانی، ترس و خوف به خود راه داد.

شهـامت و دلاوری در زنـدگی او، به صورتی جلوه گر شـد که در زنـدگی هیـچ قهرمانی از قهرمانان، ظهور نکرد و برای او به گونه ای پیش آمد که برای کسی حتی پدر گران قدرش که خداوندگار

۱- حماسه حسینی، ج۳، ص ۷۱.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ فروردین ۸۱، ش ۶۵۹۵.

۳- امام حسین شهید فرهنگ بشر و انسانیت، ص ۱۲۱.

شهامت ها و شجاعت ها بود آن شرایط استثنایی پیش نیامد.

طبق روایات «حسین علیه السلام شجاعت نیای بزرگش را به ارث برده بود»(۱)؛ به همین جهت شهامت و شجاعتی در روز عاشورا از او تبلور یافت که به حق سمبل و نمونه شد.

این بدان معنا نیست که از پدر گران مایه اش علی علیه السلام شجاع تر بود؛ بلکه برای تجلی شجاعت او، شرایطی فراهم شد که برای پدرش نه اتفاق افتاد و نه برای دیگر قهرمانان و شجاعان پرآوازه روزگار. حرّ در برخورد با امام حسین علیه السلام وانجام مأموریت خویش، آن حضرت را تهدید به جنگ کرد؛ امام بر آشفت و فرمود: «فبالموت تخوّفنی و هل یعدو بکم الخَطْبُ ان تقتلونی؟»؛(۲) «مرا به مرگ تهدید می کنید؟ و آیا غیر از کشتن من کار دیگری از دستتان برمی آید».

و در ادامه خواند:

سأ مضی و ما بالموت عار علی الفتی   اذا ما نوی حقاً و جاهد مسلماً(۳)

من به سوی مرگ می روم که مرگ برای جوانمرد ننگ نیست. آن گاه که اعتقاد به اسلام داشته، هدف او حق باشد.

پیش از آن نیز، در برابر تهدیدات مروان فرموده بود: «یا ابن

۱- فضایل و سیره امام حسین، ص ۲۳۲ و ۲۰۲.

۲- ارشاد مفید، ج۲، ص۸۱؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۸۷.

۳- بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۸۷؛ انساب الاشراف، ج۳، ص ۱۷۱.

الزرقاء تقتلنی انت الذّی کذبت و اثمت»؛(۱) «ای فرزند بدکاره! آیا تو مرا می کشی! دروغ گفتی و گناه کردی».

امام حسین علیه السلام، هم در صحنه سیاست و اجتماع و هم در صحنه جنگ و رزم، دلیرمرد و دلاوری بی نظیر بود. در مجلس ولید (حاکم مدینه)، با قدرت و شجاعت به تهدیدهای مروان پاسخ گفت و از تهدید به مرگ نهراسید و ثابت کرد که در هیچ حالی نباید از طاغوت و طاغوتیان ترسید.

او در میدان نبرد، سلحشوری بی نظیر بود؛ چنان که در موردش نوشته اند: همواره می جنگید تا تعداد زیادی از دشمن کشته می شدند و عده ای مجروح می گشتند.

عمر بن سعد (فرمانده سپاه دشمن)، به لشکریان خود گفت: وای بر شما! می دانید با چه کسی می جنگید... این فرزند جنگاور عرب است؟

از همه طرف به او حمله کنید. در این حال چهارهزار نفر به طرف حضرت تیراندازی کردند....(۲)

عبدالله بن عمار در مورد شجاعت و دلیرمردی امام حسین علیه السلام می گوید:

«من هرگز محاصره شده ای را شجاع تر و استوارتر از او

۱- روضه الواعظین، ج۱، ص ۱۷۱.

۲- موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳-۵.

ندیدم؛ با اینکه فرزندان، یاران و مردان خاندان او در یک پیکار نابرابر به شهادت رسیده بودند، خود همچنان شهادت مندانه با قوّت قلب و ثبات قدم در برابر امواج جاهلیت ایستاده بود. به تنهایی به ده ها هزار تن نیروی دشمن، یورش قهرمانانه می برد و آنان از برابرش بسان ملخ های پراکنده و از هم گسیخته(۱) فرار می کردند».

یورش قهرمانانه یک پیکارگر بر ده ها هزار نفر، از قوّت قلب، سرچشمه می گیرد و از شجاعت وصف ناپذیر حکایت می کند که فراتر از صولتی است که هزیمت و پراکندگی ملخ وار دشمن زبون را باعث می شود. (۲)

آن حضرت شجاعت را، با شهامت، مقاومت، پایداری و استقامت همراه کرده و همراهان خود را نیز به این امر سوق داده بود. امام حسین علیه السلام آزادمردی بود که تا آخرین قطره، خون خود را فدای راه حق کرد، فرزندان و اهل بیت خود را در راه حق داد و یاران صدیق و دوست داشتنی خویش را به مذبح برد.

او راضی بود که در راه حق، خانواده اش (زنان و کودکانش)، اسیر شوند؛ چرا که دین خدا، یاری می طلبید و این خون ها اسلام را زنده

۱- ر.ک: بحارالانوار، ج۴۵، ص ۵۰؛ تاریخ طبری، ج۵، ص ۴۵۲.
۲- ویژگی های امام حسین علیه السلام، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

می کرد، یعنی، خداوند دوست داشت، آنها را این گونه ببینند. (۱)

امام حسین علیه السلام یاران خود را چنین مخاطب قرار می داد: «ایها الناس، فمن کان منکم یصبر علی حدّ السیف و طعن الاسنّه فلیقم معنا و الا فینصرف عنا»(۲)؛ «ای مردم! هر یک از شما که می تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه ها پایداری کند، با ما همراه شود وگرنه از ما جدا گردد».

امام در دعوت یاران خود به شهادت طلبی می فرمود: «قوموا ایها الکرام الی الموت الذی لابد منه...»(۳)؛ «برخیزید ای بزرگ منش ها! برخیزید به سوی مرگ که چاره ای از آن نیست...» و نیز: «ان الله تعالی اذن فی قتلکم وقتلی فی هذا الیوم فعلیکم بالصبر و القتال... صبراً یا بنی الکرام...»(۴) «خداوند متعال چنین مقدر کرده و اجازه داده که همه ما امروز [در راه معشوق] کشته شویم. بنابراین پایدار باشید و با دشمن بجنگید... ای بزرگ زادگان، صبور و مقاوم باشید».

همچنین فرمود: «والله لارجو ان یکون خیراً ما اراد الله بنا قتلنا ام ظفرنا»(۵)؛ «به خدا سوگند! ایمان دارم که هر آنچه خداوند برای ما

۱- ر. ک: موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۲۹.

۲- ینابیع الموده، ص ۴۰۶.

۳- سخنان حسین بن علی علیه السلام، ص ۲۷۰.

۴- سخنان حسین بن علی علیه السلام، ص ۲۲۶؛ اثبات الوصیه، ص ۱۳۲.

۵- موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۶۲.

اراده کند، خیر است؛ مرگ باشد یا پیروزی».

محمد علی جناح، مؤسس پاکستان، می گوید:

«هیچ نمونه ای از شجاعت، بهتر از آنکه امام حسین علیه السلام از لحاظ فداکاری و تهوّر نشان داد، در عالم پیدا نمی شود. به عقیده من تمام مسلمانان باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند».(۱)

یکی از نویسندگان و مورّخان آمریکایی (واشنگتن ایروینگ) می نویسد:

«برای امام حسین علیه السلام ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد؛ لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام، اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلیفه به رسمیت بشناسد؛ لذا به زودی خود را برای قبول هر فشار و ناراحتی، به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه، آماده ساخت».(۲)

۷-۱. شهادت طلب و ایثارگر

امام حسین علیه السلام و یاران پاکبازش، شهیدان راه خدا و ایثارگران و جان نثاران راه حق و حقیقت اند. «شهادت» در روز عاشورا ظهور و

۱- مجله نوردانش، شماره ۳، ص ۹۶؛ فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۹.

۲- فرهنگ عاشورا، ص ۲۸۰.

جلوه ای ویژه یافت و صلابت و اقتدار گروه حق را نشان داد.

اگر انسانی با فرهنگ شهادت آشنا شود و با شهادت طلبی در راه حاکمیت ارزش های الهی گام بردارد؛ دیگر هرگز نمی ترسد، تهدید نمی شود و در مقابل دشمن جرار، شکست نمی خورد. هرگز تن به ذلت نمی دهد، برده کسی نمی گردد؛ بلکه آزاد شده، آزادانه زندگی می کند. هر کس بخواهد بر دشمن غلبه کند و خصم را رسوا و ریشه کن سازد، باید با شهادت طلبی وارد میدان مبارزه شود که برای پیروزی، راهی جز شهادت طلبی باقی نمانده است.

آن حضرت در سخنرانی افشاگرایانه خود در مکه فرمود: هرکس می خواهد در راه ما شهید شود، صبحگاهان با ما حرکت کند. در موارد فراوان آشکارا می فرمود: «کانّی باوَصالی تتقطعُّها عسلانُ الفلوات بین النواویس و کربلاء»(۱)؛ «گویا می بینم که گرگان بنی امیه، پیکر مرا در اطراف فرات دریده اند».

امام آگاهانه و عاشقانه در راهی گام نهاد که می دانست نتیجه ای جز شهادت و کشته شدن ندارد؛ اما برای یاری جبهه حق، احیای آرمان های دینی، حفظ اسلام و ریشه کنی ظلم و ستم، آن را ضروری و مهم می دانست.

سید بن طاووس می نویسد: وقتی که محمد بن حنفیه از امام

۱- لهوف، ص ۶۰؛ مثیرالاحزان، ص ۴۱.

پرسید: چرا با این عجله از مکه خارج می شوی، آن حضرت فرمود: «اتانی رسول الله بعد ما فارقتک فقال: یا حسین! اُخرج فان الله قدشاء ان یراک قتیلًا»؛(۱) «ای حسین! خارج شو، همانا خداوند می خواهد تو را کشته شده ببنید».

و نیز فرمود: «من کان باذلاـ فینا مهجته و موطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا فانّی راحل مصبحاً ان شاء الله»؛(۲) «هر کس می خواهد در راه ما و با ما، جانش را نثار کند و خود را برای لقای الهی آماده کرده با ما بیاید که من سپیده دم حرکت می کنم».

این ندای جاودانه امام حسین علیه السلام است که مرگ در راه خدا را، سعادت و نیک نامی دانسته، آن را با آغوش باز می پذیرد «... إنّی لا اری الموت الاسعاده و الحیاه مع الظالمین الا برما»؛(۳) «... من مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با ستمکاران را جز اسارت و بدبختی نمی بینم».

یکی از رجزهای امام در روز عاشورا این بود:

الموت اولی من رکوب العار والعار اولی من دخول النار(۴)

مرگ بهتر از ننگ و عار است و ننگ، بهتر از داخل شدن در

۱- لهوف، ص۶۳؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۶۴.

۲- لهوف، ص ۶۰؛ مثیر الاحزان، ص ۴۱.

۳- المناقب، ج۴، ص۶۸؛ کشف الغمه، ج۲، ص۳۲.

۴- بحارالانوار، ج۴۵، ص ۵۰؛ المناقب، ج۴، ص ۱۱۰.

آتش است. از دیدگاه امام حسین علیه السلام مرگ برای احیای حق و شهادت در راه حق طلبی، رسیدن به عزّت و سرافرازی است: «ما اهون الموت علی سبیل نیل العزّ و احیاء الحق»(۱)؛ «مرگ در راه عزّت و سربلندی و احیای حق، چه قدر آسان و دل پذیر است».

امام حسین علیه السلام به فرستاده ابن زیاد که او را دعوت به بیعت کرده بود فرمود: «لااجیب ابن زیاد بذلک ابداً فهل هو الا الموت مرحباً به»(۲)؛ «هیچ وقت پاسخ [مثبتی] به ابن زیاد نخواهم داد؛ آیا نتیجه آن چیزی جز مرگ است؛ پسر مرحبا به مرگ».

در اینجا امام حسین علیه السلام به مرگ «مرحبا» و «به به» می گوید؛ یعنی، استقبال عاشقانه از شهادت در راه خدا؛ چنان که در ملاقات با حرّ نیز فرمود: «مرحباً بالقتل فی سبیل الله».(۳)

به همین جهت در دعایش می گفت: «... امیدوارم که در برابر خواری شما، خداوند کرامت شهادت به من عطا کند و از راهی که گمان نمی برید، انتقام مرا از شما بگیرد»(۴) و نیز می فرمود:

«ای خدای من!ای بزرگ من! دوست دارم که هفتاد هزار بار در راه اطاعت و محبت تو کشته شوم و زنده گردم؛ به خصوص آن گاه

۱- موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۶۰.

۲- موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۸۲.

۳- موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۶۰.

۴- فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۰۶.

که کشته شدن من، عامل پیروزی دین تو و زنده شدن فرمان تو و محفوظ ماندن شریعت تو باشد...»(۱).

هلال بن نافع می گوید:

«من در نزدیکی امام حسین علیه السلام ایستاده بودم که او جان می داد. سوگند به خدا که من در تمام مدت عمرم، هیچ کشته ای ندیدم که تمام پیکرش به خون خود آغشته باشد و چون حسین علیه السلام صورتش نیکو و چهره اش نورانی باشد. به خدا سوگند لمعات نور چهره او، مرا از تفکر در کشتن او باز می داشت!»(۲)

امام حسین علیه السلام در آن حالت های سخت، چشمان خود را به آسمان بلند نموده، در دعا به درگاه حضرت حدیث عرض کرد: «صبراً علی قضائک یا رب لا اله سواک یا غیاث المستغیثین»(۳)؛ «شکیبا هستم بر تقدیرت و بر فرمان جاری توای پروردگار من! معبودی جز تو نیست ای پناه پناه آورندگان!»

وقتی امام حسین علیه السلام را با تیر زدند، کف دست خود را از خون خویش پر کرد و بر سرو روی خویش ریخت و فرمود: [می خواهم]

۱- فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۷۰.

۲- مقتل مقرم، ص ۳۲۹ و ۳۳۰؛ لمعات الحسین، ص ۹۲.

۳- مقتل مقرم، ص ۳۳۱؛ اسرار الشهاده، ص ۴۲۳.

خدا را این گونه آغشته به خون ملاقات کنم». (۱)

همه اصحاب و یاران حضرت نیز مانند آن بزرگوار عاشقانه و آگاهانه به استقبال شهادت شتافتند و صحنه های بدیعی از حماسه و عرفان آفریدند؛ شجاعان رشیدی چون: ابوالفضل العباس، علی اکبر، قاسم بن حسن، حبیب بن مظاهر و....به عنوان نمونه در شب عاشورا مسلم بن عوسجه گفت:

«سوگند به خدا، اگر بدانم که کشته می شوم، سپس زنده گشته، باز کشته می شوم و آن گاه مرا بسوزانند و خاکسترم را بر باد دهند و هفتاد بار با من چنین کنند تا در کنار تو جان دهم، هرگز از تو جدا نمی شوم».(۲)

زهیر بن قین نیز در مقابل تهدید شمر گفت:

«آیا مرا از مرگ می ترسانی؟ به خدا سوگند، مرگ برای من، ارزشمندتر از زیستن با شما است».(۳)

۱- لهوف، ص ۱۲۴، بحارالانوار، ج۴۴، ص ۵۴.

۲- ارشاد مفید، ص ۳۱۵.

۳- تاریخ طبرسی، ج۲، ص ۳۲۰.

دو. مظاهر و تجلّیات قیام مهدوی

اشاره

یکی از پیونـد ها و اشتراکات نهضت حسـینی و انقلاب مهدوی، همسانی و همگونگی مظاهر و جلوه های حماسـی عرفانی آن دو است؛ یعنی، این دو قیام، مظهر اتم و اکمل خـدا محوری، حقّ خواهی، قیام به حق، عزّت منـدی، اقتـدار و ظفرمنـدی است. پیروزی از آن هر دو است؛ چه اینکه نهضت خونین عاشورا، پیروزی واقعی را از آن خود کرد و پس از مـدتی طومار امویان را در هم پیچیـد و جـان ها و دل های آزادگان را حرارت و روشـنی بخشـید. قیام مهـدوی نیز در تمام ابعاد و محور های انقلاب، پیروز و غالب خواهـد بود و با شـکست و نابودی تمامی دشـمنان حقّ و اعـداء الله، زیبایی ها، فضـیلت ها، نیکی ها، خوشـی ها و ... را تحقّق خواهد بخشید.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهراتمّ اسـمای الهی و خاتم الاوصـیاء است و همه فضایل و ویژگی های پیامبران و صالحان در او بروز و ظهور می یابد. نتیجه و ثمره برنامه ها و آرمان های انبیا و اوصیا، در عصر او

و به دست او ظاهر می شود. او ذخیره و بقیّه الله بر روی زمین و میراث دار رسولان و امامان است. او در هم شکننده صولت و قدرت جبّاران و گردن کشان و نابود کننده دشمنان خدا و ستمگران و جنود شیطان است.

عصر ظهور و حاکمیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عصر ایمان، نورانیت، عدالت، عقلانیت، حقیقت و عبودیّت است و دوران او، دوران ظهور مهر و قهر الهی به نحو کامل است. قهر وغضب خداوند بر دشمنان و مهر او به مستضعفان و صالحان، در وجود مبارک امام علیه السلام جلوه گر است. جامعه جهانی در آن زمان، جامعه ای است که غرق در فساد و تباهی است؛ ظلم و ستم بیداد می کند و طاغوتیان و شریران بر جان و مال مردم مسلّط می شوند. اخلاق رذیله و رفتار های گناه آلود شیوع یافته و تبعیض و ناامنی، خونریزی و... جهان را فرا می گیرد. عدالت و معنویت کم فروغ گشته و ظلمت و جهالت مدرن گسترش می یابد و....

رفع همه این کاستی ها و مشکلات و اصلاح امور، نیاز به یک دگرگونی واقعی در روحیات واخلاق مردم و انقلاب توفنده علیه صاحبان زر و زور و تزویر (گروه باطل) دارد.

تا انقلابی در دل ها و قیامی علیه شرّها، صورت نگیرد، مشکلات بشر باقی خواهد ماند و او رنگ آرامش، آسایش و تعالی را نخواهد

دیـد. امّـا بـا لطف و عنایـات الهی و قیـام فراگیر و گسترده حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و اقـدامات تبلیغی و هـدایتی او، انسان ها به رشـد فکری و اخلاقی خواهنـد رسـید و تمامی موانع شـکوفایی و بالندگی روحی و مادی آنان، از بین خواهد رفت.

برای قیـام علیه همه شـرور و مفاسـد و انقلاـب علیه همه مفسـدان و جبّاران، بایـد قـاطع، توانا، مقتـدر و با صـلابت بود و برای اصـلاح جـامعه انسـانی و تغییر رفتـار ها و پنـدار ها نیز بایـد مهرورز و با عطوفت بود و با اقـدامات فرهنگی و تبلیغی و تربیت و تعلیم، بر دل ها حکومت کرد. این امر در عصر ظهور، به طور کامل بروز یافته و جامعه آرمانی اسلام شکل خواهد گرفت.

قیام مهدوی، در امتداد نهضت عاشورا و جلوه کامل و گسترده ای از آن خواهد بود؛ از این رو دارای تجلیات و مظاهر حماسی عرفانی مشترکی با آن است.

حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف حجّت خدا، خاتم اوصـیا، رهایی بخش امّت، مهدی منتظر، باعث، وارث، خلف صالـح، قائم به حقّ، مظهر دین، دادگستر، بقیه الله، صاحب الزمان، صاحب شمشـیر، امام منتظر و برپادارنده حکومت عدل الهی و ... است. (۱)

۱- ر.ک : بحار الانوار، ج ۵۱،ص ۱۳؛ کشف الغمه، ج ۳،ص ۲۵۶و۳۰۹؛ منتخب الاثر، ص ۲۵۶ و ۳۴۵ .

او یکتـا مظهر و مصـداق این اسـامی و القاب شـریف است و هرگز احـدی در اینها با او شـریک نیست. او ثمره مقـدس شـجره نبوت، عصاره دودمان امامت، خلف شایسـته محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم و علی علیه السـلام است. پرچم حقّ به دست با کفـایت او است که هر کس به او چنـگ زنـد، نجـات می یابـد و هر کس تخلّف کنـد، هلاک می شود... .(۱) «پایان تاریخ» شاهد ظهور و بروز این اوصاف و ویژگی ها است.

این مظاهر و تجلیا ت را می توان بر اساس اوصاف و ویژگی هایی که برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر شمرده شده، تبیین و بررسی کرد. امام رضا علیه السلام در یک حدیث طولانی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین توصـیف می کنـد: «... یکون اعلم النـاس و احکم النـاس و اتقی النـاس و احلم النـاس و اسـخی الناس و اعبـد الناس... تکون رائحتها اطیب من رائحه المِسْکِ ویکونُ دعاؤه مُستجاباً حتّی أنّه دَعا علی صـخرٍ لانشـقّت بنصفین»(۲)؛ «او دانـا ترین مردمان، حکیم ترین آنان، پرهیزگار ترین ایشان، بردبار ترین مردمان، سـخی ترین آنان و عابـد ترین همگان است. عطر وجودش از هر مشکی خوشبو تر است. دعایش همواره به اجابت می رسد. اگر در مورد سنگی دعا کند، از وسط به دو نیم می شود...».

البته از آنجایی که ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابعاد جهانی و

۱- ر. ک : یوم الاخلاص، ج ۱، ص ۰۹ ؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱ ؛الغیبه طوسی، ص۱۶۴.

۲- الزام الناصب ص ۹ ؛ یوم الخلاص، ج ۱، ص ۱۳۲.

گسترده تری دارد؛ ویژگی ها و ظهورات خاصّی هم خواهد داشت و جلوه های حماسی و عرفانی آن، کامل تر و عام تر خواهد بود.

در نهایت باید دانست که مصاف نهایی حق و باطل، بایسته ها و الزامات خاصّ خود را دارد و برای پیروزی در آن، نیاز به امکانات و توانایی ها و قدرت ویژه و فراوانی هست. نتیجه و ثمره پیروزی در آن نیز، بسیار گستر ده و فراگیر بوده و جلوه ها و ظهورات کامل تر و درخشان تری دارد.

ابعاد حماسی عرفانی این مظاهر و ویژگی ها، در امتداد ظهورات و زیبایی های عاشورا است و وجود آنها به طور اتم و اکمل برای غلبه و چیرگی حقّ بر باطل و نور بر ظلمت، بایسته و ضرور ی است.در اینجا به بعضی از این اوصاف و ویژگی ها اشاره می شود:

۱-۲. قائم بامر الله

یکی از ابعاد مهم و برجسته قیام مهدوی، الهی بودن آن و تحقق و ظهور کامل عبودیت و حاکمیت آیین یکتا پرستی در آن است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بقیه الله، وجه الله، ولیّ الله، خلیفه الله، عین الله، حجّه الله، الخاشع لله و القائم بامر الله است؛ یعنی، وجود آن حضرت دارای چند بعد عرفانی و اخلاقی بر جسته و آشکار است:

الف. ارتباط و پیوند ویژه با باری تعالی؛

ب. مجلا و مظهر کامل اسماء الله؛

ج. احیاگر و بر پا دارنده دستورات الهی و تعالیم دینی؛

د. تحقّق بخش عبودیت و یکتا پرستی.

بر اساس این اشاره، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مظهر نورانیت جهان و زداینده ظلمت و شیطنت است؛ یعنی، ریشه کنی تمامی نمود های باطل بر اساس خداگرایی و خدا محوری. در روایات به زیبایی این مسئله مورد توجّه قرار گرفته است:

«مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر خداوند و جلال الهی، بسیار فروتن است؛ همچون عقاب، به هنگامی که بال خویش فرو گشاید (خاشع لله کخشوع النسر لجناحه(۱)) و سر به زیر انداخته از اوج آسمان فرود آید. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر جلال خداوند، چنان خاشع و قروتن است که شیشه در برابر آتش خضوع دارد (المهدی خاشع لله کخشوع الزجاجه) (۲). خدا و عظمت او در وجود او متجلّی است و همه هستی او را در خود فرو برده است.(۳)

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عادل است و خجسته و پاکیزه. او ذرّه ای از حق را فرو نگذارد. خداوند دین اسلام را به دست او عزیز گرداند... همواره بیم خداوند را به دل دارد و به مقام تقرّبی که در نزد خدا دارد،

۱- الملاحم و الفتن، ص ۵۸؛ الامام المهدی، ص ۹۷ .
۲- المهدی، ص ۲۶۶؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۷.
۳- المهدی الموعود، ج ۱ ص ۲۸۱ و ۳۰۰ .

مغرور نمی شود(۱).

امام رضا علیه السلام می فرماید: «یکون اولی بالناس من انفسهم و اشفق علیهم من آبائهم و امّهاتهم و یکون اشدّ الناس تواضعا لله و یکون آخذ الناس بما یأمر به واکف الناس عمّا ینهی عنه»؛(۲) «او برای مردم از خودشان اولی تر، از پدر و مادر شان مهربان تر و در برابر خدا از همه متواضع تر است. آنچه به مردم فرمان دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می کند و آنچه مردم را از آن نهی کند، خود بیشتر از همگان از آن پرهیز می کند».

می بینم آنکه کاخ سعادت بنا شده است

مهدی ظهور کرده، عدالت به پا شده است

می بینمش که آمده است، آن طبیب عشق

و آن زخم های کهنه عالم دوا شده است

می بینم آن زمان، که زمان عدالت است

آنجا بشر به عشق خدا آشنا شده است

یکرنگی و صفا، همه جا موج می زند

دیگر زمان، زمانه بی رنگ ها شده است

می بینم آن زمان همیشه بهار را

کز خرّمی جهان بشر با صفا شده است

فکر گناه و کبر و ریا رفته از میان

وقت صداقت و عمل بی ریا شده است

امام کاظم علیه السلام در باره او می فرماید:

«... بأبی من لا یأخذه والله لومه لائم، مصباح الدجی بأبی القائم بأمر الله(۳)»؛ «... پدرم فدای کسی که در راه خدا سرزنش ملامت گران در

۱- خورشید مغرب، ص ۳۰ .
۲- الزام الناصب، ص ۱۰؛ یوم الخلاص، ج ۱،ص ۱۲۹.
۳- بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۸۰.

او تأثیر نمی گـذارد. او چراغ هـدایت در تاریکی های مطلق است. پـدرم فـدای کسـی که به امر خدا قیام می کند (بأبی القائم بأمر الله). او ماه تابانی است که بر سراسـر گیتی غلبه می کند و کلمه توحید را در سراسـر جهان کامل و حاکم می سازد (تمّت کلمه الاخلاص لله علی التوحید(۱)). هنگامی که قیام می کنـد، جز خدای تبارک و تعالی پرستیده نمی شود (اذا قام القائم، لم یعبد الا الله عزّ و جلّ (۲)). در زمان او امر خداونـد برتری داده شـده و دین خدا ظاهر می گردد (یعلی امر الله و یظهر دین الله)؛ به همین جهت آن حضـرت نماد و مظهر کامل دین خواهی و بر پادارنده شـریعت است (هو القائم بالحقّ و المظهر للّدین (۳)). به یقین با ظهور نور خداونـد بر روی زمین (تشـرق الارض بنور ربّها(۴))، تمامی مظاهر و جلوه های شـرک، کفر، نفاق، فساد، ظلمت و... به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر چیده خواهد شد.

۲-۲. عزیز و آزاد مردم

همان گونه امام حسـین علیه السـلام مظهر عزّت و افتخار بود و زیر بار بیعت و سازش با طاغوت زمان نرفت، امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در اوج عزّت و

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۶۸؛ کفایه الاثر، ص۲۱۳.

۲- منتخب الاثر، ص ۵۸۷، ج ۲ .

۳- منتخب الاثر، ص ۴۶۷ ؛ اعلام الوری، ص ۴۰۰.

۴- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵،ح ۳۱؛ اعلام الوری، ص ۳۹۱.

سربلنـدی زنـدگی می کند و جلوه گاه تام و تمام افتخار و عزّت مندی است؛ به طوری که در هیچ وقت و برهه ای، بیعت هیچ ستمگر و ظالمی را بر عهده ندارد و آزاد و سر افراز از همه قید و بند ها است. براساس روایات فراوان، قائم علیه السلام قیام می کند، در حالی که بیعت هیچ کس بر عهده او نخواهد بود (یقوم القائم و لیس فی عنقه بیعه لأحد(۱)).

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «یقوم القائم علیه السـلام و لیس لأحـد فی عنقه عقـد ولا عهد و لا بیعه»؛(۲) «قائم زمانی که قیام کند، بیعت، پیمان و عهد هیچ کس را بر گردن ندارد».

امام حسن مجتبی علیه السـلام فرموده است: «اما انه ما منّا احـد الاّ و یقع فی عنقه بیعه لطاغیه زمانه الاّ القائم»؛(۳) «هر یک از ما]مطابق حکمت خدا[در گردنش برای طاغوت زمانش بیعتی هست، به جز قائم علیه السلام».

رهبر و امامی که وظیفه مبارزه نهایی با گروه باطل و نابودی طاغیان و جبّاران را بر عهـده دارد، از هر قیـد و بندی آزاد است و هیـچ گردنکش و سـتمگری بر او امر و نهی نمی کنـد و تسـلّط نـدارد. چنین امامی بر اوضاع و احوال زمان ها آگاه است و در اوج عزّت و حریّت زندگی می کند. بعد از قیام خود نیز این عزّت وآزادگی را به

۱- منتخب الاثر، ص ۳۵۷، ج ۱ .

۲- منتخب الاثر، ص ۳۵۷، ج ۲ ؛ الغیبه نعمانی، ص ۸۹ و ۱۰۰.

۳- احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵.

همه ارزانی خواهـد داشت و دشـمنان حق را ذلیل خواهد کرد. خود آن حضـرت در توقیع شـریف می نویسد: «انّی اخرج حین اخرج و لاـ بیعه لاحـد الطوغیت فی عنقی (۱)»؛ «من وقتی که قیـام می کنم، بیعت هیـچ یـک از طـاغوت های زمانه در گردنم نیست».

آن حضرت نه تنها، زیر بار بیعت هیچ حکومت ظالمانه و جابرانه ای نرفته و در اوج عزّت و افتخار زندگی می کند؛ بلکه خود عزیز کننده اسلام و مسلمین و خوار کننده دشمنان است؛ چنان که در دعای افتتاح از خداوند می خواهیم:

«الهم انـا نرغب الیـک فی دوله کریمه تعزّ بهـا الاسـلام و اهله و تـذلّ بهـا النفاق و اهله»؛ «خـدایا! از تو امیـد داریم که دولت با کرامت امام زمان را به ظهور آوری و اسلام و اهلش را با آن عزّت بخشی و نفاق و اهل آن را ذلیل و خوار گردانی».

در دعای ندبه نیز امام زمان علیه السلام را چنین خطاب می کنیم:

«این مُعزّ الاولیاء و مُذلّ الاعداء»؛ «کجاست آن عزّت دهنده دوستان و خوار کننده دشمنان».

همچنین می گوییم: «این قاصم شوکه المعتـدین»؛ «کجاست آن حاکم قدرتمندی که شوکت و عزّت تجاوزگران را در هم می شکند».

۱- احتجاج، ج۲، ص۴۶۹؛ الغیبه طوسی، ۲۹۰.

۳-۲. جهاد گر و قیام کننده به حقّ

مرحله سرنوشت ساز حیات طیّبه بشری، با حضور و ظهور امام معصوم علیه السلام شروع می شود. در این مرحله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پرده غیبت بیرون می آید و ظهور می کند. او قیام علیه جبهه کفر و باطل را رهبری می کند و با تمام توان و قدرت و با یاری صالحان و حق جویان، به مصاف نهایی با جنود شیطان می رود.

یکی از مباحث قابل توجّه درباره قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، وقوع آن در روز عاشورا است؛ یعنی، انقلاب مهدوی، نهضتی عاشورایی و حسینی و علیه تمام یزیدیان و طاغوت های زمان است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «کأنّی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام و بین یدیه جبرئیل ینادی: البیعه لله فیملأها عدلاً کما ملئت ظلما و جوراً (۱)»؛ «گویا حضرت قائم علیه السلام را می بینم که روز عاشورا روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می کند: بیعت برای خداوند است. پس زمین را پر از عدل می کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود».

جبهه مبارزه و جهاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه زمین را در برمی گیرد. از مکه و سرزمین نور و ایمان شروع می شود و با فتح کشورهای غیر اسلامی و غیر مذهبی، پایان می یابد و همه مردم روی زمین را در

۱- الغیبه طوسی، ص ۴۵۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.

برابر اسلام و آیین یکتاپرستی، تسلیم می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «لا تقوم الساعه حتی یقوم قائمٌ للحق منّا و ذلک حین یأذن الله عزوجّل له و من تَبِعَه نجا و من تخلف عنه هلک...»(۱)؛ «قیامت برپا نمی شود جز هنگامی که قائمی از ما بر حقّ قیام می کند و این هنگامی است که خداوند اذن ظهور می دهد. کسی که از او پیروی کند، نجات می یابد و کسی که از او تخلف کند، هلاک می شود...».

همچنین فرمود: «... و ینادی منادٍ من السماء: اَلا ـ اِنّ فُلاناً بن فلان هو المهدی قائم آل محمد، فاسمعوا له و اطیعوا و ذلک الصوت صوت جبرائیل حین یدعو للبیعه فی صبیحه یومَ الخلاص(۲)»؛ «... منادی از آسمان ندا می کند که فلانی پسر فلان، مهدی و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. به فرمان او گوش فرا دهید و از او اطاعت کنید. این صدا، ندای جبرئیل خواهد بود که در بامداد روز رهایی، در میان آسمان و زمین این چنین ندا خواهد کرد».

مصلح نهایی در این دوره، همه موانع رشد و کمال انسان ها را با قدرت نابود می کند و متناسب با عظمت و بزرگی کار و هدفی که در نظر دارد، مبارزه و جهادی عظیم و گسترده تدارک می بیند و چون

۱- عیون الاخبار، ج ۲، ص ۵۹؛ منتخب الاثر، ص ۱۴۳.

۲- کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۰ و ۲۷۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

اجرای عـدالت اجتمـاعی دقیق و واقعی و برقراری حاکمیت مستضـعفان و قطع دست مسـتکبران مالی، سیاسـی و نظامی و کنار زدن آنـان از کلیه مراکز قـدرت اجتمـاعی، کـاری بس عظیم و بزرگ است و نـابودی تمـام منابع قـدرت اجتماعی، اقتصادی، سیاسـی و نظـامی را در گـام هـای نخست لازم دارد و این چنین انقلابی، به سادگی و بـدون کارشـکنی های بزرگ و مخاطره آمیز و ویرانگر انجـام نخواهـد یافت.بنـابراین تنهـا با حرکت نظامی و نیروهای بزرگ، می توان به مقصـد اصـلی دست یافت و چون هـدف هر چه والاتر و بزرگ تر و جهانی تر باشـد، مبارزه و جهادی بزرگ تر و خسـتگی ناپـذیرتر لازم دارد و هدف از قیام و انقلاب امام قائم، عظیم ترین آرمان و هدفی است که همه پیامبران و مصـلحان دلسوز در سر داشتند. از این روز این قیام همراه مبارزه و جهادی عظیم تر و خروشان تر از همه درگیری ها و جهادهای حق طلبانه تاریخ خواهد بود(۱).

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «بابی ابن خیره الاماء یعنی القائم من ولده یسومهم خسفاً و یسبقهم بکأس مصبره و لا یعطیهم الا السیف هرجاً...»(۲)؛ «... پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان یعنی امام

۱- عصر زند گی، ص ۶۶.

۲- الغیبه نعمانی، ص۲۲۹؛ بحارالانوار، ج۴۱، ص۳۴۸.

قائم که ظالمان و بدکاران را خوار و ذلیل خواهد کرد و جام زهرآگین به کامشان خواهد ریخت و با شمشیر، با آنان برخورد خواهد کرد».

به همین جهت امام جواد علیه السلام می گوید: «ما منّا الا و هو قائم بامر الله عزوجّل و هاد الی دین الله و لکنّ القائم الذّی یُطهّر الله به الارض من اهل الکفر و الجحود و یملأها عدلاً و قسطاً هو الذی تخفی علی الناس و لادته... (۱)»؛ «هیچ کس از خاندان ما نیست، جز اینکه او قیام به امر خدا کرده و به سوی دین الهی هدایت می کند؛ ولی آن قائمی که خداوند زمین را به وسیله او از اهل کفر و انکار پاک و مطهّر می گرداند و آن را پر از عدل و قسط می کند، آن کسی است که ولادتش مخفی بوده است...».

۴-۲. امام منصور

یکی از ویژگی ها و جلوه های خیره کننده قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یاری و نصرت خداوندی از آن است. از روایات مختلف استفاده می شود که به هنگام ظهور، رعب و خوف او در دل های سپاه کفر و نفاق می افتد و وقتی آن حضرت قصد جایی را می کند، دشمن پیشاپیش دچار وحشت می شود؛ به صورتی که توانایی ایستادگی و مقاومت در برابر سپاهیان حق را از دست می دهد.

۱- کمال الدین، ج۲، ص۳۷۸.

همچنین از مزایا و ویژگی های بارز آن حضرت این است که علاوه بر عنایات و تأییدات مستقیم الهی، ملائکه آسمان و فرشتگان نیز به یاری او می شتابند و این چیزی است که برای پیامبر اسلام واقع شده؛ ولی برای امامان معصوم و دیگران صورت نگرفته است.

بر این اساس امدادهای الهی، گاهی در قدرتی است که خداوند به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داده است که با انجام کراماتی، مشکلات را از سر راه برمی دارد و یا به وسیله رعب و ترسی است که خداوند در دل دشمن ایجاد می کند و یا اینکه خداوند ملائکه را به یاری حضرت می فرستد. در بعضی از روایات سخن از نیروهایی است که دارای خصوصیات فرشتگان بوده و منتظر حضرت هستند تا او را یاری کنند و... .(۱)

رسول خدا فرموده است: «و ینصره بالرعب فیملأ الارض قسطا و عدلا... (۲)»؛ «خداوند او را با رعبی که در دل های مخالفان می افکند، یاری می کند؛ پس زمین را از عدل و داد آکنده می سازد...».

امام باقر علیه السلام فرمود: «القائم منا منصور بالرعب مؤیّد بالنصر تطوی له الارض... (۳)»؛ «قائم ما یاری شده با سپاه ترس و تأیید شده به وسیله نصرت الهی است. زمین برای او در هم پیچیده می شود».

۱- ۱. ر. ک . آینده جهان، صص۱۹۲ – ۱۹۴؛ چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۲- ۲. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۸.

۳- ۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳، ج ۱۶.

امام صادق علیه السلام درباره آن حضرت می فرماید: «... یؤیّده بِثلاثهِ اجناد: بالملائکه و المؤمنین و الرعب و خروجه کخروج رسول الله ...»(۱)؛ «[خداوند] او را با سه سپاه تأیید و یاری می کند: فرشتگان، مؤمنان و ترس (رعب در دل دشمنان)و خروج او، مانند خارج شدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است».

از پیامبر اکرم نقل شده است: «تظهر دینَ الله ویُؤیّد بنصرالله وینصر بملائکه الله ...»؛ «دین خدا را در جهان آشکار می کند. با نصرت و یاری الهی تأیید و با فرشتگان پروردگار پشتیبانی خواهد شد». امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «لو قد قام قائم آل محمد لنصره الله بالملائکه (۲)»؛ «اگر قائم آل محمد قیام کند، خداوند او را با فرشتگان یاری خواهد فرمود».

همچنین فرمود: «گویی قائم را در نجف کوفه می بینم که با پنج هزار فرشته، از مکه به سوی نجف شتافته، جبرئیل از دست راست و میکائیل از سمت چپ و شعیب بن صالح در پیشاپیش و مؤمنان در اطراف او حرکت می کنند. او سپاهیانش را در شهرها پخش می کند؛ قسطنطنیه، چین و کوه های دیلم را فتح می کند... (۳)».

۱- ۴. الغیبه نعمانی، ص ۱۹۸، ج ۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶، ج ۱۹.

۲- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۰۵ و ۵۰۶.

۳- ارشاد مفید، ص ۳۴۱ ؛ منتخب الاثر، ص ۳۱۲.

بر این اساس یکی از مظاهر و جلوه های قدرت خداوندی، نصرت و یاری ویژه او از خلیفه و حجتش بر روی زمین و در جهت پیروزی و غلبه نهایی بر کفر و شرک و ستم است.

۵-۲. قائد عادل

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر و مجلای اسم عادل خداوند و ظاهر کننده و آشکار سازنده عدالت، دادگری، قسط و عدل الهی بر روی زمین است. او رهبری عادل (القائد العادل) و گسترش دهنده عدالت (الباسط العدل) است و چنان عدل و دادی از آن حضرت دیده می شود که بشر تاکنون مثل آن را ندیده و نشنیده است.

او خود، مظهر و نماد کامل «عدل» است و به دست او گرمی و حرارت عدالت بر دل ها، جان ها، خانه ها، شهر ها و فکرها نفوذ می کند و جامعه آرمانی اسلام شکل می گیرد.

این خصوصیت و ویژگی امام زمان (آکنده ساختن جهان از عدل و داد)، چنان است که گویا از تمام خصایص و مزایای آن حضرت، مشهورتر و نمایان تر است و به مجرد ذکر جمله «یملأ الله الارض قسطا و عدلا ...»، فوری برای شنوندگان، امام زمان تداعی می شود. شاید رمز آن، کثرت تکرار این مطلب و واژه در اخبار شیعه و سنی است. به طوری که صاحب منتخب الاثر می گوید: ۱۴۸ حدیث متضمن این نکته است. در روایت مشهور از نبی اکرم نقل شده است:

«لم تنقض الایّام و اللیالی حتی یبعث الله رجلا- من اهل بیتی یُواطی اِسمُه اِسمی یَملأ الارضَ عدلاً و قسطاً کما مُلئت ظلماً و جوراً»(۱)؛ «روزگار به پایان نمی رسد تا اینکه خداوند مردی از خاندان من را که هم نام من است برمی انگیزد؛ او زمین را پر از عدل و داد می کند؛ چنان که پر از ظلم و جور شده است».

نکته بسیار قابل توجه آنکه این عدل فراگیر و جهانی، مقتضای آن ظلم ها و ستم های جهانگیر و عمومی است که همه جا را فرا گرفته و کام همه را تلخ ساخته است.روزگاری بر بشر می گذرد که ظلم، اجحاف، تعدّی و تجاوز به حقوق هم و ناپاکی و نادرستی همه را به ستوه آورده است و همگان در آه و ناله از دست یکدیگرند. چنین وضع آشفته و رنج باری که عمدتا از ناحیه طاغوتیان، جباران، حاکمان جائر و ستمگر بر مردم تحمیل می شود، خود به خود روزگاری را می طلبد که عدل و پاکی و تقوا بر سر آن جامعه پرتو اندازد و حلاوت عدل و عدالت کام همه را شیرین بسازد.(۲)

حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسین علیه السلام که در راه تحقق عدالت و معنویت شهید گردید فرمود: «التاسع من ولدک یا حسین هو القائم بالحق و المظهر للدین و الباسط للعدل...» (۳)؛

۱- ۱. الفصول المهمه، ص ۳۰۹.

۲- ۱. علی کریمی جهرمی، خصائص الحجه، نشریه شمس ولایت، سال ۸۲، ص ۷۵.

۳- ۲. منتخب الاثر، ص ۴۶۷؛ بشاره الاسلام، ص ۵۲؛ اعلام الوری، ص ۴۰۰.

«نهمین فرزند تو ای حسین! قائم به حق است. دین را آشکار می سازد و عدالت را در روی زمین می گستراند». شخصی از امام صادق علیه السلام درباره سلطان عادل پرسید؛ آن حضرت ضمن برشمردن امامان معصوم، به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفاشاره فرمود: «السلطان العادل... هو سلطان بعد السلطان الی ان ینتهی الی السلطان الثانی العشر(۱)». همچنین درباره آن حضرت آمده است: «القائد العادل الحافظ لما الستودع(۲)»؛ «رهبری عادل و نگهبان آنچه که به او امانت داده شده است».

دولت آن حضرت بر رفع ظلم و ستم و حکومت عادلانه استوار است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «اذا قام حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور وامنت به السبل... (۳)»؛ «چون مهدی قیام کند، به عدالت داوری می کند و در زمان او ستم ریشه کن می شود و راه ها امن می گردد». در روایت بسیار زیبایی آمده است: «اما والله لیدخلنّ عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحرّ و القرّ»(۴)؛ «بدانید به خدا سوگند! همان طور که سرما و گرما به خانه مردم نفوذ می کند، عدالت او به درون خانه هایشان راه می یابد» و نیز: «یحییها بالقائم فیعدل فیها فیحی الارض

۱- ۱. منتخب الاثر، ص ۳۶۵، ج ۱۶.

۲- ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹، ج ۱۵۸.

۳- ۳. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵؛ ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۴- ۴. الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۷، ج ۱؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۴، ج ۵۲۹.

بالعدل بعد موتها بالظلم(۱)»؛ «خداوند زمین را به واسطه قائم زنده می کند؛ پس او در آن عدالت می ورزد و در نتیجه زمین با عدالت او حیات می یابد، بعد از آنکه با ستم ظالمان مرده بود». همچنین در روایتی آمده است. «فیریکم کیف عدل السیره(۲)»؛ «به شما نشان خواهد داد که سیرت عدل و حکومت عادلانه چگونه است».

تصویر رخ ماه تو، در قاب دل ماست

فردوس ولای تو تماشاگه گلهاست

سلطان مسیحا نفس کشور عدلی

الطاف کریمانه تو شهد مهنّاست

آوازه فضل تو بهین نامه هستی

آیات خداوند زرخسار تو پیداست

انوار نگاه تو، همه صلح و کرامت

خورشید کلامت به جهان گوهر یکتاست

زیبنده ترین جلوه هستی است وجودت

فیض نظر تو، به جهان آیه زیباست

از حسرت دیدار تو اندر تب و تابیم

تسنیم ملاقات تو احیاگر جانهاست

۶-۲. صاحب قدرت و شجاعت

دو ویژگی و جلوه بارز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «قدرت و توانایی کم نظیر» و «شجاعت و اقتدار منحصر به فرد» است. او قائم بالسیف، صاحب السیف، صاحب رایت محمدی و دارنده صولت علوی است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر گروه باطل و جنود شیطان، با قدرت، اقتدار و شجاعت کامل ظاهر می شود و در راه و کار خود، سازش پذیر و خائف نیست. او در اجرای احکام و تعالیم دینی و مبارزه با

۱- ۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۸، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

۲- ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

ظالمان و حق گریزان، قاطعیتی شگرف دارد. او مظهر عطوفت، رحمت و مهر الهی است و با بندگان صالح خدا و مظلومان و مستضعفان، با شفقت و دلسوزی رفتار می کند؛ در عین حال مظهر خشم و غضب الهی بر فاسدان و ظالمان نیز هست و بدین جهت با دشمنان خدا با شدّت و قدرت برخورد می کند.

اگر این شدت و اقتدار نباشد، امکان ریشه کنی ظلمت، جهالت، جنایت و رذالت وجود نخواهد داشت و صاحبان زر و زور و تزویر باز میدان دار و یکه تاز خواهند بود. در احادیث آمده است: «از شمشیر برنده و اراده قاطع امام و یارانش، همه اهریمنان می هراسند و ترسی گران بر روان دژخیمان خون آشام سایه می افکند و لرزه بر اندام خودکامگان و طاغوتیان می افتد». درباره ظهور آن حضرت آمده است: «یظهر صاحب الرایه المحمدیه والدوله الاحمدیه القائم بالسیف و الحال... (۱)»؛ «صاحب رایت محمدی و بنیانگذار دولت احمدی ظهور می کند؛ در حالی که شمشیر در دست دارد».

امام صادق علیه السلام فرمود: «کلنا قائم بامرالله واحد بعد واحد؛ حتی یجیء صاحب السیف فاذا جاء صاحب السیف جاء بامر غیر الذی کان»؛ (۲) «همه ما قائم به امر خداییم، یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر

۱- ۱. منتخب الاثر، ص ۲۱۰، ج ۵۱؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۴۸۸.

۲- ۲. کافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ج ۲؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۹.

بیاید.وقتی صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه هست، می آورد».

آن حضرت همچنین فرمود: «لو قد قام القائم ما احتاج الی مُسائلتکم عن ذلك و لأقام فی کثیر مِنکم من اهل النفاق حدَّ الله»؛ (۱) هنگامی که قائم قیام می کند، نیازی ندارد که از شما درخواست یاری کند و نسبت به بسیاری ازمنافقان حدّ الهی را جاری می سازد».

اینها درباره اقتدار و سازش ناپذیری او با مفسدان و تبه کاران است و باید توجه کرد که آ ن حضرت از نظر قدرت بدنی و شجاعت نیز بی نظیر است. پیشوای ششم می فرماید: «یکون قویا فی بدنه، حتّی لو مَدّ یده الی اعظم شجره علی وجهِ الارض لقلعها و لو صاحَ بین الجِبالِ لتدکدکتْ صخورها»؛ (۲) «بدنش آن قدر قوی خواهد بود که اگر دستش را به سوی بزرگ ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر در میان کوه ها نهیب بزند، صخره هایش فرو می ریزد». درباره سپاهیان آن حضرت نیز آمده است: «یخرج بجیش لو استقبل به الجبال لهدمها و اتّخذَ فیها طریقاً»؛ (۳)«با سپاهی حرکت می کند که اگر با کوه ها رو به رو شوند، کوه ها را در هم می ریزند و از دل کوه ها راه بر می گزینند».

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۳۵؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۷۲.

۲- ۲. کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۱۴.

۳- ۳. بشاره الاسلام، ص ۱۸۳.

این بـدان معنا است که قیام حضـرت مهـدی و پیروزی او بر دشـمنان، نیاز به امکانات و توانایی های ویژه ای دارد و این امر به راحتی به دست نخواهد آمد.

مفضـل بن عمر می گویـد: در حضور امـام صـادق علیه السـلام شـنیدم که از حضـرت قـائم یـاد شـد؛ پس عرض کردم: همـانا امیـدوارم کـار ایشـان به آسانی صورت پـذیرد؛ فرمود: «آن امر صورت نمی پـذیرد تا اینکه عرق و خون بسته شـده را برطرف سازید(۱)».

۷-۲. ظلم ستیز و ستم سوز

در قسـمت های پیشین اشاره شد که یکی از ویژگی های برجسته امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبارزه بی امان او با ظلم و ستم و بیداد گری است. در واقع عصر ظهور، دوران ریشه کنی ظلم و جور و نابودی ستمگران و جباران است.

آن حضرت نه تنها ریشه بیداد را می کند؛ بلکه زمینه ها و بسترهای آن را نیز از میان برمی دارد و جهان را از لوث این کژتابی و کج روی پاک می سازد. او تمامی حاکمان جائر و ستمگر را برکنار می کند و قدرت های جور را در هم می شکند... .

از آنجایی که پیش تر در این باره بحث شده، تنها به بعضی از

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.

روایات مربوط اشاره می شود. امام رضا علیه السلام می فرماید: «الرابع من ولدی ابن سیده الاماء یطهّر الله به الارض من کلِّ جور و یُقدّسها من کلِّ ظلم...»؛(۱) «چهارمین فرزند من پسر بانوی کنیزان است که خداوند به وسیله او، روی زمین را از هر گونه ظلم و ستم پاک و پاکیزه می گرداند».

امام صادق علیه السلام می فرماید: «یبید الظلم واهله یقیم الدین(۲)»؛ «ستم و ستمگران را ریشه کن می سازد و دین را استوار می دارد». در روایتی آمده است: «لیعزلَنَّ عنکم امراء الجور و لیطهِّرنَّ الارضَ من کل غاش(۳)»؛ «حکمرانان ستم پیشه را عزل می کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریب کار پاک می سازد». همچنین: «فاذا اراد الله عزوجل ان یعید الاسلام عزیزاً قصم کل جبار عنید...»؛ (۴) «هنگامی که خداوند اراده کند عظمت اسلام را بازگرداند،]به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف[همه ستمگران سرکش و عنود را هلاک می سازد».

۸-۲. پاک کننده زمین از شرک، فساد و نفاق

یکی از مشکلات همیشگی بشر که ناشی از شیطنت و اغواگری

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱؛ منتخب الاثر، ص ۲۲۰.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۴؛ منتخب الاثر، ۴۹۰.

۳- ۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۴- ۴. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۸۹۶.

ابلیس است وجود انواع شرها، رذایل و پلیدی های فکری، اخلاقی و عقیدتی است! اینها مبنا و خاستگاه جبهه باطل و زمینه ساز ظلمت، جهالت و دنائت است. ظهور و بروز این مشکلات در عصر امام حسین علیه السلام باعث انحراف در دین، بدعت، دنیا گرایی و خلافت فاسقان و بداندیشان بود که آن حضرت با قیام خونین خود، توانست تا حدی اسلام وجامعه مسلمین را از خطرات آن مصون نگه دارد. اما در عصر ظهور و قبل از آن، مشکلات یاد شده گسترده تر، شدیدتر و خطرناک تر خواهد بود و تا زمانی که از اساس و ریشه از بین نروند، جامعه بشری همچنان در تاریکی، فساد و رذالت خواهد ماند.

اینها نمودهای واقعی جبهه باطل و در جهت تحقّق حاکمیت شیطان است و تا زمانی که از بین نرونـد، امکان اصلاح جامعه، احیای دل ها! نجات بشر و گسترش فضیلت ها وجود نخواهد داشت؛ به همین جهت است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ریشه تمامی شرور و مفاسد را برخواهد کند و اهل نفاق و شرک و فتنه را سرکوب خواهد ساخت. در روایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عناوینی چون: کشنده فاجران (قاتل الفجره) و از بین برنده کافران (قاتل الکفره) و... معرفی شده است: «اوامیر امیران، قاتل تبه کاران، آقای دو جهان و... است». (۱)

آن حضرت هر کجا منکری را ببیند، آن را انکار می کند (لا یری

۱- ۱. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۱۲.

منکر الا انکره)(۱) و هر کجا شرکی ببیند، ریشه کن می سازد (حتی لا یکون شرک علی ظهر الارض). شر از جهان رخت برمی بندد (یذهب الشر) و خیر باقی می ماند (یبقی الخیر). (۲)خداوند به وسیله او فتنه های جانکاه را آرام و ساکن می سازد (یطفی به الفتنه الصماء و تأمن الارض) (۳) و باطل را ریشه کن می نماید (یحق الله به الحق و یزهق الباطل۱). در روی زمین کافری نمی ماند؛ جز اینکه ایمان می آورد و شخصی ناشایست نمی ماند جز اینکه به صلاح و تقوا می گراید (لا یبقی کافر الا امن و لا طالح الا صلح). (۴) خداوند به دست او زمین را از لوث کافران و منکرا ن پاک می کند (یطهّر الله به الارض من اهل الکفر و الجهود)(۵) و روح درّندگی و ستیزه جویی را از بین می برد (یذهب الزمان الکلب). او دشمنان خدا را هر کجا بیابد، طعمه شمشیر می سازد (یقتل اعداء الله حیث ثقفهم) و همه را درمانده و مستاصل می کند (ان للاعداء یومئذ الصِّلم و الاستئصال). (۶) در روی زمین کافری نمی ماند جز اینکه ایمان می آورد (لا یبقی کافر الّا امن) و شخص ناشایستی نمی ماند جز اینکه

۱- ۲. یوم الخلاص، ج ۷، ص ۹۱.

۲- ۳. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۰۲، ص ۶۱۹.

۳- ۴. یوم الخلاص، ج ۳، ص ۶۶۳، ۶۴۰.

۴- ۵. منتخب الاثر، ص ۶۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۵- ۱. الزام الناصب، ص ۶۸.

۶- ۲. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۵۹۶ و ۱۰۴۷.

به صلاح و تقوا می گراید (و الاطالحٌ الاّ صلح). (۱)

بدین ترتیب مصاف نهایی حق و باطل، با رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و به پیروی از امام حسین علیه السلام شکل می گیرد و حق پیروز و باطل نابود می شود.

۱- ۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰؛ منتخب الاثر، ص ۴۸۷.

ص: ۲۰۵

فصل ۵: مصاف نهایی حق و باطل (انقلاب جهانی مهدوی)

اشاره

ص: ۲۰۷

انقلاب سرنوشت ساز

انقلاب جهانی مهدوی و خیزش صالحان و مستضعفان عالم، علیه مستکبران و ستمگران، پدیده ای مهم و سر نوشت ساز است و تغییرات و تحولات بنیادینی را در کل جهان و در ارزش ها، باورها، تفکرات، سیاست، اجتماع و اقتصاد به وجود می آورد و باعث دگرگونی های اساسی، در بسیاری از ابعاد و زوایای زندگی بشری می شود. در این انقلاب شکوهمند، مسیر حرکت تاریخ تغییر یافته و در جایگاه اصلی خود قرار می گیرد و توده های عمومی برای رسیدن به جامعه موعود، تحت فرمان رهبری الهی، خیزش و نهضت فراگیری را شکل می دهند.

بر اساس روایات، انقلاب و حرکت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از فراهم شدن زمینه ها و آمادگی های منطقه ای و جهانی، از شهر مکه آغاز می گردد. با شروع قیام، از مناطق مختلف جهان (به خصوص ایران و یمن)، نیروهای انقلابی دست به کار شده و به یاری رهبری نهضت

می شتابند و در طول انقلاب بر تعداد یاران و گروه های مبارز و مجاهد افزوده می شود. در نهایت درگیری هایی بین انقلابیون و نظام های حاکم (در حجاز، عراق، شام، روم و...) رخ می دهد که منجر به شکست همه مخالفان انقلاب جهانی می گردد. قیام بعد از ۸ ۷ ماه کشمکش و نزاع، به پیروزی نهایی دست یافته و گروه های انقلابی و جهادی، بر کل جهان مسلّط می شوند.

این نهضت با وحدت، همراهی، انسجام و تعامل گروه ها و بخش های مختلف جامعه جهانی شکل می گیرد و پیروز می شود. در واقع این یک انقلاب بزرگ و کاملی است که در آن، شاهد مشارکت فعّال و نظام مند نهضت ها و جنبش های مبارز و پیروی و اطاعت آنان از رهبر قیام هستیم و با ساماندهی و بسیجی که صورت می گیرد، اجتماع بزرگی از صالحان، مستضعفان، شیعیان و موحّدان حق طلب و عدالت گرا به وجود می آید و تا این زمینه سازی و بسیج صورت نگیرد، امام مهدی، ظهور نخواهد کرد. در روایتی آمده است «لا یخرج القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف حتّی تکون تکمله الحلقه. قلت: کم تکمله الحلقه؟ قال عشره آلاف»؛ (۱) «امام صادق علیه السلام فرمود: تا حلقه (گروه) تکمیل نگردد، قائم خروج نمی کند. [راوی گوید:] پرسیدم: کامل شدن حلقه به چند نفر است؟ فرمود: ده هزار نفر».

۱- الغیبه نعمانی، ص ۳۰۷.

امام باقر علیه السلام فرمود: «فیخرج بالموالی و ضعفاء الناس فیسیرون الی النخیله باعلام هدیً فیکون مجمع الناس کلها بالفاروق»؛(۱) «شیعیان و مستضعفان خروج می کنند و با پرچم های هدایت به سوی نخلیه می روند. آن روز مردم در فاروق گرد می آیند». در این روایت تأکید بر حضور عمومی مردم (مجمع الناس) در منطقه مشخصی به نام فاورق شده است و اینان جمع نمی شوند مگر برای انقلاب.

با آغاز انقلاب جهانی مهدوی علیه السلام و دعوت عمومی، حق طلبان، صالحان و مردم رنجدیده و از همه جا مأیوس (مستضعفان)، گرداگردش حلقه می زنند و با او بیعت می کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح طلب جهان، برایش مجهّز می شوند و در تمامی صحنه ها و مصاف ها، به پیروزی دست می یابند.

در روایتی درباره گستردگی و فراگیری این قیام آمده است: «]یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف[شرق و غرب جهان را فتح و تمام موجودات جهان را مسخّر می کنند. هر یک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره های آهن سخت تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه های آهن برخوردند، آنها را پاره می کنند و تا وقتی که

۱- بحار الانوار، ج۵۳، ص ۲۷۴؛ بشاره الاسلام، ص ۵۹.

خشنودی خدا فراهم نشود، دست از جنگ بر نمی دارند».(۱)

برخی از این ائتلاف ها و گروه های انقلابی و رهبران آنها عبارت اند از:

۱. سید حسنی و سید حسینی...(۲) و یا سید خراسانی.(۳)

۲. قیام سید هاشمی از گیلان، با یاری سید مشرقی]از خراسان[(یقوم... واحد هاشمی بجیلان).(۴)

۳. نهضت مردی از ایرانیان مقیم کوفه با گروهی از مستضعفان (یخرج رجل من موالی اهل الکوفه فی الضعفاء).(۵)

۴. خیزش مردی از اهل بیت او (مهدی علیه السلام) از مشرق (یخرج قبل المهدی رجلُ من اهل بیته فی المشرق)(۶) و یا پرچم هایی از مشرق به رهبری مردی از تمیم (به نام شعیب بن صالح) (یقودها رجل من تمیم).(۷)

۵. قیام مردی از قزوین هم نام با یکی از پیامبران.(۸)

۶. خروج جوانانی از منطقه خودشان به رهبری مردی به نام

۱- کمال الدین، ج۲، ص۶۷۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۲۷.

۲- یوم الخلاص، ج۲، ص ۱۰۲۶.

۳- الغیبه نعمانی، ص۱۳۵.

۴- الزام الناصب، ص ۱۸۸.

۵- بشاره الاسلام، ص ۱۰۲.

۶- الملاحم و الفتن، ص ۵۳.

۷- یوم الخلاص، ج۲، ص۱۰۳۶.

۸- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۱۳.

صالح (يخرج اليهم فتيان من محالهم ...).(۱)

۷. جنبش مردی از اولاد امام حسين عليه السلام از مشرق (يخرج رجل من ولدالحسين).(۲)

۸. حرکت شعيب بن صالح از سمرقند (يكون خروج شعيب بن صالح من سمر قند)(۳) و....

با بررسی وضعيت اين گروه های انقلابی که شايد بعضی از آنها اشاره به يک شخص يا گروه باشد روشن می شود که طيف ها و دسته های مختلفی از مناطق جهان به ياری قيام حضرت مهدی عليه السلام می شتابند.

گويا اين گروه بندی، در دو طيف مصاف، محقق می شود و هر کدام در ساختاری معين و متحد قرار گرفته و آماده نزاع می شوند. در روايتی از امام صادق عليه السلام آمده است: «دنيا به آخر نمی رسد تا وقتی که ندا کننده ای از آسمان بانگ می زند که ای اهل حق! يک جا جمع شويد، پس همه آنها در يک سرزمين جمع می شوند (يا اهل الحق اجتمعوا فيصيرون فی صعيد واحد). بعد از آن دفعه ديگر ندا می کنند: ای اهل باطل! يک جا جمع شويد، پس اينان نيز در يک

۱- الملاحم و الفتن، ص ۱۱۲.

۲- بشاره الاسلام، ص۵ و ۱۳.

۳- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۱۳.

سرزمین جمع می شونـد (یا اهل الباطل اجتمعوا فیصیرون فی صعید واحد)».(۱) امام رضا علیه السلام می فرمایـد: «سوگند به خدا که اگر قائم ما قیام کند، خداوند شیعیان را از همه شهرها نزد او گرد می آورد».(۲)

آغاز قیام

اشاره

بر اساس روایات، قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ۳۱۳ تن یار خاص شروع می شود؛ لکن فعالیت و تلاش برای گسترش انقلاب به دیگر نواحی جهان و آزادی ملّت های در بند، پس از گرد آمدن ده هزار تن آغاز می گردد. شکی نیست که به تدریج بر تعداد این گروه افزوده شده و مبارزان و گروه های انقلابی دیگر وارد صحنه قیام می شوند. البته قبل از ظهور آن حضرت نیز نهضت های آزادی بخشی در اقصی نقاط جهان (به خصوص ایران و یمن) به وجود آمده و زمینه را برای آغاز انقلاب فراهم می سازند. نکته قابل توجّه اینکه گروه ها و اقشار مختلف مردم حتی فرشتگان جزء حامیان این نهضت بوده و با آن همراه و هماهنگ خواهند بود. امام باقر علیه السلام می فرماید: «شیعیان و یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سراسر زمین به سوی وی حرکت می کنند؛ زمین زیر پایشان جمع می شود و باطیّ الارض به امام می رسند و با او بیعت

۱- الغیبه نعمانی، ص ۳۲۰، ح۹.

۲- اثبات الهداه، ج۳، ص۵۲۴.

می کنند».(۱) امیرمومنان علی علیه السلام می فرماید: «هنگامی که مهدی ظهور می کند، نام او بر سر زبان ها خواهد بود و وجود مردم سرشار از عشق به مهدی است؛ به گونه ای که جز نام او، هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با دوستی او، روح خود را سیراب می کنند».(۲) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «مهدی از امّت من، ظهور می کند؛ خداوند او را به عنوان فریاد رس انسان ها می فرستد. آن زمان مردم در نعمت به سر خواهند برد».(۳) عموم مردم جهان، نه تنها از ظلم ها و جنگ ها و فساد ها دلزده و رنجیده اند؛ بلکه واقعاً خواهان عدالت و منجی عادل و عدل گستر هستند و به همین جهت از این انقلاب پشتیبانی خواهند نمود.

گروه های خاص انقلابی، در روایات به شرح زیر معرفی شده اند:

۱. هسته مرکزی انقلاب

وقتی نهضت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه آغاز می شود، مورد پشتیبانی و حمایت ۳۱۳ تن از انسان های صالح، وارسته، شجاع و برگزیده قرار می گیرد. آنان ضمن شناخت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف با او بیعت می کنند و اطاعت و فرمان بری کامل خود را اعلام می دارند. پس از

۱- عقد الدرر، ص۶۵.

۲- احقاق الحق، ج۱۳، ص۳۲۴.

۳- عقدالدرر، ص۱۶۷.

آن هـدایت و کنترل اوضـاع را در مکه به دست گرفته و عهـده دار مسؤولیت هـای مختلف (نظامی، امنیتی، فرهنگی و...) می شونـد. آنـان پرچمـداران نهضـت و فرمانـدهان نظـامی هسـتند کـه پس از پیروزی قیـام و تسـلطّ بر جهـان، حکـومت منـاطق و کشورهای مختلف را در دست می گیرند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «گویا قائم را بر فراز منبری در کوفه می بینم و پیرامون او، یارانش قرار دارند که ۳۱۳ تن به تعـداد اصـحاب بـدر می باشـند. آنان پرچمـداران قیام (اصـحاب الاولویه) و حاکمان زمین از سوی خداونـد در بین بندگان او هستند».(۱) این ۳۱۳ تن از اطراف جهان و دورترین نقطه ها جمع شـده و به قائم علیه السـلام می پیوندند؛ چنان که در حدیثی از امام باقر علیه السـلام بیان شده است: «خداوند [برای قائم] از دورترین شـهرها (من اقصی البلاد) به تعداد مجاهدان بدر، ۳۱۳ تن مرد را جمع می کند».(۲)

آن حضـرت همچنین می فرماید: «هسته مرکزی یاران قائم، ۳۱۳ تن هسـتند؛ برخی از آنان در روز روشن با نام و نشان وحسب و نسب شـناخته شده و به طور آشـکار به وسـیله ابرها به سوی آن حضـرت می شـتابند و برخی همان گونه که شبانگاه بر بستر خویش خفته اند،

۱- کمال الدین، ج۲، ص ۶۷۲؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۴۹۴، ح۲۴۷.

۲- .بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۱۰.

بدون وعده و آگاهی پیشین [در مکه] به خدمت سالار خویش مفتخر می گردند».(۱)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «یاران مهدی از کران تا کران گیتی به سوی او می شتابند و زمین زیر پای آنان بسان طوماری، در هم پیچیده می شود تا هر چه سریع تر به مکه برسند وبا آن گرامی بیعت کنند»؛(۲) یعنی، همه چیز دست به دست هم می دهند که آنان هر چه زودتر به امام برسند و اطاعت و فرمان بری خود را اعلام کنند. هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین با امام قائم علیه السلام بیعت می کنند، همین۳۱۳ تن هستند. این مطلب را امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی بیان کرده است.(۳) پس از این بیعت است که قیام شروع می شود و یاران حضرت به ده هزار تن می رسند. اینان افرادی نیرومند و رشیدند که تحت لوای امام و فرماندهی ۳۱۳ تن مکه را فتح می کنند و به طرف مدینه و سپس کوفه حرکت می نمایند.(۴)

۱- الغیبه نعمانی، ص۳۱۲، باب۲، ح۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۶۹.

۲- الفصول المهمه، بخش۱۲؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۳۴.

۳- ر.ک: بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۱۷.

۴- ر.ک: حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، ص ۱۷۴.

۲.بسیج نیروهای رزمی (منابع)

۱-۲. نیروی انقلابی ده هزار نفری

پس از حضور ۳۱۳ تن از یاران خاص در رأس قیام مهدوی، ده هزار نیروی سازمان دهی شده، به آنان می پیوندند و نهضت را آغاز می کنند. امام باقر علیه السلام فرمود: «فاذا اجتمع الیه العقد و هو عشره آلاف رجل خرج...»؛ «آن گاه که ده هزار نفر نزد او گرد آیند[از محل اولیه قیام، به سوی دیگر مناطق] حرکت خواهد کرد».(۱) امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم در میان کمتر از فئه (گروه) خروج نخواهد کرد و فئه از ده هزار کمتر نیست».(۲) ابوبصیر نیز می گوید: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با قائم خروج می کنند؟ مردم می گویند با او ۳۱۳ تن به تعداد مجاهدان بدر خروج می کنند؟ فرمود: به جز [اینها] در بین عده ای اولوالقوه (نیرومند)، خروج می کند و اینها کمتر از ده هزار نفر نیستند».(۳) بر اساس روایتی امام علی علیه السلام می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با لشکری دوازده هزار نفری یا پانزده هزار نفری از مکه حرکت می کند و در دل دشمنان ترس و وحشت می اندازد...».(۴)

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۵۶، ح ۵۴۹.

۳- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۲۹، ص ۲۳۴.

۴- معجم احادیث الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۴۰۸.

۲-۲. هفتاد هزار صدیق و ۳۶ هزار محافظ

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وقتی قائم ظهور می کند و به کوفه وارد می شود، خداوند از ورای کوفه، هفتاد هزار صدّیق را بر می انگیزد که یارو یاورش باشند».(۱) علاوه بر این در روایتی آمده است «تعداد محافظان وی ۳۶ هزار نفراند و بر سر هر یک از بزرگ راه های منتهی به بیت المقدس، دوازده هزاز نفر مستقر می شوند».(۲)

۲-۳. تمامی شیعیان

طبرسی صاحب مجمع البیان ذیل آیه «اینما تکونوا یات بکم الله جمیعاً» می نویسد: «در اخبار اهل بیت علیه السلام نقل شده که مقصود اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان است» و امام رضا علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند، خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد.(۳)

۲ ۴. سایر گروه ها

نیروهای انقلابی، منحصر در این تعداد نیست؛ چنان که حر عاملی می گوید: «در روایت است که تعداد یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صد هزار نفر

۱- اثبات الهداه، ج۳، ص۵۸۴، ج۷۸۸.

۲- عقد الدرر، ص۱۴۳.

۳- اثبات الهداه، ج۳، ص۵۲۴، ح۴۱۵.

است».(۱) حتی بر اساس روایتی عـده ای از پیروان ادیان دیگر و صالحانی که از دنیا رفته انـد (و رجعت کرده انـد)، به انقلاب جهـانی مهـدوی می پیوندنـد. امـام صادق علیه السـلام فرمود: «هنگامی که قائم آل محمـد ظهور کنـد، تعـدادی از پشت کعبه بیرون می آیند که عبارت اند از: ۲۷ نفر از قوم موسی (آنان که به حق قضاوت می کردند)، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر»(۲) و... .

در کنار این گروه های انقلابی، زنان مبارز و مجاهد نیز حضور داشـته و با تمام توان به یاری نهضت خواهند شـتافت. نخستین گروه از زنانی که جزء یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف قرار می گیرند، کسانی اند که در زمان او زندگی کرده و هماننـد دیگر اصـحاب به هنگـام ظهـور در مکه به انقلابیون می پیوندنـد. امـام بـاقر علیه السـلام می فرمایـد: «و یجیء و الله ثلاثمائه عشر رجالاً فیهم خمسون امرأه یجتمعون بمکه...»(۳) ؛ «به خدا سوگند! ۳۱۳ تن می آیند که پنجاه تن از این عده زن هسـتند که [بـدون هیـچ قرار قبلی] در مکه کنار یکـدیگر جمع خواهنـد شد...». علاوه بر این عده، سـیزده زن نیز از یاران امام عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود. مفضل

۱- اثبات الهداه، ج۳، ص۵۷۸؛ بشاره الاسلام، ص ۱۹۰.

۲- ارشاد مفید، ج۲، ص۳۸۶؛ تفسیر عیاشی، ج۲، ص۳۲.

۳- الغیبه نعمانی، ص۲۷۹؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۳۳.

بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «همراه قائم، سیزده زن هستند». عرض کردم آنان چه می کنند و چه نقشی دارند؟ فرمود: «زخمی ها را مداوا می کنند و از بیماران پرستاری می نمایند؛ همچنان که همراه رسول خد صلی الله علیه و آله و سلم بودند».(۱)

۳. نیروهای بزرگ انقلابی

اشاره

بر اساس روایات چندین جنبش و گروه انقلابی عظیم به یاری نهضت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شتابند و با تمام وجود در پیروزی آن می کوشند. مهم ترین این نهضت ها، جنبش سید خراسانی و سید حسنی از ایران و جنبش یمانی از یمن است. علاوه بر اینها، دسته ها و گروه های مختلفی نیز به قیام حق طلبانه مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پیوندند.

۱-۳. نهضت مردم مشرق زمین

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «یخرج ناسٌ من المشرق یوطئون للمهدی»(۲)؛ «مردمی از مشرق خروج می کنند و برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه سازی می نمایند» و نیز می فرماید: «اهل بیت من به سختی دچار بلاها و گرفتاری ها می شوند و آن گاه خداوند پرچم های سیاهی را از طرف مشرق می فرستد. هر کس آنها را یاری

۱- اثبات الهداه، ج۳، ص ۵۷۵ ؛ دلایل الامامه، ص ۳۵۹.

۲- کشف الغمه، ج۳، ص ۲۶۷؛ منتخب الاثر، ص ۳۰۴.

کنـد، خـدا را یاری کرده است و هر کس آنها را زبون سازد، خدا را زبون ساخته است. این پرچم ها به اهتزاز در می آید تا با مردی که هم نام من است، بیعت نموده و او را به رهبری خود انتخاب کنند و خدایش او را تأیید می کند».(۱)

از امیرمؤمنـان علیه السـلام نقـل شـده است: «پرچم هـای بی نام و نشان از خاور زمین به اهتزاز در می آیـد که از پنبه و کتان و ابریشم نیست. آنها را بر سر نیزه ها می زنند و نام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر آنها نقش می شود و آنها را مردی از آل محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم رهبری می کند. چون از مشرق حرکت می کنند، عطر آنها در مغرب بهتر از مشک و عنبر به مشام می رسد».(۲)

بـا بررسـی احـادیث مربوط به نشانه های ظهور روشن می شود که به احتمال زیاد منظور از مشـرق، ایران است که نهضت های مردمی برای یاری حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از آنجا شروع می شود که در سطور بعدی به آن پرداخته می شود.

۲-۳. نهضت بزرگ ایرانیان

امام باقر علیه السلام می فرماید: «نیروهایی با پرچم های سیاه که از خراسان

۱- یوم الخلاص، ج۲، ص۱۰۳۷.

۲- الزام الناصب، ص ۲۵۸؛ یوم الخلاص، ج۲، ص ۱۰۴۵.

قیام کرده اند در کوفه فرود می آیند و هنگامی که مهدی علیه السلام در شهر مکه ظهور می کند، با او بیعت می کنند»(۱). در روایتی از آن حضرت آمده است: «گویی گروهی را با چشم خود می بینم که از خاور زمین خروج کرده اند، حق را مطالبه می کنند و به آنان داده نمی شود. آن گاه شمشیرهای خود را حمایل می کنند. پس آن را نمی پذیرند و قیام می کنند و پرچم های خود را به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می سپارند».(۲)

روایات، بیانگرآن است که سید خراسانی هم زمان با خروج سفیانی در ایران قیام می کند و زمانی که سپاه سفیانی مشغول کشتار مردم عراق هستند، با سپاهی بزرگ از ایران برای نجات مردم و به خصوص شیعیان و مهیّا سازی کوفه برای ورود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، رهسپار عراق می گردد. فرماندهی نیروهای ایرانی، شعیب بن صالح است که از مردان شجاع نامی است. سفیانی که از حرکت سپاه خراسانی با خبر می شود سپاهی را برای مقابله با او می فرستد که در طرف جنوب ایران در منطقه ای به نام استخر به هم می رسند و نبرد شدیدی در می گیرد. بر اثر شجاعت و فداکاری سپاه ایران، سپاه سفیانی شکست می خورد و عقب نشینی می کند.

۱- عقدالدرر، ص۱۲۹؛ الحاوی للفتاوی، ج۲، ص۶۹.

۲- الزام الناصب، ص ۱۸۸؛ یوم الخلاص، ج۲، ص ۱۰۶۵.

امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی می فرماید: «سفیانی، لشکری را به سوی کوفه می فرستد که هفتاد هزار نفرند؛ آنها در آنجا به قتل و کشتار و اسارت مردم می پردازند. در چنین شرایطی پرچم هایی از سوی خراسان به رهبری سید خراسانی (بقیاده الخراسانی)، نمایان می شوند که منزلگاه ها را با سرعت چشمگیری طی کرده و پشت سر می گذارند و در میان آنها، عده ای از اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند».(۱) و «... وقتی سپاه سفیانی به سمت کوفه حرکت می کند، آنها را برای [درگیری و پیروزی بر] اهل خراسان (ایرانیان) می فرستد که آنها هم به جهت [یاری] حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خارج شده اند. سفیانی و سید خراسانی [حامل پرچم های سیاه] به هم می رسند. در خط مقدم [سپاهیان] سید خراسانی، شعیب بن صالح است. میان او و سفیانی در استخر، جنگ خانمان برانداز شدیدی صورت می گیرد که پرچم های سیاه پیروز شده و لشکر سفیانی متواری و فراری می شوند. به دنبال آن مردم آرزوی [آمدن] مهدی را می کنند و او را می جویند. او هم در مکه قیام می کند؛ در حالی که پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را به همراه دارد و آن هم در زمانی است که مردم از قیام او به خاطر شدت و مدّت بلایا و فتنه ها مأیوس شده اند».(۲)

۱- الغیبه نعمانی، ص ۱۸۷.

۲- بشاره الاسلام، ص۱۷۴. و نیز ر.ک: عقدالدرر، ص۱۲۶؛ فتن ابن حماد، ص۸۴.

۳–۳. نهضت رهایی بخش از یمن

یکی از قیام های مردمی پیش از انقلاب جهانی مهدوی، خروج سرداری از یمن است که مردم را به راه حق و عدل دعوت می کند؛ نام او یمانی است. قیام وی یکی از عوامل زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این نهضت، هدایت بخش ترین حرکت پیش از ظهور است و بر افراشته شدن پرچم آن، نوید دهنده مؤمنان منتظر است و در روایات یاری رساندن به آنان توصیه شده است. در این رابطه امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «قیام خراسانی و سفیانی و یمانی، در یک سال و در یک ماه و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی، دعوت به حق و هدایت نمی کند؛ چرا که شما را به]تبعیت از[امامتان دعوت می کند. پس از قیام یمانی، خرید و فروش اسلحه، برای مردم و به خصوص مسلمانان ممنوع می شود و هرگاه]یمانی[، قیام کرد، به سوی او حرکت کن و بشتاب که آن را پرچم هدایت خواهی یافت. احدی از مسلمانان اجازه ندارد با او مقابله کند و هرکس چنین کند، جهنمی است؛ چرا که یمانی به حق و صراط مستقیم، دعوت می کند».(۱) خاستگاه خروج یمانی، سرزمین یمن است؛ چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «سفیانی از

۱- الغیبه نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

شام و یمانی از یمن خروج می کند».(۱)

یمانی پس از خروج برای نبرد با سفیانی به سوی شام می رود و در مدخل شام، با سپاه خراسانی ملاقات می کند که او نیز برای نبرد با سفیانی و برای یاری یمانی بیرون آمده است.(۲) روایات می گویند: یمانی در پی نبرد سفیانی با وی، وارد عراق می شود. او بامدد از نیروی خراسانی، وارد صحنه کارزار می شود. در آن زمان اوضاع کلی جهان، در یک جنگ بزرگ فرهنگی و مدنی خلاصه می شود که میدان این جنگ، شام، فلسطین، عراق، ایران و حجاز است. در این معرکه دو دسته و سپاه، در برابر یکدیگر به مبارزه مشغولند: یاوران حضرت مهدی علیه السلام و زمینه سازان قیام ایشان، ۲. حرکت سفیانی و یاری رسانان غربی او (رومیان و یهودیان)... .(۳)

این حادثه درست قبل از زمان ظهور حجت علیه السلام است؛ چنان که کلینی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «اقبل الیمانی و تحرک الحسنی و خرج صاحب هذا الامر»؛ «یمانی پیش می تازد، حسنی به جنبش درآید و صاحب این امر خروج می کند».(۴)

۱- بشاره الاسلام، ص ۱۰۰.

۲- ر.ک: بشاره الاسلام، ص ۱۲۱.

۳- ر.ک: نشانه های ظهور (پیرامون علائم حتمیه ظهور حضرت حجت)، ص ۱۲۹؛ شش ماه پایانی، ص ۹۰.

۴- کافی، ج۸ و ص ۱۸۹، ح۲۸۵.

۴. گروه های خاصّ

اشاره

در روایات به نام بعضی از گروه ها و دسته ها اشاره شده که هنگام قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا پس از آن، از مناطق و شهرهای مختلف ظاهر شده و به یاری حضرت می شتابند. اینان جوانمردان، پاک دلان، نیکو خصالان و شجاعانی هستند که با حضور خود در جمع انقلابیون، کمک های شایانی در جهت پیروزی نهضت ارائه خواهند داد. احتمالاً آنان به فعالیت های مختلف نظامی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی می پردازند که در اینجا به اسامی آنها اشاره می شود:

۱-۴. اخیار

امام باقر علیه السلام می فرماید: «سیصد و اندی در میان رکن و مقام با قائم بیعت می کنند... «اخیار» از عراق در میان آنها هستند. بر پا می دارند آنچه را که خداوند می خواهد بر پا داشته شود».(۱) اخیار به معنای نیکان و صالحان است که از یاران نزدیک امام علیه السلام بوده و در روی زمین به گردش پرداخته و به امور مردم رسیدگی خواهند کرد.

۲-۴. رفقا و ابدال

در روایتی آمده است «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام می کند، خداوند اهل شرق و غرب را برای او جمع می کند، آنان مانند ابر متراکم

۱- کتاب الغیبه، طوسی، ص۷۴؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۴، ح۶۴.

پاییزی گرد می آیند؛ پس رفقا از کوفه و ابدال از شام هستند».(۱)

«ابدال» جمعی از صالحان هستند که در هنگام ظهور، خود را از شام به مکه می رسانند و با آن حضرت بیعت می کنند. اینان مردانی صالح،مخلص و کامل می باشند که احتمالا امور فرهنگی را در دست بگیرند. «رفقا» نیز از کوفه می آیند و بین آنها دوستی و صمیمیت زیادی وجود دارد.

۳-۴. نجبا

امام باقر علیه السلام می فرماید: «سیصد واندی به تعداد اهل بدر در میان رکن و مقام با قائم بیعت می کنند: نجبا از مصر هستند...».(۲) نجبا از سرزمین مصر می آیند و افرادی پاک سرشت، خوش نفس و جوانمردند.

۴-۴. عصائب

بر اساس روایتی: «عصائب از عراق خروج می کنند که راهبان شب و شیران روز هستند».(۳) عصائب به معنای جوانمردان رشید و نیرومند است و این ویژگی بارز یاران مهدی علیه السلام می باشد.(۴)

۱- منتخب الاثر، ص۵۹۷، ح ۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۴۷.

۲- کتاب الغیبه، طوسی، ص۴۷۶؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۴۳.

۳- اختصاص، مفید، ص ۲۰۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۴.

۴- ر.ک: آینده جهان، صص۲۷۸-۲۸۰.

شکل گیری وضعیت انقلابی

انقلاب مهـدوی ابتـدا حالت تهاجمی و جنگی نـدارد، بلکه نهضت مقدسـی برای رهایی انسان ها و فرو کاهیدن از آلام و رنج بشـری و سـوق دادن آنـان به کمـال نهـایی و سـعادت سـرمدی است. پیـام واضـح و آشـکار این انقلاـب «معنـویت، عـدالت و عقلاـنیت» است که همگـان به آن دعوت می شونـد. محمـد بن مسـلم از امـام باقر علیه السـلام درباره آیه شـریف «امّن یجیب المضـطرّ اذا دعاه» نقل می کند که فرمود: «... این آیه در مورد قائم است، آن گاه که خروج می کند، عمامه به سـر می بندد. پس نزد مقام ابراهیم نماز می گزارد و به پیشـگاه پروردگارش زاری می کند؛ آن گاه هیچ چیز و هیچ کس از سـلطه و غلبه او خارج نخواهد شد».(۱)

از امام زین العابـدین علیه السـلام نقل شـده است: «سـپس در حالی که مردم اطرافش گرد آمـده اند، به سـمت مکه خروج می کند... [آنجا] قیام کرده، می گوید: ای مردم! من فلانی، فرزند فلانی هسـتم، من پسر رسول خدا هستم. شما را به همان چیزی دعوت می کنم که پیامبر خدا، شما را به آن فراخوانده است».(۲) از امام صادق علیه السلام نیز نقل است که فرمود: «... به نزد مقام ابراهیم می آید و مردم را به حق

۱- اثبات الهداه، ج۳، ص ۵۶۴، ح۶۴۴.

۲- اثبات الهداه، ج۳، ص ۵۸۲، ح۷۷۱.

فرا می خواند».(۱) گروه های حاکم در اقصی نقاط عالم به خصوص حجاز و خاورمیانه به این دعوت پاسخ منفی می دهند و درصدد سرکوبی این نهضت بر می آیند. آنان حاکمان ستمگر و مفسدی هستند که منافع نامشروع خود را در خطر می بینند و پیام های هدایت گونه و اصلاح گرایانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آنان تأثیری نمی گذارد. صاحبان زرو زور و تزویر و طرفداران باطل (جبهه کفر و نفاق و فساد)، هجومی گسترده علیه انقلاب جهانی آغاز می کنند و خواهان نابودی آن هستند. اما وقتی امام دعوت عمومی خویش را شروع می کند، مردم رنجدیده و از همه جا مأیوس گرداگردش حلقه می زنند و با او بیعت می کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح گر جهان برایش مجهزّ می شود. در روایتی آمده است: « [یاران قائم] شرق و غرب جهان را می گیرند و تمامی موجودات جهان را مسخّر می کنند. هر یک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره های آهن سخت تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه های آهن برخورند، آنها را پاره می کنند و تا وقتی که خشنودی خدا فراهم نشود، دست از قیام نمی کشند».(۲)

در آن هنگام زمامداران خودسر و ستمگران بی وجدان ندای

۱- اثبات الهداه، ج۳، ص۵۸۳، ح۷۷۹.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۶۷۳.

مخـالفت خود را اعلام می دارنـد و از منـاطق مختلف و گروه هـای اهریمنی یاری می طلبنـد و از سـفیانی گرفته تا یهودیان و غربیان و از قبایل عربی گرفته تا ارتش روم و روسیه، با حق طلبان و عدالت خواهان ستیزه جویی می کنند. اما آنان با هم متحد شده و به دشمنان حق و عدالت هجوم می برند و با تأییدات الهی ستمکاران را ریشه کن ساخته، از بین می برند.

مصاف نهایی حق طلبان با باطل گرایان

بسـیج نیروها (گروه های ائتلافی و چالشـگر) تحت رهبری امام مهدی علیه السـلام، به شکل گیری دعاوی و آرمان هایی منجر می شود که بـا جـامعه سیاسـی مسـتقر سازگـاری نـدارد. این دعـاوی و خواست هـا بیشتر از آنکه مادی باشـد، جنبه ارزشـی و هنجـاری دارد؛ ماننـد حق گرایی، معنویت گرایی، عـدالت خواهی، صـلح طلبی و ... این، آغـاز ظهور وضـعیت انقلابی است. قدرت این دعاوی (معنویت، عدالت، ظلم ستیزی، حق طلبی و...) که با اهداف بسـیج هم خوان بوده، سطح تعهّد عمومی را به شـدّت افزایش می دهـد. طبقه متوسـط و پـایین جامعه، در این نقطه به بسـیج مردم می پیوندنـد و یک ائتلاف مردمی فراگیر و جهـانی چنـد طبقه ای را به وجود می آورنـد. شـدّت و گستردگی بسـیج مردم در این زمـان، همراه با ترکیب نیروهای مسلّح، باعث ناتوانی دستگاه سرکوب دولت های جائر شده و به بر قراری

حاکمیت دوگانه منتهی می گردد. مصاف نهایی بین دو گروه عمـده در جهان (حق و باطل)، در گستره بسیار بزرگی صورت می گیرد. امام صادق علیه السـلام می فرمایـد: «اهل سـیزده شـهر و طائفه با امام قائم نبرد می کننـد: اهل مکه، اهل مـدینه، اهل شـام، بنی امیه، اهـل بصـره، اهـل دشت میسان، کردها، عرب ها، ضـبهّ، غنی، باهله، ازد، بصـره و اهل ری».(۱) امـام کاظم علیه السـلام درباره تفسیر آیه «وله اسـلم من فی السـموات و الارض طوعا و کرها» می فرمایـد: «این آیه درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی گرایان و برگشـتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کنـد و اسـلام را به آنان پیشـنهاد می نمایـد...».(۲) «کفّار، بر شـهرهای پنج گانه سـیحون، جیحون، دجله، فرات و نیل مسلّط می شوند...».(۳)

در مقابل گروه حق، به رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با شجاعت و اقتدار تمام در مقابل آنان می ایستند و تا نابودی آنها، ساکت نمی شونـد. از امام علی علیه السـلام نقل شـده است: «او با تعـداد دوازده هزار تن حداقل و پانزده هزار تن حداکثر خروج می کند، ترس و وحشت پیشاپیش او (به دل دشمنان) راه می یابد. هر دشمنی که با وی بر خورد کند، به فرمان

۱- اثبات الهداه، ج۳، ص۵۴۴، ح۵۳؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۶۳.

۲- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۱۸۳؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۵۴۹.

۳- معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص۲۷۴.

خـدا او را از پای در آورد. شـعار آنان «بمیران، بمیران» است. در راه خـدا از سـرزنش هیچ ملامت گری باک و هراس ندارند. در این وقت هفت لشکر از شام به سوی آنها هجوم می آورند که امام علیه السلام جملگی را شکست داده و آنها را به اسارت خویش در می آورد و محبت و نعمت و «قاصّه» و «بزاره» آنها به مسـلمانان بازگردد و پس از آنان جز خروج دجال، حادثه ای باقی نمی ماند. پرسـیدیم: قاصّه و بزاره چیست؟ فرمود: امام زمان، حکومت را به دست می گیرد، به گونه ای که کسـی هر چه خواهـد، بگویـد و از هر چیزی نهراسد».(۱) شـعرانی می گویـد: «هنگامی که حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به مغرب زمین می رسـد، بخشـی از مردم به سوی او رفته، می گوینـد: ای ولی الله و حجت خـدا! جزیره انـدلس را یـاری کن که خود و مردمش هلاک شده اند».(۲) امام صادق علیه السـلام می فرماید: «در آن روز هر کسـی از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه باشد، به مکه می گریزد تا در آنجا به صاحب این امر ملحق گردد و صاحب این امر رهسپار عراق شده و لشکری را به مدینه گسیل می دارد تا مردم آن سامان در امنیت به سر برند و مردم دوباره به مدینه بر گردند».(۳)

امام رضا علیه السلام می فرماید: «به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند،

۱- نسخه خطی ابن حماد، ص۹۶ (به نقل از: عصر ظهور، ص۳۳۶).

۲- احقاق الحق، ج۱۳، ص ۲۶۰.

۳- کافی، ج۸، ص ۲۲۴.

خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد».(۱) حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «گویا قائم را می بینم که سربازانش را به سراسر جهان گسیل می دارد».(۲) و نیز «مهدی علیه السلام، یاران خود را برای گرفتن بیعت، به سراسر جهان می فرستد و ستم و ستمگران را نابود می کند و شهرهای گشوده شده، برای او تثبیت می گردد و خداوند به دست مبارکش، قسطنطنیه را می گشاید».(۳)

با وحدت و انسجامی که در صفوف انقلابیون به وجود می آید و رهبری بی بدیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروز و موفقیت کامل نصیب حق طلبان می شود و صالحان و شایستگان جانشین مجموعه قبلی می شوند.

از آنجایی که انقلاب مهدوی، فراگیر و جهان شمول است و بسیج منابع نیز به صورت گسترده از نیروهای انقلابی صورت می گیرد، انتقال قدرت نیز فراگیر بوده و شامل همه نظام های سیاسی حاکم بر جهان می شود. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مرحله آغازین پیروزی، همه حکّام جور و ستم را بر کنار می کند و صالحان حق طلب و عدالت گستر را به جای آنها منصوب می نماید: «... لیعزلَنَّ عنکم امراء الجور ولیطهرنَّ

۱- اثبات الهداه، ج۳، ص۵۲۴، ح۴۱۵.

۲- ارشاد مفید، ص۳۴۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۷.

۳- ملاحم، ابن طاووس، ص۶۴.

الارض من کلّ غاش»؛(۱) «... حکمرانان ستم پیشه را عزل می کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریبکار پاک می سازد». امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که امام قائم قیام می کند، دولت باطل بر چیده می شود (اذا قام القائم ذهبت دوله الباطل)»(۲) و «همانا نابودی پادشاهان ستمگر و ظالم به دست قائم ما است (ان زوال ملک الجبابره و الظلمه علی ید القائم منّا)».(۳) به این ترتیب همه شهرها و کشورهای جهان را یک به یک از دست حکام فسادگر و ظالم خارج می کند و انقلاب جهانی خود را به همه جای عالم گسترش می دهد. این خیزش و جنبشی است که حق طلبان و مستضعفان عالم را در خود جای می دهد و در نتیجه اتحاد فراگیر و کنش جمعی و همگانی، به پیروزی می رسد. آنچه در این قیام نمود بیشتری دارد، شمول نجات بخشی و حق گستری آن، به همه طبقات و گروه های جامعه و به تمامی کشورها و مناطق عالم است. این نشانگر گسترده بودن وضعیت انقلابی و در نتیجه حتمی بودن انتقال قدرت است.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «قائم سه پرچم را برای [عملیات در] سه نقطه آماده می کند: پرچمی را به قسطنطنیه گسیل می دارد و خداوند

۱- بحار الانوار، ج۵۱، ص۱۲۰.

۲- منتخب الاثر، ص۵۸۷، ح۴۰۳.

۳- کمال الدین، ج۲، ص۳۵۴، ح۵۱.

آنجا را برای او می گشاید. پرچم دیگری را برای چین می فرستد و آنجا نیز به دست حضرت گشوده می گردد و پرچم سوم را به کوه های دیلم می فرستد و آنجا نیز به تصرف نیروهایش در می آید».(۱) ازامام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «مهدی می رود تا در بیت المقدس فرود آید، خزائن را نزد او می آورند. عرب و غیر عرب و جنگ افروزان و رومیان (غربیان) و دیگران، جملگی به اطاعت وی در می آیند».(۲)

«... سفیانی بیعت خود را از امام علیه السلام باز پس می گیرد... آن گاه لشگریان خود را برای مبارزه با آن حضرت بسیج می کند. امام علیه السلام وی را شکست داده و خداوند رومیان (غربی ها) را نیز به دست آن بزرگوار شکست خواهد داد».(۳) امام باقر علیه السلام می فرماید: «... خداوند به دست او سرزمین های روم، چین، ترک، دیلم، سند، هند، کابل، شام و خزر را می گشاید».(۴)

از نتایج درخشان انقلاب مهدوی، به وجود آمدن وحدت و انسجام پایداردر جهان است. در روایتی درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «هو الذی یجمع الکلم و یتّم النعم»(۵)؛ «او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می کند و نعمت را کامل می سازد».

۱- اثبات الهداه، ج۳، ص۵۸۵.
۲- نسخه خطی ابن حماد، ص۹۶ (به نقل از: عصر ظهور، ص۳۳۶).
۳- نسخه خطی ابن حماد، ص۹۷.
۴- الغیبه نعمانی، ص۱۰۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۴۸.
۵- یوم الخلاص، ج۲، ص۶۶۳.

منابع

۱. آذری، ابوالقاسم. حماسه پیروز عاشورا، چاپ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.

۲. آل سید حیدر، سید مصطفی، بشاره المصطفی، قم: مؤسسه آل البیت، بی نا.

۳. ابن ابی الحدید، ابوحامد بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ۲۰ جلد، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.

۴. ابن اثیر جزری، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.

۵. ابن شهرآشوب، محمّد بن علی، المناقب ، ج ۴، قم : انتشارات علّامه ، ۱۳۷۹.

۶. ابن صبّاغ مالکی، علی بن محمد، فصول المهمّه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۱.

۷. ابن طاووس، اللهوف، ابو الحسن میر ابو طالبی، قم، دلیل، ۱۳۷۹.

۸. ، اللهوف، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵.

۹. ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، عیون الاخبار، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا.

۱۰. ابن نماحلّی، جعفر بن محمد، مثیر الاحزان، قم، موسسه امام مهدی، ۱۴۰۶.

۱۱. ابو مخنف، لوط بن یحیی، مقتل الحسین، قم، وفاء، ۱۳۶۸.

۱۲. ابو معاش، سعید، الامام المهدی فی القرآن و السنه، چاپ اول، مشهد: بنیاد

پژوهش های قدس رضوی، ۱۳۸۰.

۱۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۲، چاپ اول، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.

۱۴. استاد ولی، حسین، حسین بن علی به روایت اهل سنت، چاپ اول، تهران، منیر، ۱۳۷۷.

۱۵. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶.

۱۶. انصاریان، حسین، با کاروان نور، چاپ اول، قم، دارالصادقین، ۱۳۷۶.

۱۷. بحرانی، المحجّه فی مانزل فی القائم الحجّه (سیمای حضرت مهدی در قرآن)، ترجمه مهدی حائری قزوینی، چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.

۱۸. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

۱۹. تستری، جعفر، خصائص الحسینیه، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۳۷۵.

۲۰. ثقفی، ابی هلال، الغارات، چاپ اول، تهران، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰.

۲۱. جمعی از نویسندگان، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، علی مؤیدی، چاپ دوم، قم، معروف، ۱۳۸۵.

۲۲. جمعی از نویسندگان، موسوعه کلمات الامام الحسین، قم، معروف. ۱۳۷۴.

۲۳. جوادی آملی، عبدالله، حماسه و عرفان، چاپ اول، قم، اسراء، ۱۳۷۷.

۲۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه (بالنصوص والمعجزات من الامام...)، ۳ جلد، چاپ اول، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، بی تا.

۲۵. ، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹.

۲۶. حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، ج ۱، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۴.

۲۷. حسینی طهرانی، محمد حسین، لعمات الحسین، چاپ پنجم، مشهد، علامه طباطبایی، ۱۴۲۱.

۲۸. حکیمی، محمد رضا، قیام جاودانه، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

۲۹. حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.

۳۰. خزّاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ۱ جلد، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱.

۳۱. خمینی، امام روح الله، صحیفه نور، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۱.

۳۲. ، قیام عاشورا در مکتب و پیام امام خمینی، پنجم، تهران، تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۱.

۳۳. خوارزمی، ابوالمؤید الموفق بن احمد، مقتل الحسین، مکتبه المفید، بی تا.

۳۴. در بندی، ملاآقا، اسرارالشهاده، سنگی، تهران، منشورات الاعلمی، ۱۲۸۴.

۳۵. دشتی، محمد، پیام های عاشورا، چاپ اول، قم، امیرالمؤمنین، ۱۳۷۶.

۳۶. ، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، چاپ اول، قم، مشهور، ۱۳۸۰.

۳۷. دینوری، احمد بن داود، اخبار الطوال، قاهره، احیاء الکتب، ص ۱۹۶۰.

۳۸. رضایی، محمد علی، آموزه های تربیتی عاشورا، چاپ اول، اصفهان، شهید مسلم، ۱۳۷۹.

۳۹. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، بیروت، اهل البیت، ۱۴۰۱.

۴۰. سلیمان، کامل، یوم الخلاص (روزگار رهایی)، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.

۴۱. سیوطی، حافظ جلال الدین، العرف الوردی، چاپ اول، دمشق: دار الکوثر، ۱۴۲۲.

۴۲. شهیدی، سید جعفر، قیام حسین علیه السلام، پانزدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.

۴۳. صاحبی، محمد جواد، مقتل الشمس، چاپ سوم، قم، هجرت. ۱۳۷۵.

۴۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ۱ ج، چاپ اول، قم: سیده المعصومه، ۱۴۱۹.

۴۵. صدر، سید رضا، پیشوای شهیدان، قم، ۲۲ بهمن، بی تا.

۴۶. صدر، محمد، تاریخ پس از ظهور، اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴.

۴۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی ، عیون اخبار الرضا(ع)، ۲ جلد، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸.

۴۸. ، الفقیه، ۴ جلد، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۱۳.

۴۹. ، کمال الدین وتمام النعمه، ۲جلد، چاپ دوم، قم: دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۹۵.

۵۰. ، امالی، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲.

۵۱. طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی،۱۳۷۴.

۵۲. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳.

۵۳. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، چاپ سوّم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.

۵۴. طبرسی، محمد بن محمد بن علی، بشاره المصطفی، ج ۱، چاپ دوم، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۹.

۵۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۶.

۵۶. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ج ۱، قم: دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.

۵۷. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، التهذیب، ۱۰ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۵۸. ، امالی، چاپ اول، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴.

۵۹. ، کتاب الغیبه، چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱.

۶۰. قرشی، باقر شریف، حیاه الامام الحسین، چاپ اول، قم، داوری، بی تا.

۶۱. قطب الدین راوندی، ابی الحسن سعید بن هبه الله، الخرائج والجرائح، ۳ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹.

۶۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، چاپ سوم، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۳.

۶۳. ، نفس المهموم، ترجمه شعرانی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیه، ۱۲۷۴.

۶۴. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودّه، ۲ جلد، چاپ دوم، قم: شریف رضی، ۱۳۷۵.

۶۵. کارگر. رحیم، آینده جهان، چاپ دوم، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷.

۶۶. ، جستارهایی در مهدویت، اول، قم. مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۶.

۶۷. کاظمی، سید مصطفی، بشاره الاسلام، چاپ اول، نجف: بی نا، ۱۳۸۲.

۶۸. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، کافی، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۶۹. کورانی، علی و...، معجم احادیث المهدی علیه السلام، ۴جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.

۷۰. متقی هندی، علاء الدین علی، البرهان (فی علامات مهدی آخر الزمان)، چاپ اول، قم: مطبعه خیام، ۱۳۹۹.

۷۱. ، کنز العمال، ج ۱۴، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵.

۷۲. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی ، بحارالانوار، ۱۱۰ جلد، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۷۳. محدثی، جواد، پیام های عاشورا، سوم، قم، کوثر غدیر، ۱۳۸۱.

۷۴. ، فرهنگ عاشورا، قم، معروف، ۱۳۷۴.

۷۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۷.

۷۶. مدرسی، سید محمد تقی، الامام الحسین علیه السلام مصباح هدی و سفینه نجاه، تهران، مدرسی، ۱۴۱۴.

۷۷. مرعشی نجفی، شهاب الدین، ملحقات الاحقاق، ج ۲۹، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۵.

۷۸. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (از دیدگاه فلسفه تاریخ)، چاپ پانزدهم، قم: صدرا، ۱۳۷۴.

۷۹. ، مجموعه آثار (حماسه حسینی)، هفتم، قم، قلم، ۱۳۷۸.

۸۰. معتمد الدوله، فرهاد میرزا، قمقام زخّار، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۳.

۸۱. مغنیه، محمدجواد، شیعه و زمامداران خودسر، ترجمه مصطفی زمانی، دوم، بی نا، ۱۳۴۳.

۸۲. مفید، محمدبن محمدبن نعمان بغدادی، امالی، ج۱، چاپ دوم، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۸۳. ، الخصال، ج ۲، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۳.

۸۴. ، الاختصاص، ج۱، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

ص: ۲۴۰

۸۵. ، الارشاد، ج۱، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۸۶. مقدّسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر (فی اخبار المنتظر)، چاپ اول، قاهره: مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹.

۸۷. مقرّم، عبدالرزاق الموسوی، مقتل الحسین، چاپ دوم، بیروت، دارالثقافه، ۱۴۱۱.

۸۸. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ هشتم، قم: مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۷۶.

۸۹. موسوی همدانی، محمد باقر، نگاهی عارفانه بر محرّم، چاپ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.

۹۰. نباطی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، ۳ جلد، چاپ اول، نجف: کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴.

۹۱. نجفی، شرف الدین، تأویل الآیات الظاهره، قم: مؤسسه الامام المهدی.

۹۲. نجمی، محمد صادق، سخنان حسین بن علی (از مدینه تا کربلا)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.

۹۳. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷.

۹۴. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸.

۹۵. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الانوار المضیئه، قم: چاپخانه خیام، ۱۴۰۱.

۹۶. هاشمی نژاد، عبدالکریم، درسی که حسین علیه السلام به انسان ها آموخت، تهران، فراهانی، ۱۳۵۳.

۹۷. یزدی حائری، علی، الزام الناصب، چاپ اول، تهران: ۱۳۵۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹